

**TECHNICAL DICTIONARY WATER
AND
WASTEWATER**

ENGLISH - PERSIAN

By: MAHIN - NIROMAND

spring 1382

In the name of god

Preface

This one - volume technical and specialty dictionary of "water and wastewater" which consist of thousands of words and idioms is prepared to use by all students, engineers and specialists of this industry.

I sincerely hope that my labors in this regard have been successful and that the reader will find the book worth while.

MAHIN NIROMAND

Winter of 2003

A few points from the author:

In order

to notice the translation of technical materials and understanding the book may have variant meanings in day to day conversation. but, the application of these words In this book are only "Hundred" percent related to the science of "water and wastewater".

- In this percent collection it has been tried to use as many as possible vocabulary and technical idioms that has more application and more need in the "water and wastewater" industry with accurate spelling and also pronunciation of words is inside the "parentheses ()" and the abbreviation is shown inside "[]".

A , a

Abandoned / a _ BAN _ dund

یک قسمت یا بخشی از لوله‌ها یا دیگر اجزاء سیستم جمع‌آوری فاضلاب بجا مانده در زیر سطح زمین. مانند: قسمتهای بجا مانده یک سیستم فاضلاب در خانه ویران و متروکه.

Abatement

نصب و اجرای سیستم جمع‌آوری فاضلاب تحت وضعیت غیراصولی و نامطلوب.

ABC

" See Association of Boards of Certification "

ABS

الکیل بنزن سولفات - نوعی سورفکتانت که در ساخت دترجنتها از آن استفاده میگردد. به دلیل ایجاد کف زیاد جای خود را به **LAS** (الکیل سولفات) داده که قابلیت تصفیه بیولوژیکی را نیز دارا می‌باشد.

AbsorPtion / ab _ SoRP _ Shun

جذب.

جذب مواد بوسیله فرایندهای مولکولی یا شیمیایی. مانند: جذب مواد معدنی خاک توسط ریشه درخت.

Absorption Capacity

مقدار مایعی که توسط یک ماده جامد جذب میگردد.

مثال: ماسه تقریباً $\frac{1}{3}$ حجم خودش میتواند آب را جذب نماید.

Absorption Rate

اندازه‌گیری سرعت جذب مایعات و همچنین اندازه‌گیری مقدار مایعات جذب شده توسط مواد جامد.

Acclimation

واکنش دینامیکی یک سیستم به افزایش یا کاهش یک ماده تا رسیدن به حالت تعادل و تنظیم با تغییرات محیط پیرامون.

Accuracy

میزان صحت مطلق در دستگاههای اندازه‌گیری فیزیکی.

Acid

- موادی که در آب حل می‌گردند و از یونهای هیدروژن تشکیل گردیده‌اند.

- موادی شامل هیدروژن در موقعیکه جایگزین فلزات به شکل نمکها می‌گردند.

Acid / Forming bacteria

میکروارگانسیمهایی که در حالت سوخت و ساز با اکسیژن تحت شرایط بی‌هوازی (فقدان هوا) قابلیت ترکیب دارند.

Acidic / uh _ SiD _ ick

آب یا خاک در حالتی که دارای مقدار کافی از مواد اسیدی بوده و PH آن زیر ۷ باشد.

Acidified / uh _ SiD _ Fie _ d

تبدیل کردن به اسید.

آزمایشی شامل اضافه کردن اسید (معمولاً سولفوریک یا نیتریک) به گونه‌ای که PH آن به کمتر از ۲ تبدیل گردد.

Acidity

رسانیدن مقدار کمی محلول آبیکی به حالت هیدروکسی که بوسیله تیتراسیون یک محلول استاندارد اندازه‌گیری می‌گردد. معمولاً با واحد میلی‌گرم کربنات کلسیم در لیتر بیان می‌گردد.

Acid rain

بارش اسیدی که در نتیجه آلودگی هوا پدیدار می‌گردد.

Acre Foot

واحد حجم و برابر با ۴۳۵۶۰ فوت مکعب و یا ۱۲۳۳/۵ متر مکعب.

Activated carbon

کربن فعال.

که معمولاً از طریق حرارت دادن مواد کربنی در شرایط خلاء یا فقدان هوا بدست می‌آید.

Activated carbon adsorption

حذف اجزاء حل شده از محلول آبیکی بوسیله پودر کربن یا مواد دارای قابلیت جذب بالا.

Activated carbon treatment

فرایند تصفیه آب بوسیله موادی با قدرت جذب بالا یا پودر کربن فعال برای حذف ذرات محلول در آب.

Activated Sludge

لجن فعال.

Activated Sludge Loading

مقدار اکسیژن لازم بر حسب کیلوگرم یا پوند در واحد حجم هواده یا پوند و کیلوگرم لجن فعال در روز.

Activated Sludge Process

فرایندهای جمع‌آوری و تولید لجن فعال که در تصفیه خانه‌های فاضلاب بیولوژیکی صورت می‌پذیرد.

Actue

- شدید - تند.

- (پزشکی) حاد.

- بیماری‌هایی که در موقع بروز نشانه‌ها، سریعاً موجب بیماری‌های سخت می‌گردد.

Adhesion

- چسبیدگی:

- نیروی کشش مولکولی که به سطوح دو ماده کمک نموده که در تماس با یکدیگر باشند.

Adsorbate / ADD _ Sore _ bait

موادی که بوسیله فرایند رو چگالش یا رونشین شدن حذف می‌گردند.

Adsorbent / ADD _ Sore _ bent

موادی که در فرایند رونشین شدن یا رو چگالش باعث حذف عناصر نامطلوب می‌گردند.
مانند: کربن فعال.

Adsorption / ADD _ Sorp _ shun

جمع‌آوری گاز، مایع و یا مواد محلول از سطح دیگر مواد.

Adsorption Water

- آبهای روئشین - روچگالش.

- آبهایی که بر روی ذرات جامد، توسط نیروی مولکولی

می‌ماند.

Advanced waste treatment

تصفیه پیشرفته و مدرن فاضلاب.

Aerated Contact bed

انتشار جریان هوا در اطراف داخلی استخر یا حوض

هوادهی یک تصفیه‌خانه بیولوژیکی فاضلاب.

این مخازن هوادهی معمولاً از سنگ و سیمان و یا آریست

تهیه و ساخته می‌گردد. فاضلاب در این استخرها ته‌نشین

می‌گردند.

Aerated Pond

حوض یا استخر هوادهی.

طبیعی یا مصنوعی که با روشهای مکانیکی و یا توسط

افشاننده‌ها، اکسیژن و یا هوا به مایع دمیده میشود.

Aeration

- هوادهی - اکسیژن رسانی

- عمل انتشار هوا در میان یک مایع، معمولاً در

تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب جهت تصفیه بیولوژیکی

این عمل صورت می‌پذیرد.

Aeration Liquor

مخلوط آبکی، محتویات مخازن هوادهی شامل

ارگانوسمهای (موجودات) زنده که بوسیله گنداب رو یا

فاضلاب به داخل استخرهای هوادهی منتقل می‌گردند.

Aeration tank

- مخزن هوادهی.

- یک مخزن در جائیکه فاضلاب یا دیگر مایعات هوادهی

می‌گردند.

Aerator

وسایلی که موجب تماس هوا با مایع گردیده و یا هوا را در

مایع می‌دمد.

Aerobes

- باکتریهای هوازی.

- میکرو ارگانوسمهایی که برای ادامه حیات و رشد و تولید

مثل، احتیاج به اکسیژن دارند.

Aerobic / AIR _ O _ bick

- هوازی.

- حالتی که هوای آزاد و یا اکسیژن محلول در محیط آبکی

یافت گردد.

Aerobic bacteria

- باکتریهای هوازی.

- یا میکرو ارگانوسمهایی که برای ادامه حیات و با رشد و

تولید مثل، احتیاج به اکسیژن دارند.

Aerobic decomposition

تجزیه و فساد مواد آلی در شرایط وجود اکسیژن آزاد یا

محلول.

Aerobic digestion

- هضم هوازی.

- تجزیه مواد آلی محلول با وجود اکسیژن، معمولاً در ارتباط

با هضم لجن فاضلاب.

Aerobic Lagoon

یک لاگون یا حوضچه حاوی اکسیژن که در آن بوسیله فرایندهای باکتریها، عمل تثبیت صورت می‌پذیرد. این لاگونها به هوادهای مکانیکی مجهز میباشد.

Aerobic Process

فرایندهای تصفیه فاضلاب تحت وضعیت هوازی یا وجود هوا.

Aerosol

ذرات کلونیدی که در گازها، دود و مه پراکنده میگردند.

Aesthetic

جذب کننده یا گیرا.

Age tank

مخزنی برای ذخیره محلولهای شیمیایی بعنوان گذارسان یا سوخت‌رسان شیمیایی.

Agglomeration

پیدایش زغال‌های پراکنده در مواد معلق بصورت اجزاء بزرگتری که سریعاً ته‌نشین میگردند.

Agitator

ابزاری مکانیکی جهت استفاده در هوادهی و مخلوط کردن.

Air binding

انسداد یا گرفتگی یک فیلتر، لوله و یا پمپ در نتیجه هواگرفتگی ناشی از آب.

Air bound

بند آمدن و یا انسداد جریان آب یک خط لوله یا پمپ بواسطه هواگرفتن.

Air blower

تجهیزات تهویه منهولهای فاضلاب یا هواکش منهول فاضلاب.

Air chamber

محفظه بسته‌ای بر روی لوله تخلیه یک پمپ که برای کنترل و خروج هوا و یا هواگیری پمپ مورد استفاده قرار میگیرد.

Air chamber Pump

محفظه‌ای برای خروج هوای پمپ و جلوگیری از هوا کشیدن پمپ. با خروج هوا از داخل محفظه هوای پمپ، مایع بیشتری تخلیه میگردد.

Air _ Cooled wall

دیواری مقاوم و عایق شده که در پشت آن هوای سرد در جریان میباشد. مانند: دیواره سردخانه.

Air diffuser

وسایل و تجهیزات با شکل‌های گوناگون جهت انتشار هوای موجود در میان مایعات.

Air diffusion

عمل انتقال جریان هوا از میان شبکه‌ای متشکل از لوله‌ها و شیرها و در نتیجه ورود آن در میان مایعات.

Air emissions

جامدات حاوی ذرات بسیار ریز و گازی (مانند کربن). نظیر اسیدهای نیتروژن یا نمکها و یا بوها.

Air _ gap

فضای خالی یا فاصله‌ای جهت جلوگیری از خروج احتمالی فاضلاب ناشی از سیفوناز. که از خروج فاضلاب و اختلاط با منابع آب قابل شرب و همچنین محیط جلوگیری می‌نماید. این فاصله موجب اطمینان از تماس هر گونه فاضلاب با آب بهداشتی می‌باشد.

Air gap Sepuration

فاصله عمودی بین هوای آزاد و سطح باز یک لوله یا یک لوله خروجی از تانک آب یا هر لوله و اتصال دیگر.

Air Lift

وسیله‌ای برای انتقال مایعات بطور عمودی یا رو به بالا بوسیله تزریق هوا در کف لوله بالا برنده.

Air Lift Pump

پمپی با لوله مکش بلند که برای بالا آوردن آب از عمق چاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Air Padding

انتقال هوای خشک در یک مخزن که جهت خارج نمودن مایع از آن صورت می‌گیرد.

Air Pollutant

- آلودگی هوا.

- گرد و غبار، دوده و دیگر موادی که دارای ذرات بسیار ریز بخار، گاز و مواد بودار و تعدادی از ترکیبات مشابه آن باشد.

Air Pollution

- هوای آلوده.

- وجود مواد نامطلوب بیش از استاندارد در هوا.

Air stripping

فن آوری حذف مواد معلق فرار از یک محلول.

از این روش در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب پیشرفته برای حذف آمونیاک از فاضلاب استفاده می‌نمایند.

Air test

روشی برای آزمایش لوله‌ها و مجاری برای حصول اطمینان از وجود هرگونه سوراخ و یا درز. در این آزمایش هوا در لوله‌ها دمیده شده و فشار آن توسط فشارسنج کنترل می‌گردد.

Air test quick

روشی جهت آزمایش حصول اطمینان از هرگونه سوراخ و درز در حالت‌های که احتیاج به سرعت و دقت بیشتری دارد با استفاده از چسبنده‌های شیمیایی و به جز استفاده از فشار هوا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Alarm Contact

کلیدی که در مواقع تنظیم و یا در حالت غیرعادی عمل می‌نماید.

Algae

- جلبک.

- گیاهان میکروسکوپی بسیار ریز که می‌توانند باعث تغییرات طعم و بوی آب مصرفی گردند.

Algal assay

یک روشی تحلیلی برای استعمال مواد جلبکی بعنوان مواد مغذی برای تأمین آب بدن که بصورت تزریقی از طریق آمبول و سرم وارد بدن انسان می‌گردد.

Algal bloom

توده‌هایی از جلبک‌های ریز و درشت زنده در بدنه چشمه‌ها و یا رودها. مانند جلبک‌های سبز موجود در بعضی آبها.

Algicide / Al _ gi _ Side

مواد شیمیایی مخصوص که خاصیت کشتن یا کنترل جلبکها، خزه‌ها و علفها را دارا می‌باشد.

Alignment / a _ LINE _ ment

- تنظیم - تنظیم کردن.

- قرار گرفتن اجزاء در موقعیت مناسب.

- عبور لوله‌ها در جهت و محل مناسب.

Aliphatic hydroxy acid / AL _ uh _ FAT

_ ick

اسیدهای آلی یا آرایش اتمهای کربن در زنجیره‌های باز شاخه‌دار یا بی‌شاخه، بیشتر از حلقه‌ها.

Aliquot / AL _ li _ Kowt

بخشی از یک نمونه یا قسمتی از یک آزمایش.

Alkali / AL _ ka _ LI

تعدادی از نمکهای محلول عمدتاً شامل کلسیم، منیزیم، سدیم و پتاسیم که دارای ترکیبات اسیدی با نمکهای طبیعی بوده و در فرایندهای تصفیه آب مورد استفاده قرار میگیرند.

Alkaline / AL _ ka _ LINE

حالتی از آب یا خاک که مقدار کافی از مواد آلكالی داشته چنانچه **PH** بالاتر از 7 دارا باشند.

ALkaLinity / AL _ ka _ LiN _ it _ tee

ظرفیت آب در پذیرش اسیدهای خنثی.

که بصورت میلی گرم در لیتر بیان میگردد.

Alluvial / uh _ Lou _ vee _ ul

رسوب و ته‌نشینی گل و لای و یا ماسه بوسیله جریان آب که ممکن است بعد از بارندگی‌های شدید بوجود آید.

Alum

یک نام مشترک تجاری برای فلز آلومینیم با فرمول مشترک $AL_2(so_4)_3$ (سولفات آلومینیم).

Aluminum Sulfate

ترکیب هیدرواکسید آلومینیم با اسید سولفوریک میباشد. که مورد استفاده آن در آبکاری است.

Alternating current (A.C)

- جریان الکتریسته متناوب.

- جریانی دارای تعویضهای منظم قطبهای مثبت و منفی در فاصله‌های منظم.

Ambient / AM _ bee _ ent

- احاطه کردن یا احاطه شدن.

مانند احاطه کردن هوا (خلأ).

Ambient temperature

دمای محیط.

American water works association

انجمن کارگزاران حرفه‌ای امور آب آمریکا.

Ammonia

- آمونیاک.

- یک ترکیب شیمیایی هیدروژن و نیتروژن که بصورت وسیع در طبیعت یافت میگردند.

این ترکیب در مهندسی آب و فاضلاب بصورت NH_4 بیان می‌گردد.

Ammonia Nitrogen

شکلی از آمونیاک با درصد کمتری از نیتروژن (NH_3).

Ammoniator

تجهیزات مورد استفاده برای بکارگیری آمونیاک یا ترکیبات آمونیاک در آب.

Ammonification

تجزیه باکتریایی نیتروژن آلی در آمونیاک.

Amperage / AM _ Purr _ age

- اندازه‌گیری شدت جریان الکتریکی.

- دبی یا شدت جریان یا عبور آب از نقطه‌ای معین بر حسب گالن در دقیقه.

AmPere / AM _ Peer

- دستگاهی جهت اندازه‌گیری شدت جریان.
- واحد شدت جریان الکتریکی (نیروئی برابر با یک ولت در مسیر جریانی با مقاومت یک اهم).

Amperometric

اندازه‌گیری مربوط به جریان الکتریکی و یا مولد و یا عبارت دیگر ولتاژ.

Amperometric titration

به معنی اندازه‌گیری تراکم و تجمع مواد خاص در آب (نظیر اکسیده‌کننده‌های قوی) بوسیله جریان الکتریسته در طول واکنش شیمیایی.

Anaerobic / AN _ air _ O _ bick

- حالتی فاقد هوای آزاد یا اکسیژن محلول و بدون رطوبت یا نم در محیط.
- بی‌هوای.

Anaerobic bacteria / back _ TEAR _ e _ ah

میکرو ارگانیسمهایی که زندگی و تولیدمثل آنها در شرایطی فاقد هرگونه هوای آزاد و یا اکسیژن محلول در محیط صورت می‌پذیرد.

Anaerobic decomposition

تجزیه یا پوسیدگی مواد آلی در وضعیت بی‌هوای.

Anaerobic digestion

- هضم بی‌هوای.
- فرایند تجزیه و پوسیدگی جامدات فاضلاب (لجن).
در مخازن بزرگی توسط باکتریهای بی‌هوای. این عمل باعث تولید گازهایی مانند متان و دی اکسید کربن نیز می‌نماید.

Anaerobic Lagoon

یک فرایند تصفیه فاضلاب یا لجن که تحت شرایط بی‌هوای صورت می‌پذیرد.

Analog

بازخوانی یک دستگاه یا وسیله توسط عقربه یا دیگر نمایانگرها. این روش برعکس دیجیتال یا عددی می‌باشد.

Analyzer

ابزاری برای اندازه‌گیری متوالی یا منقطع بعضی از مواد مانند: کلر - فلوراید و غیره.

Angle of repose

- شیب نگهدارنده.
- زاویه یا شیبی است که موادی مانند: ریگ، شن و ماسه یا خاک در دامنه آن متوقف می‌گردند.

Anhy drous / an _ Hi _ drous

- بسیار خشک.
- بدون درصدی رطوبت.

Animal wastes

- پس مانده، فاضلاب یا بقایای حیوانات.
شامل: - ادرار و فضولات حیوانات.
- بقایای لاشه و استخوان حیوانات.
- بقایای بجامانده از درمان حیوانات.
- در کلینیکها و بیمارستان‌های دامپزشکی.

Anion / AN _ EyE _ en

یونهای با بار منفی در محلول الکترولیت که از طرف قطب یا الکترود مثبت جدا گردیده و به سمت قطب منفی هدایت می‌گردد.

Anionic Flocculent

یک پلی الکترولیت با بار الکتریکی خالص منفی.

Anionic Polymer / AN _ EyE _ on _ Ick

یک پلیمر دارای یونهای با بار منفی که اغلب در صافیها و

فیلترهائی مانند آبگیری لجن مورد استفاده قرار میگیرند.

Annular space / AN _ you _ ler

فضائی دایره‌ای شکل بین دو سطح مدور.

مانند: فضای میان قسمت داخلی و خارجی یک لوله.



**Annular
Pipe Liner
PiPe**

Anode

قطب یا الکترود مثبت در یک الکترولیز.

مانند: قطب مثبت یک باتری یا پیل.

Anoxic

- عاری از اکسیژن.

- یا محیطی فاقد اکسیژن کافی.

Antagonism

اثرات مضر متقابل بین موجودات زنده.

Antichlors

معرفهائی نظیر دی اکسید سولفور - بی سولفیت

سدیم یا سولفات سدیم که قادرند در ته نشینی و

رسوب کلرهای اضافی در آب و فاضلاب مورد استفاده قرار

گیرند.

Anti Corrosion treatment

تصفیه و کاهش کمی زنگ زدگی و خوردگی کیفیت آب.

Apartment Complex

- ساختمانی متشکل از یک یا چند جز در یک موقعیت.

- یک ساختمان می تواند دارای یک یا چند لوله جمع آوری

فاضلاب باشد.

- فاضلاب مرکب میتواند دارای یک لوله جمع آوری

فاضلاب برای چند آپارتمان یا ساختمان باشد.

Appropriative

شخصی که با استفاده از شیوهها و راهکارهای قانونی

انشعاب یا مالکیت آب را بدست بیاورد.

Appurtenance / a _ PuRR _ ten _ nans

متعلقات - ضمایم.

در آب و فاضلاب عبارتست از سازهها - متعلقات و

اتصالات شبکه.

Agueous / A _ kwee _ us

- آبی - آبکی.

- هر چیز مشابه آب یا همراه با آب.

Aqueous vapor

- بخار آب.

- شکل گازی آب.

Aquifer / Ack _ wi _ fer

سفره یا لایه‌های آب زیرزمینی که معمولاً شامل لایه‌هایی

از شن و ماسه بوده و تأمین کننده آب برای مصارف

بهداشتی و کشاورزی می باشد.

Arch

- قوس - خمیدگی.

- قوس یا خمیدگی لوله‌های فاضلاب.

- اتصالات یا خمیدگیهای ظروف شیمیایی که مانع از

جاری شدن مواد شیمیایی میگردد.

Area drain

در لوله کشی بمعنی نصب یک مجرا یا لوله تخلیه برای جمع‌آوری آبهای اضافی یا پساب از یک سطح باز یا یک ساختمان میباشد.

Artesian / are _ TEE _ Zhun

- چاههای خودجوش.
- چاههای که فشار آبهای زیرزمینی موجود در آن بیشتر از فشار اتمسفر بوده و به همین دلیل آب موجود در آن بر روی سطح زمین جاری میگردد.

Artificial ground water table

- سطح آب زیرزمینی مصنوعی.
- بالا و پائین رفتن سطح آبهای زیرزمینی بصورت مصنوعی یا غیرواقعی قابل تغییر می‌باشد.
در هنگام آبیاری زمینهای کشاورزی، آب توسط زمین که بصورت یک صافی عمل می‌نماید، جذب آبهای زیرزمینی گردیده و سطح آب سفره‌های زیرزمینی را بالا می‌برد.

Aseptic / a _ SEP _ tick

- گندزدائی شده.
- ضد عفونی شده.
- پالوده.

Ash

- خاکستر.
- بقایای جامدات سوزانده شده.

Asphyxiation / ass _ FIX _ ee _ a _ shun

- خفگی - دم‌گرفتگی.
- حالتی که در اثر فقدان اکسیژن باعث بالا رفتن دی‌اکسیدکربن در خون گردیده و باعث خفگی و مرگ میگردد.

Aspirate / Ass _ Per _ RATE

استفاده از یک وسیله هیدرولیکی برای ایجاد فشار منفی یا مکش، بوسیله نیروی یک مایع در میان یک مانع مانند یک ونتوری.
این ابزار هیدرولیکی ممکن است در آزمایشگاه به عنوان یک پمپ خلاء مورد استفاده قرار گیرد.
در سیستم فاضلاب از این وسیله در انتقال لجن استفاده میگردد.

Association of boards of certification

یک سازمان بین‌المللی، ارائه‌دهنده مدارک مربوط به امور آب و فاضلاب.

Asymmetric / A _ See _ MET _ rick

- نامتقارن.
- بدون هیچ تشابهی در اندازه، شکل و ترتیب اجزا در یک شبکه یا نقشه.

Atom

- اتم.
- کوچکترین واحد یک عنصر شیمیایی.

Auger / Aw _ ger

- دیلم.
- ابزاریست نوک تیز برای بازنمودن مجاری و لوله‌های فاضلاب که توسط جامدات دچار گرفتگی گردیده‌اند.

Automatic recording gauge

وسیله‌ای خودکار برای اندازه‌گیری و ثبت و ضبط داده‌ها بصورت نموداری و ممتد.

Automatic Sampling

جمع آوری نمونه‌ای یک حجم در یک مدت زمان معین که بوسیله دستگاه‌هایی با عملکرد از راه دور و بدون کنترل مستقیم یا دست انجام می‌پذیرد.

Autotrophic organisms

ارگانیسمها یا باکتری‌هایی که در مواد آلی برای انرژی و رشد و نمو مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Available Chlorine

اندازه‌گیری مقدار کلر موجود در ترکیبات هیپوکلریت و دیگر موادی که بعنوان منبع کلر از آن استفاده می‌نمایند.

Available expansion

در یک دستگاه فیلتر یا صافی شنی؛ فاصله عمودی بین سطح ماسه و سطح زیرین محفظه حاوی مایع میباشد.

Average daily flow

- متوسط جریان روزانه.
- اندازه‌گیری مقدار کل مایع عبوری در یک نقطه، تقسیم بر تعداد روزی که جریان داشته است.
- در امور آب و فاضلاب؛ کل جریان یا دبی عبوری از یک نقطه در یک مدت زمان تقسیم بر تعداد روز.

Average flow

اندازه‌گیری ریاضی، متوسط یا میانگین دبی یا مقدار جریان.

Averag Velocity

سرعت متوسط یا میانگین سرعت جریان یک سیال در کانال یا لوله‌ای از یک مقطع معین.

Avoided Costs

ارزش صرفه‌جویی که در نتیجه بازیافت و برنامه‌های محافظت از انرژی‌های برآورد میگردد.

AWWA / American water Works Association.

سازمان امور آب آمریکا.

Axial to impeller

جهت یا امتدادی که مواد پمپ شده در اطراف شفت یا محور محرک جریان می‌یابد.

Axis

محور - شفت.

Axis to Impeller

محور و یا شفتی که حول مرکز نقطه‌ای می‌چرخد.
مانند: شفت یک پمپ.

B , b

Back blowing

برگشت نمودن جریان آب یا فاضلاب تحت فشار، در یک لوله یا مجرا.

Back Fill

- پرکردن.

- بازگردانی یا پرکردن مجاری حفاری شده یا چاهها و گودالهای خاکی بوسیله مواد اولیه‌ای که از محل حفاری بدست آمده.

Back Fill borrow

مواد مصرفی (خاکها) که جهت پرکردن مجاری گودالها، چاهها و یا حفره‌ها از آن استفاده می‌نمایند.

Back Fill Compaciton

پرکردن حفره‌ها با مجاری همراه با فشردن و یا پرس کردن مواد پرکننده که در این روشها از ماشین آلات مکانیکی نیز استفاده می‌نمایند.

Back Fill Select

انتخاب مواد پرکننده حفره‌ها و مجاری بر اساس خواص و نوع آنها.

Back Flow

- جریان برگشتی.

- حالتی از جریان معکوس آب که بعلاوه اختلاف فشار در لوله آب اصلی و لوله‌های آب مصرف کننده رخ می‌دهد.

Back Flow Connection

در لوله‌کشی، اقداماتی که جهت مقابله با جریان برگشتی انجام می‌پذیرد.

Back flow Preventer

ابزار و وسایل بکار گرفته شده برای جلوگیری از برگشت جریان در لوله‌های آب.

Back flushing

عمل معکوس نمودن جریان در یک لوله یا مجرا که بمنظور شستشوی لوله یا تمیز نمودن مجاری که بواسطه عواملی مانند رسوب و ته‌نشینی دچار گرفتگی گردیده، صورت می‌پذیرد.

Backhoe

ابزاری برای حفاری، دارای بیلچه کوچکی که بر روی دبرکی نصب گردیده و داخل چاه میشود. این ابزار شبیه به مته عمل می‌نماید.

Back Pressure

فشاری که موجب برگشت جریان آب به لوله اصلی آب یا مخزن تأمین آب میگردد.

Back Pressure valve

شیر یا فلکه‌ای که دارای صفحه‌ای لولائی بوده و بر روی لوله‌ای در مسیر جریان مایع یا آب قرار می‌گیرد. این فلکه در هنگام جریان صحیح آب باز بوده و در هنگام معکوس شدن جریان بسته می‌شود و مسیر جریان معکوس را می‌بندد. این فلکه بر اساس فشار مایع عمل می‌نماید.

Back Siphonage

یک شکل از برگشت جریان که بواسطه فشار منفی و یا فشار زیر اتمسفر در محدوده یک سیستم آب روی می‌دهد.

Back water gate

دریچه یا فلکه‌ای تعبیه شده در انتهای لوله‌های ورودی و خروجی آب یا فاضلاب که از برگشت جریان جلوگیری می‌نماید.

Backyard Composting

کنترل میکروبیائی محللهائی که در آنجا زباله‌ها، برگ و خاشاک به کود و یا ترکیبات کمیوست تبدیل می‌گردد.

Bacteria / back _ TEAR _ e _ ah

میکروارگانیسیمها یا موجودات زنده ذره‌بینی موجود در فاضلاب بوده که جهت تصفیه بیولوژیکی فاضلاب نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند.

Bacterial analysis

آزمایشی در آب و فاضلاب برای تعیین وجود - تعداد و شناسائی باکتریها.

Bacterial culture

- کشت باکتریها.

- در لجن فعال؛ کشت باکتریها اشاره به گروهی از باکتریها می‌نماید که به دو دسته تقسیم می‌گردند: باکتریهای هوازی و اختیاری. که باکتریهای اختیاری دارای دامنه وسیعی بوده و بیشتر در پروسه‌های لجن فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد این ارگانیسیمها با وجود اکسیژن بسیار ناچیزی به زندگی خود ادامه می‌دهد.

Bacterial examination

امتحان و آزمایش آب و فاضلاب برای تعیین وجود، تعداد و نوع باکتریها.

Bacteriological count

بمعنی شمارش تعداد باکتریها یا ارگانیسیمها.

Baffles

- منحرف کننده‌ها.

- یک سطح صاف و دیواره مسطح یا ورق یا هر وسیله دیگر که در مسیر جریانهای آب، فاضلاب و یا هر مایع دیگر قرار گرفته و موجب انحراف مسیر جریان آن می‌گردد. یا مسیر را مسدود می‌سازد.

Bagasse

مواد زائد کشاورزی شامل تفاله یا باقیمانده محصولاتی که عصاره و شیره آن گرفته می‌شود. مانند: تفاله‌های چغندر قند یا نیشکر.

Baghouse

یک وسیله کاهش دهنده آلودگی هوا که بوسیله فیلتر کردن هوا، ذرات معلق و گرد و غبارهای هوا را جدا می‌سازد. معمولاً این فیلترها از پارچه یا پشم و شیشه ساخته می‌شود.

Bailer / BAy _ Ler

لوله‌ای بطول ۱۰ تا ۲۰ فوت مجهز به دریچه‌ای در انتهای پائین آن که حرکتی دورانی مانند مته داشته و برای جمع‌آوری و خارج ساختن گل و لای از کف چاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Baler

دستگاهی برای فشردن و کاهش حجم بعضی از اجناس مانند: روزنامه‌ها - نایلونها و پارچه.

Balling

روشی هیدرولیکی برای تمیز کردن مجاری تخلیه و فاضلاب بوسیله فشار آب. جریان آب درون محفظه با کشیدن تسمه‌ای که متصل به بالستک تویی شکل است با فشار وارد مجاری گردیده و موجب تمیزی محل مورد نظر می‌گردد.

Barminutor

یک صفحه مسطح استاندارد که بوسیله ابزار برش الکتریکی عمل نموده و مواد بر روی آن قرار گرفته و برش‌های لازم بر روی آن انجام می‌گردد. این ابزار برش متصل به فک بالائی این دستگاه است.

Bar rack

- آشغالگیر درشت.

- صفحه‌ای مرکب از میله‌های موازی عمودی یا مایل که در میان مسیر جریان آب یا فاضلاب قرار گرفته و بمنزله صافی یا آشغالگیر درشت، مواد معلق درشت را جدا می‌سازد.

Barrel

- قسمتی سیلندر شکل که مانند یک برآمدگی بر روی انتهای یک لوله واقع گردیده.
- قسمت سیلندری یا مخزنی شکل یک منهول بین رأس و کف یک منهول.

Bar screen

- آشغالگیر.

- صفحه‌ای مرکب از میله‌های موازی، عمودی یا مایل که در میان مسیر عبور جریان آب قرار گرفته و آشغالها یا مواد معلق را می‌گیرد.

Base

ترکیبی برای جدا ساختن یونهای هیدروکسی از محلول آبکی.

Base metal

فلزات پایه‌ای مانند آهن که با اسیدهایی مانند هیدروکلریک رقیق، ایجاد واکنش می‌نماید.

Basic data

ضبط مشاهدات، اندازه‌گیری واقعیتهای فیزیکی و حالات و اتفاقات بحساب نیامده و یا مواد و اطلاعاتی که بوسیله محاسبه یا تخمین تعیین می‌گردد.

Batch process

فرایند تصفیه فاضلاب یا محلولهای شیمیایی درون مخزن یا حوضچه‌ای که بعد از تصفیه تخلیه گردیده و دوباره تکرار می‌گردد. این فرایند بیشتر در مراکز و کارخانجات صنعتی انجام می‌پذیرد.

Bedding

- بسترسازی.

- پیش بینی یا تعبیه کانال یا مجرای زیرزمینی برای عبور لوله‌ها از زیر ساختمان.

Bedding Compaction

پر نمودن همراه با فشردن و پرس کردن بسترهای لوله‌گذاری شده زیر ساختمان که موجب افزایش سرعت و حجم بیشتر مواد پرکننده می‌گردد.

Bedding destruction

- شیب اولیه - حجم و یا مواد مورد نیاز در بستر سازی.

Bedding displacement

جابجائی و تغییر محل بستر که بععل مختلفی مانند نامناسب بودن و یا بروز آسیبهای صورت میپذیرد.

Bedding Faults

تغییر موقعیت بستر که بععل عیوب و نامناسب بودن موقعیت بستر صورت میگیرد.

Bedding grade

- شیب بستر.

- بستر یا کانال عبور لوله‌های فاضلاب بایستی دارای شیب مناسب جهت عبور ثقلی فاضلاب بوده که معمولاً ۰/۵٪ یعنی نیم فوت در هر صد متر طول لوله فاضلاب میباشد.
- شیب بستر در سیستم جریان ثقلی فاضلاب می‌تواند نسبت به سطح دریا در نظر گرفته شود.

Bedding Manhole

" See Manhole bedding "

بستر منهول.

«به بخش بستر منهول مراجعه گردد.»

Bedding material select

" see select Manhole "

انتخاب مواد مورد نیاز برای بستر.

«به قسمت انتخاب مواد بستر مراجعه گردد.»

Bell

اشاره به قسمتهای نر و ماده در اتصالات لوله کشی.

Bell _ and _ spigot joint

لوله درون ماده‌گی زانو و اتصالات قرار گرفته و با موادی مانند: سرب، سیمان، اورینگ، چسب و دیگر مواد محکم میگردد.

Bell mouth

دهانه یا جداره داخلی یک لوله یا روزنه.

Belt screen

یک تسمه یا نوار یا سیم و یا نوارهای بریده شده از ورقهای آهنی که بر روی طاقه‌ها و یا رولها کشیده شده و محکم بسته می‌شود. این عمل برای جلوگیری از حرکت و یا افتادن اجسام یا محصولات انجام می‌شود.

Bend

خم‌های لوله یا قسمتهای زاویه‌دار لوله.

Bicarbonate alkalinity

یونهای بیکربنات قلیائی.

Bioassay

روش تعیین تأثیرات بی‌هوازی فاضلابهای صنعتی و دیگر فاضلابها بوسیله قابلیت‌های ارگانیسیمها.

Biochemical

- تغییرات شیمیایی که در نتیجه عمل بیولوژیکی بوجود می‌آید.

- یک ترکیب شیمیایی بدست آمده از تخمیر.

- مربوط به شیمی گیاهان و زندگی حیوانات.

Biochemical oxidation

ترکیب شیمیایی اکسیژن با مواد آلی که در نتیجه اثرات بیولوژیکی پدیدار میگردد.

Biochemical oxygen demand (BOD)

مقدار اکسیژن مصرفی در یک اکسیداسیون (ترکیب شیمیایی اکسیژن با مواد آلی) شیمیایی در یک زمان مشخص و در یک دمای مشخص و مخصوص و تحت وضعیت و حالت مخصوص.

Biochemical oxygen demand Test.

(BOD)

آزمایش اندازه‌گیری مقدار اکسیژن مصرفی تحت کنترل زمان و دما که معمولاً این آزمایش برای پنج روز در نظر گرفته میشود و دمای حدود ۲۰ درجه سانتیگراد صورت می‌پذیرد.

Biodegradable / Buy _ o _ dee _ GRADE _ able

مواد آلی که قادر هستند بوسیله باکتریها فاسد شده و دارای ثبات بیشتری گردند.

Biodegradation / Buy _ o _ deh _ grah _ DAY _ Shun

فرایند فاسد شدن یا تجزیه مواد آلی بوسیله باکتریها به نحوی که به ثبات بیشتری رسیده و دارای بوهای شدیدی نباشند.

Bio film

تجمع رشد و نمو میکروبیائی در سطح یا محیط نگهداری مواد.

Bioflocculation

به هم پیوستن ذرات پراکنده آلی بوسیله عمل باکتریها و جلبکها که باعث ته‌نشینی سریعتر جامدات آلی فاضلاب می‌گردد.

Biological Contactors

مکانها یا سطح ساکن تعبیه گردیده برای رشد و توسعه تجمعات میکروبیائی ارگانسیمها.

Biological denitrification

انتقال نیترات نیتروزن در گاز نیتروزن ساکن بوسیله میکروارگانسیمها، در یک محیط فاقد اکسیژن با وجود الکترونها.

Biological Filter

بسترهای شنی، ماسه‌ای یا ریگ و دیگر مواد مشابه که فاضلاب از روی آن عبور می‌نمایند جزو فیلترهای بیولوژیکی محسوب می‌گردند. و سبب صاف شدن نسبی فاضلاب می‌گردند.

Biological Filtration

عبور مایعات از بین فیلترهای بیولوژیکی مانند: (شن - ریگ...) که موجب صاف شدن نسبی آنها می‌گردد.

Biological growth

عمل رشد و نمو کلیه ارگانسیمهای (موجودات) زنده را گویند.

Biological Process

- فرایندی که بوسیله واکنشهای متابولیکی باکتریها و دیگر ارگانسیمها، مواد مرکب متلاشی گردیده و به مواد ساده‌تر و با جامدات پایدارتر تبدیل می‌گردند.

- عملیاتی که در برگیرنده ارگانسیمها و واکنشهای موجودات زنده بوده و بنابراین فرایندهای بیوشیمیکی نامیده میشوند.

Biomass / Buy _ o _ Mass

توده‌ای از ارگانسیمهای زنده که در ضایعات فاضلاب یافت گردیده و یا ارگانسیمهای مرده و دیگر زباله‌ها.

Biomonitoring

واژه‌ایست در رابطه با توصیف روشهای اندازه‌گیری تأثیرات مواد سمی در مجاری فاضلابها، بر روی موجودات ریزی که وارد آب گردیده‌اند.

Bio solids

یک محصول جامد آلی که بوسیله فرایندهای تصفیه فاضلاب بدست آمده و می‌تواند بشکل سودمند در سیکل مجدد قرار گیرد.

Bio survey

- بررسی انواع و شمارش موجودات زنده بالا و پایین رودخانه‌ها که پساب تصفیه خانه‌های فاضلاب به آن می‌ریزد.
- مقایسه بین موجودات آبی بالا و پائین رودخانه‌های که پساب تصفیه خانه‌های فاضلاب به آن می‌ریزد.

Bit

- تیغه برش لوله.
- دندان‌ها یا برآمدگی‌های مته.

Blank

یک بطری آزمایشات مایعات رقیق نمونه.

Bleed

- تجمع هوا در لوله‌های آب یا مخازن آب در حال تخلیه.
- تراوش، نفوذ و یا چکه کردن مایعات از یک سطح.

Blinding

- گرفتگی و انسداد لوازم صافی یک فیلتر خلاء.
- عمل پوشاندن روی سطح چاه برای جلوگیری از ریزش مصالح ساختمانی و غیره به داخل چاه.

Blockage

- گرفتگی - انسداد.
- انسداد و یا گرفتگی لوله‌های فاضلاب ناشی از مواد معلق درون آن.
- پس زدن فاضلاب که ناشی از گرفتگی و انسداد سیستم جمع‌آوری می‌باشد.

Blower

وسایل مربوط به تهویه فاضلاب.

Blow down

عمل تخلیه آب از یک دیگ گرمایش یا برج خنک کننده که همراه با خروج جامدات محلول در آنها می‌باشد.

Blue print

نوعی چاپ عکس که زمینه آن آبی و نقش آن سفید بوده و برای کپی نقشه‌ها و رسم‌های فنی استفاده می‌گردد.

BoD

" see Biochemical oxygen demand)

Bonnet / BoN _ it

پوشش روی یک شیر فلکه.

Borrow back fill

پر کردن حفره‌ها یا مجاری یا بسترها با موادی غیر از مواد اولیه که در زمان حفاری بدست آمده و این بخاطر اینست که ممکن است در زمان حفاری مواد اولیه آن به هر دلیل حذف گردیده باشد.

Bound water

برخورد شدید آب با یک سطح یا یک نقطه.

Braces

" see cross braces "

Bottle bill

قانون مصوب، قراردادن برچسب «آب نوشیدنی» بر روی مخازن آب قابل شرب و بهداشتی.

Bottle ash

خاکستر بجای مانده در کف کوره‌ها که از سوزاندن مواد زائد و سوخت تفاله‌ها بدست می‌آید.

Brak horse power

- نیروی مورد نیاز در ابتدا یا انتهای محور یک پمپ.
- انرژی تأمین‌ی بوسیله یک موتور یا منابع نیروی دیگری.

Branch Manhole

منهولی که بیش از یک انشعاب داشته باشد. معمولاً یک منهول استاندارد دارای یک انشعاب ورودی و یک خروجی میباشد.

Branch sewer

شبکه‌ای که فاضلاب را از سطوح کوچک جمع‌آوری کرده و به شبکه اصلی تخلیه می‌نماید.

Break

شکستگی - درز - شکاف یا بازشدن لوله، منهول یا دیگر اجزا ساختمان.

Break out of chlorine

حالتی که بعلت بیش‌تر از اندازه بودن حد کلر، کلر از حالت محلول بصورت گاز از مایع خارج میگردد. حداکثر کلر برای باقی ماندن ۳۵۰۰ میلی‌گرم در لیتر است.

Breakpoint chlorination

اضافه کردن کلر به آب یا فاضلاب تا نقطه‌ای که مورد نیاز است. لذا در صورت اضافه کردن بیش از حد، مایع اشباع گردیده و کلر بصورت گاز از محلول خارج میگردد.

Break Through

درز - ترک یا شکاف ایجاد شده در میان یک فیلتر یا صافی که موجب عبور ذرات بسیار ریز مواد در میان آن میگردد.

Brick work

ساختمان ساخته شده از آجر با شبکه‌های فاضلاب قدیمی.

Brinelling / bru_h _ NEL _ ing

بریدگی یا حفره کوچکی در مسیر.

Broken HUB

شکستگی بخشی از اتصالات نر و ماده.

Broken section

شکستگی سطح مقطع لوله.

BTU / British thermal unit

واحد گرمایش انگلیسی و برابر با مقدار انرژی گرمائی لازم برای اینکه بتواند دمای یک پوند آب را یک درجه فارنهایت بالا برد.

Bucket

- سطل - دلو.

- سطلی است برای بیرون کشیدن فاضلاب از درون چاه به خارج.

Bucket bail

تسمه یا طناب متصل به دلو جهت بیرون کشیدن فاضلاب.

Bucket machine

طراحی ماشینی برای بیرون کشیدن فاضلاب یا تمیز کردن شبکه فاضلاب.

Bucketing out

عمل خارج نمودن فاضلاب از منهولها بوسیله سطل و طناب یا استفاده از ماشین‌آلات مکانیکی به همین منظور یا تمیز نمودن شبکه.

Buffer

مایع یا محلولی که با ترکیب مواد شیمیایی تولید اسید خنثی یا پایه‌ای می‌نماید بدون اینکه تغییری در PH آن بوجود آید.

Buffer action

عمل اصلی یونهای محلول در مقابل یک تغییر در تجمع یونهای هیدروژن.

Buffer Capacity

مقدار ظرفیت یک محلول یا مایع مانند آب و فاضلاب در اسید خنثی با پایه می‌باشد. یا عبارتی ظرفیت مقاومت در برابر تغییر PH است.

Buffer Solution

یک محلول شامل دو یا چند ماده بصورت ترکیب، که در مقابل تغییر PH با افزایش مقادیر مناسبی از اسید یا باز قوی مقاومت می‌نماید.

Building Service

انشعاب فاضلاب بشکل Y که به انشعابات هم جوار فاضلاب دیگری متصل می‌گردد.

Building Sewer

اتصالات سیستم لوله‌کشی فاضلاب با جریان ثقیلی که به اتصالات ساختمان و یا سرویس نیز معروف است.

Bulking

توده‌ای حجیم از لجن که در سراسر حوض ته‌نشینی ثانویه بوجود آمده و بخاطر بی‌وزنی، لجن بطور صحیح ته‌نشین نمی‌گردد.

Burning rate

- حجم جامدات زائد سوزانده شده.
- مقدار گرمائی بدست آمده حاصل از احتراق که معمولاً با واحدهای Ib / FT^2 یا BTU / FT^3 بیان می‌گردد.

Butterfly Valve

شیر فلکه‌ای دارای صفحه‌ای که توسط میله گردانی که به صفحه متصل است و حول محور دایره‌ای می‌گردد. و مسیر را باز و بسته می‌نماید.

در حالت کاملاً باز صفحه با لوله‌ حاوی مایع موازی می‌گردد.

Buy _ back recycling center

- مرکز بازیافت.
- مراکزی که در آن زباله‌ها جداسازی گردیده و بازیافت می‌گردد.

By pass

- راه میان بُر.
- مسیری انحرافی که برای عبور جریان مایعات در اطراف تجهیزاتی مانند: پمپ و غیره قرار داده می‌شود، و شامل لوله‌ها - شیرها و فلکه می‌باشد.

By passing

کلیه عملیاتی که موجب می‌گردد تا مسیر جریان یا مجرا و کانال فاضلاب یا آب منحرف گردد. از این روش در سیستم فاضلاب، برای دفع جریان اضافی استفاده می‌نمایند.

C , c

Cable strain relief

شیکه‌ای تحت نیروی کشش کابل برای رساندن چیزی از نقطه‌ای به نقطه دیگر.

Cake

لجنی که بوسیله مواد جامدی با خاصیت تراکم بالا آبیگری شده است.

Caisson / KAy _ Sawn

گودبرداری یا حفاری داخلی یک سازه یا کانال مانند: کانال آب یا حفاری کف رودخانه.

Calcium Carbonat (caco3) equivalent

بیان مقدار ماده‌ای بر مبنای یا میزان برابری با کربنات کلسیم.

مثلاً: بیان مقدار سختی آب بر مبنای کربنات کلسیم.

Calibration

- سنجش و مطابقت اندازه‌ها.

- عمل تنظیم و تطبیق دقت و صحت ابزارها بوسیله مقایسه با استاندارد.

Calorie / KAL _ o _ ree

مقدار گرمای لازم برای اینکه دمای یک گرم آب یک درجه سانتیگراد افزایش یابد.

Capacity

- ظرفیت.

- کمیتی که می‌تواند بطور دقیق یا تقریبی مقدار دبی یک جریان را بیان نماید.

- مقدار بار ماشین آلات، وسایل و یا ایستگاهها و غیره...

Capillary effect

- خاصیت موئینگی.

- قابلیت بالا رفتن آب بر روی بعضی از اجسام مانند: فتیله یا ریشه درخت.

Capillary action

عمل عبور آب در میان روزنه‌های بسیار کوچک، بر اثر نیروی مولکولی ناشی از خاصیت موئینگی.

Capillary Forces

نیروهای بین مولکولی که باعث حرکت آب در میان روزنه‌های بسیار کوچک میگردد.

Capillary Fringe

منافذ و خلل و فرج‌های موجود در مواد که باعث می‌گردد آب در میان فضاهاى بین مولکولى توسط خاصیت موئینگی عبور نماید.

Capital Costs

ارزش سرمایه مانند: ساختمان - تجهیزات ماشین آلات و غیره.

Carbon

- یک عنصر شیمیایی لازم برای رشد و نمو.

- ماده جامدی برای جمع آوری و حذف آلودگی‌ها.

Carbonaceous oxygen demand

اندازه‌گیری کمی مقدار اکسیژن محلول مورد نیاز برای اکسیداسیون بیولوژیکی کربن - شامل ترکیباتی که در یک نمونه موجود می‌باشد.

Carbonaceous matter

درصد ترکیبات کربن در جامدات فاضلاب.

Carbon adsorption

بکارگیری کربن دانه‌دار یا پودری شکل، جهت حذف ترکیبات آلی از فاضلاب یا پساب.

Carbonation

انتشار گاز دی‌اکسید کربن در میان مایعات ساکن یا در حال ته‌نشینی و یا در حال انحلال قلیائی.

Carbon dioxide (CO₂)

شکلی از اسید کربنیک که بصورت گازی بی‌بو سمی و بی‌رنگ در نتیجه تجزیه و پوسیدگی جامدات فاضلاب تولید می‌گردد.

Carbon monoxide (CO)

گازی بی‌رنگ و سمی که در هنگام تجزیه و پوسیده شدن میکروبیائی جامدات فاضلاب تولید و متصاعد می‌گردد.

Carcinogenic

توانائی واکنش سلول‌های یک ارگانیسم در برابر خطرات یا بیماری‌رهنائی مانند سرطان.

Carrying capacity

حداکثر دبی، جریانی که قادر است از یک لوله، کانال یا دیگر سازه‌های هیدرولیکی عبور نماید.

Cascade aerator

هوادهی بصورت پله کانی یا سطح شیب‌دار که آب با عبور از این‌گونه مسیرها با هوا مخلوط می‌گردد.

Catalyst

- کاتالیزور.

- موادی که بوسیله واکنش‌های شیمیایی موجب تغییر در سرعت یا بازده واکنش‌های شیمیایی می‌گردد.

Catalyze

بالا بردن سرعت یک واکنش شیمیایی.

Catalyzed

موادی که تحت عمل کاتالیست (بالا بردن سرعت واکنش) قرار گرفته است.

Catch basin

چاه یا مخزنی برای جمع‌آوری فاضلاب که انشعابات متعددی داخل آنها تخلیه می‌گردد.

Cathodic protection / ca _ THoD _ ick

یک سیستم الکتریکی برای جلوگیری از پوسیدگی، خوردگی و زنگ زدگی لوله‌ها و سطوح فولادی و آهنی، که با آب و فاضلاب یا خاک در تماس می‌باشند.

Cathode

در یک سیستم الکترولیز؛ الکتروود یا قطب منفی می‌باشد.

Cation

یونهای با بار مثبت الکتریکی که تحت تأثیر پتانسیل الکتریکی جذب الکتروود منفی می‌گردد.

Cation exchange capacity

توانایی یک خاک یا دیگرم جامدات در تبادل کاتیونها، (یونهای مثبتی نظیر کلسیم) با یک مایع.

Cationic Flocculent

یک الکتروولیت با بار الکتریکی مثبت.

Cationic Polymer

پلیمری دارای یونهای با بارهای مثبت که اغلب در منعقدکنندهها مورد استفاده قرار میگیرد.

Caulk / (KAWK)

کیپ نمودن و پر کردن فضای بین لوله و زانو، جهت آببندی با مواد ضد آب و عایق.

Caulking / Kawk _ ing

- مواد ضدآب با ترکیبات ضدآب مورد استفاده در کیپ کردن یا پر نمودن فضای بین لوله و اتصالات.
- عمل کیپ نمودن و پر نمودن فضای بین لوله و اتصالات.

Caution

بمعنی: توجه - اخطار یا خطر.

Caustic alkalinity

یونهای هیدروکسی قلیائی.

Cavitation / CAV _ uh _ TAy _ shun

برخورد شدید فشار هوا یا گاز درون یک سیستم لوله کشی یا تیغه شیر یا فلکه که موجب تولید صدای زیادی نیز می‌گردد. در این حالت امکان آسیب به دریچه یا تیغه فلکه نیز وجود دارد.

Celsius

- سلسیوس.

- نام بین المللی واحد دما یا سانتیگراد.

Centigrad

- سانتیگراد.

- هر قسمت از مقیاس مندرج بر روی دماسنج یک درجه سانتیگراد میباشد.

Centrate

پساب حاصله از آبگیری گریز از مرکز که اکثر جامدات آن حذف گردیده‌اند.

Centrifuge

- گریز از مرکز.

- وسایلی مکانیکی با نیروی گریز از مرکز برای جداسازی جامدات از مایعات.

Centrifugal Collector

یک سیستم مکانیکی که با تولید نیروی گریز از مرکز ذرات معلق در هوا را از بخار گاز جمع‌آوری نموده و حذف می‌نماید.

Centrifugal dewatering of Sludge

آبگیری از لجنهای فاضلاب بوسیله نیروی گریز از مرکز.

Centrifugal pump

پمپ یا تلمبه گریز از مرکز.

Centrifugal screw Pump

پمپ گریز از مرکزی که دارای حرکت دورانی بوده و برای جریانهای محوری و دورانی مورد استفاده قرار میگیرد.

CentriFugation

عمل جداسازی جامدات از مایعات بوسیله نیروی گریز از مرکز.

Certification

مدرک - سند - مجوز - جواز.

Cfs (FT³/S)

واحد اندازه‌گیری دبی یا مقدار جریان سیال «فوت مکعب در ثانیه» که برابر با:

$$(\text{متر مکعب بر ثانیه})^{-2} \times 10^{-2} \times (2/832)$$

Chain bucket

سطل‌های زنجیره‌ای یا متصل به نوار نقاله.

مانند: نوار نقاله مجهز به سطل برای انتقال شن و ماسه از معدن به کامیونها یا کشتیهای شن کش.

Chain grate stoker

یک سوخت پاش که دائماً در حال تغذیه کوره باشد.

Chamber

مجرا - آبراه - گنداب رو.

Change of state

تغییر حالت یک ماده به حالات دیگر.

مانند: جامد به مایع یا گاز.

Channel

ایجاد آبراهی طبیعی یا مصنوعی برای انتقال و عبور آب.

Channel roughness

ناهمواریه‌های آبراه یا کانال که شامل موانعی در مسیر، اصطکاک و یا عوامل دیگری می‌باشد.

Charcoal

- زغال - زغال چوب.

- کربنهای حاصل از سوختن چوب - گیاهان - حیوانات.

Check valve

شیرری مجهز به صفحه‌ای لولائی که با باز و بسته شدن دریچه‌ای که صفحه بر روی آن قرار می‌گیرد، جریان مایع قطع و وصل می‌گردد.

Chelation / Key _ LAY _ shun

ترکیب شیمیایی کاتیونهای فلزی (مانند: مس) با ترکیبات آلی اصلی نظیر (اسید تتراستیک اتیلن). از این ماده برای جلوگیری از پوسیدگی فلزات استفاده می‌نمایند (مس)

Chemical

بطور مشترک، موادی که بوسیله فرایندهای شیمیایی استفاده گردیده و یا تولید می‌گردد.

Chemical analysis

روش تجزیه شیمیایی جهت نشان دادن ترکیب و همچنین غلظت مواد.

Chemical Coagulation

بی‌ثبات کردن و تراکم اولیه کلوئیدی و در آخر، تقسیم مواد محلول بوسیله اضافه کردن یک منعقد کننده غیرآلی.

Chemical dose

کمیتی مخصوص که در شیمی بکار برده می‌شود. این کمیت، اندازه و مقدار مخصوصی جهت کار و هدف خاص می‌باشد.

Chemical equilibrium

- موازنه شیمیایی.

- انرژی میان اجزاء یک سیستم.

Chemical equivalent

وزن ماده‌ای بر حسب گرم که با یک گرم هیدروژن ترکیب یا جایگزین می‌گردد.

Chemical Feeder

وسیله‌ای برای توزیع مقداری ماده شیمیایی از قبل تعیین شده، برای تصفیه آب یا فاضلاب که این مقدار با تغییر مقدار دبی قابل تغییر بصورت دستی یا خودکار می‌باشد.

Chemical gas Feeder

یک دستگاه توزیع کننده مواد شیمیایی برای حالت‌های گازی که معمولاً مقدار توزیعی با واحدهای وزنی بیان می‌گردد.

Chemical grout

دو محلول شیمیایی حاصل از ترکیب یک جامد.

Chemical grouting

عمل درگیری و آبندی یک خط لوله یا ساختمان منهول بوسیله تزریق ملات‌های شیمیایی.

Chemical oxidation

اکسیداسیون ترکیبات در آب یا فاضلاب بوسیله عناصر شیمیایی. این اکسیداسیون شامل: ازن - کلر و پتاسیم پرمنگنات می‌باشد.

Chemical oxidation demand (COD)

آزمایش مقدار اکسیژن لازم جهت اکسیداسیون شیمیایی مواد کربن دار آلی در فاضلاب بوسیله دی کرومات غیرآلی یا نمک‌های پرمنگنات بصورت اکسیدانت در یک آزمایش دو ساعته.

Chemical Precipitation

- ته نشین نمودن ذرات معلق بوسیله اضافه نمودن مواد شیمیایی.
- فرایند نرم نمودن آب بوسیله اضافه نمودن آهک یا آهک و سودا.

Chemical reaction

تغییر یک یا چند نوع عنصر شیمیایی به نوع دیگری که باعث تغییرات: شکل، گرما، گاز، رنگ و ساختمان آن می‌گردد.

Chemical reagent

اضافه نمودن عنصر شیمیایی در سیستمی که موجب ایجاد واکنش شیمیایی در آن می‌گردد.

Chemical Sludge

لجن حاصل از تصفیه آب یا فاضلاب با منعقدکننده‌های غیرآلی.

Chemical Solution tank

مخزن جمع آوری مواد شیمیایی محلول قبل از استفاده برای تصفیه آب یا فاضلاب.

Chemical Treatment

فرایند تصفیه آب یا فاضلاب با استفاده از مواد شیمیایی. جمع آوری و انعقاد لجن و همچنین ضدعفونی نمودن و کنترل بو در نتیجه بکارگیری روش‌های شیمیایی می‌باشد.

Chezy Formula

ارائه فرمولی در رابطه با تعیین دبی آب در کانال‌های روباز توسط «چزی» در سال ۱۷۷۵ میلادی.

Chloramines / KLOR _ uh _ means

ترکیبات تشکیل شده بوسیله واکنش‌های اسید هیپوکلروس با آمونیاک.

Chlorination / KLOR _ uh _ NAy shun

بکارگیری یا مصرف کلر در آب بمنظور ضدعفونی نمودن آب.

Chlorination Chamber

تعبیه کانال - آببند یا حوضچه‌ای ایمن و بی‌خطر برای کلرزنی آب که جهت گندزدائی و ضدعفونی آب صورت می‌پذیرد.

Chlorinator / KloR _ uh _ NAy _ ter

وسیله‌ای که برای اضافه نمودن کلر به آب از آن استفاده می‌گردد.

Chlorine (CL)

عنصری شیمیایی با رنگ متمایل به سبز و زرد که در شکل گازی آن ۲/۵ برابر سنگین‌تر از هوا بوده و معمولاً جهت گندزدائی و ضدعفونی آب و پساب فاضلاب از آن استفاده می‌گردد.

Chlorine Contact chamber

تعبیه حوضچه‌ای برای اضافه نمودن کلر به آب یا فاضلاب جهت گندزدائی و ضدعفونی نمودن با توجه به اینکه زمان مناسبی برای باقی ماندن کلر در آب در نظر گرفته شود.

Chlorine demand

مقدار کلر لازم که در زمان مخصوصی با واکنش با موادی در آب، عمل گندزدائی و ضدعفونی را انجام دهد.

Chlorine dioxide / (ClO₂)

گازی با قدرت انفجار بالا که جهت تغییر طعم و بوی آب، در تصفیه آب به آن اضافه می‌گردد.

Chlorine dose

مقدار کلر بکار گرفته در یک مایع که معمولاً با واحد میلی‌گرم در لیتر یا پوند بر میلیون گالن بیان می‌گردد.

Chlorine hydrate

بخ مایل به زردی که بر روی کلرزن ایجاد گردیده این پدیده در مواقعی که گاز کلر در دمای ۹ درجه سانتیگراد یا ۴۹ درجه فارنهایت با آب در تماس می‌باشد، بوجود می‌آید. این عمل در صورت تکرار، عمل کلرزنی را با مشکل روبرو می‌سازد.

Chlorine ICe

" See chlorine hydrate "

Chlorine residual

مقدار کلر باقیمانده در آب بعد از مرحله گندزدائی و تصفیه آب.

Chlorine requirement

مقدار کلر مورد نیاز برای یک منظور خاص و ویژه، مانند: کلر لازم برای کاهش تعداد باکتریها یا جلبکها.

Chlorine room

اطاقی یا ساختمانی مجهز برای نگهداری کلر و وسایل کلرزنی و همچنین حفاظت از کارکنان مربوطه و تجهیزات تصفیه خانه.

Chlorine toxicity

اثرات زیان بار مربوط به خواص کلر بر روی جانداران.

Chlorophenolic / KLOR _ o _ FEE _ No _

lick

ترکیبات فنولیک (اسیدکربولیک) که با کلر ترکیب گردیده‌اند.

Chloro Phenoxy

یک گروه از علف کشهایی که ممکن است در آب مصرفی نیز یافت گردیده و تأثیرات نامطلوبی بر روی سلامتی دارد.

Chlororganic / klor _ or _ GAN _ nick

ترکیبات آلی ترکیب شده با کلر.

Christy box

محفظه‌ای مابین انشعابات فاضلاب خانگی و اتصال شبکه فاضلاب که از آن جهت تمیز نمودن و رفع گرفتگی لوله‌ها استفاده می‌نمایند.

Chromatography

نام ژنریکی برای گروهی از فرایندهای جداسازی که بستگی به توزیع مولکولهای مخلوط میان گاز یا مایع در تماس با یک یا چند توده حجیم دارد.

Chronic

اثرات بلند مدت، مزمن، مربوط به زمانهای طولانی.

Ciliates / Silly _ ates

- مژه داران.

- دسته‌ای از تک یاخته‌ایها که بوسیله موهای کوتاه در همه یا قسمتی از بدنشان شناسائی میگردند.

Circle of In Fluence

گودی یا حفره مخروطی شکل تولید شده بوسیله پمپاژ آب از چاه در سطح آب.

" also see Cone of Influence"

Circuit

کل مسیر یک جریان الکتریسته، شامل لوازم تولید نیرو، یا دیگر منابع یا قسمت‌های مخصوص.

Circuit breaker

یک وسیله حفاظتی الکتریکی. چنانچه بار در مدار بیش از اندازه باشد بطور خودکار جریان را قطع می‌نماید.

Cistern

یک مخزن کوچک برای ذخیره‌سازی آب مصارف خانگی و مزارع. اغلب برای ذخیره‌سازی آب باران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Clarifier / KLAIR _ uh _ fire

حوض یا استخر ته‌نشینی.

Class, pipe and Fittings

ظرفیت فشار عملی و مقررات مربوط به لوله‌های یک سیستم توزیع آب. این بخش شامل چدنهای ریخته‌گری لوله - لوله‌های آهنی، سیمانی و بعضی لوله‌های پلاستیکی نیز میگردد.

Cleaning, pipe

" see pipe cleaning"

Cleanout, two way

تمیز نمودن مسیر لوله بوسیله فنر مارپیچ که غالباً برای لوله‌های افقی که در یک راستا باشد استفاده میگردد.

Clear _ water basin

یک مخزن یا آب انبار جهت ذخیره‌سازی آب مصرفی به جهت روبرو شدن با کمبود یا قطع آب.

Clear wall

یک مخزن یا آب انبار جهت ذخیره آب تصفیه شده و بهداشتی به جهت روبرو شدن با کمبود یا قطع احتمالی آب.

Clinical Laboratory

اختصاص محلی برای شناسائی علل بیماریها و تحقیق و مطالعه بیماریهای واگیردار که احتمال انتشار اتفاقی آن در سیستم فاضلاب نیز وجود دارد.

Closed Centrifugal pump

یک پمپ گریز از مرکز با پره‌هایی در داخل آن با حرکت چرخشی و مدور.

Closed Conduit

یک مجرای طبیعی یا مصنوعی روبسته برای عبور سیال.

Closed Impller

یک وسیله محرک داخل محفظه‌ای که نیروی آن از محیط بیرونی مکش تا رأس پره امتداد می‌یابد.

Coagulate / Co _ Agg _ you _ late

استفاده از مواد شیمیایی برای پیوند ذرات کوچکتر به هم و تشکیل ذرات بزرگتر. از این عمل برای جداسازی جامدات از مایعات که در نتیجه منجر به تصفیه مایعات میگردد، استفاده میشود.

Coagulant aid

استفاده از مواد یا مواد شیمیایی برای منعقدسازی.

Coagulation / Co _ AGG _ you _ LAy _ shun

به عمل منعقدسازی یا پیوند ذرات کوچکتر و ایجاد ذرات بزرگتر که بموجب سنگین شدن وزن آن، ته‌نشین گردیده و در نهایت منجر به جداسازی جامدات از مایعات میگردد، گویند. این عمل با استفاده از مواد شیمیایی منعقدساز صورت میگردد.

Coagulation basin

حوضچه‌ای برای استفاده از منعقدکننده‌ها یا بدون استفاده از آن برای انعقاد محلولها یا مواد کلوئیدی.

Coal

زغال:

زغال حاصل از مواد آلی و غیرآلی.

Coating

ماده‌ای بعنوان پوشش در داخل و خارج لوله - شیر و دیگر اتصالات که برای جلوگیری از خوردگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این پوشش میتواند از مواد مختلفی تهیه گردد.

Cocci

باکتریهای کروی شکل.

Coading

در بحث جامدات زائد یا زباله‌ها به یک سیستم باز یافت مواد اشاره می‌نماید.

Codisposal

ضایعات مربوط به لجن فاضلاب در ارتباط با فرایندهای استفاده یا دفع اصولی آن.

Coefficient

یک کمیت عددی که بوسیله آزمایش یا به روش تحلیلی تعیین میگردد.

این ضریب در فرمولی که ارتباط بین دو یا چند متغیر را بیان می‌نماید، بکار می‌رود.

Coefficient of Viscosity

یک ضریب عددی که مقاومت یا افت درونی سیال را بیان می‌نماید.

هر چقدر افت بیشتر باشد، ضریب آن نیز بزرگتر است. واحد

$$\text{آن} \frac{\text{Dyne}}{\text{cm}^2} \text{ میبباشد.}$$

Cohesion

نیروی جاذبه مولکولی میان ذرات یک ماده.

Coliform group bacteria

یک گروه از باکتریهایی که بطور چشمگیر در روده‌های انسان و حیوان جای داشته و به ندرت در جاهای دیگر یافت می‌شوند.

Collapsed pipe

لوله‌ای که در یک یا چند نقطه توسط فشارهای بیرونی دچار فشردگی و تورفتگی گردیده است.

Collection main

مجموع لوله‌های افقی به هم متصل در یک ساختمان.

Colletion system

شبکه‌ای متشکل از لوله‌ها - منهول - محفظه نظافت - سیفونهای توالت - دستشویی لگن ظرفشویی - حمام - کفشوییها و دیگر سرویسهای جمع آوری فاضلاب.

Colloids

جامدات بسیار ریز و معلق در آب که ته نشین نمی‌گردند.

Colony

یک توده مجزا از میکرو ارگانیسمهای سطحی که با پراکندگی و رشد سراسری محیط کشت در یک مایع ضدیت دارد.

Color

تعدادی از جامدات محلول که از رنگ قابل رویتی در آب بهره‌مند میباشند.

Colorimeter

وسیله‌ای برای اندازه‌گیری مقدار نور یک طول موج مخصوص که بوسیله یک محلول جذب میگردد.

Colorrimetric measurement

بمعنی سنجش تجمع مواد شیمیایی ناشناخته در آب از طریق اندازه‌گیری میزان و شدت رنگ آنها.

Combined available chlorine

تجمع کلری که با آمونیاک ترکیب گردیده مانند کلرآمین و یا دیگر مشتقات کلر که قادرند با اکسید مواد آلی ترکیب شوند.

Combinde available residual Chlorine

آن بخش از کلر باقیمانده در آب یا فاضلاب در انتهای زمان مانده و اکنش شیمیایی یا بیولوژیکی نظیر کلرآمین خواهند داشت.

Combined residual chlorination

استعمال کلر در آب یا فاضلاب که با ترکیب یا ترکیبات نیتروژن آلی و یا آمونیاک تولید یک ترکیب کلر می‌نماید.

Combined sewer

یک شبکه مرکب که هم فاضلاب و هم آبهای سطحی را جمع‌آوری می‌نماید.

Combined waste water

شبکه فاضلاب مرکب که شامل جمع‌آوری سیلاب، آبهای سطحی و فاضلابهای خانگی و صنعتی باشد.

Combustible

مواد قابل اشتعال در مسیر جریان فاضلاب مانند: کاغذ - پلاستیک و دیگر مواد آلی.

Combustion

ترکیب شیمیایی اکسیژن با ماده که در نتیجه منجر به تولید گرما میگردد.

Combustion air

اکسیژن مصرفی در اشتعال یک ماده سوختنی.

Combustion gases

مخلوطی از گازها و بخارات که ناشی از سوختن میباشند.

Combustible _ gas Indicator

یک دستگاه اندازه‌گیری شدت احتراق یا انفجار که بر اساس اندازه‌گیری گازهای منتشره حاصل از انفجار و یا سوختن عمل می‌نماید.

Commerical Contribution

مایعات حاوی زباله‌ها و فاضلابهایی که توسط مؤسسات تجاری وارد شبکه فاضلاب میگرددند. مانند: فاضلاب هتل‌ها و رستورانها.

البته این فاضلابها از فاضلابهای صنعتی مجزا میباشد.

Commerically dry sludge

لجنهائی با کمتر از ۱۰٪ رطوبت جهت مصارف کودهای تجاری.

Commerical Television quality

اشاره به سطح کیفی تصاویر تلویزیونی.

Commingled recyclable

مخلوطی از چند ماده قابل بازیافت در یک مخزن.

Commingled waste

مخلوطی از همه ذرات فاضلاب در یک مخزن.

Comminution / com _ mi _ NEW _ shun

در تصفیه مکانیکی:

فرایند خردکردن و ریزنمودن تکه‌های بزرگ و تبدیل به ذرات کوچکتر به نحوی که از لوله‌ها و تجهیزات عبور نموده و موجب گرفتگی و انسداد آنها نگردد.

Comminutor / Com _ mih _ NEW _ ter

ابزاری که جهت کاهش اندازه جامدات موجود در فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وسایل شامل اموری مانند: خرد کردن - بریدن و قیچی نمودن میباشد.

Compacted back fill

پرکردن حفره‌ها یا مجاری، همراه با فشردن یا کوبیدن مواد.

Compacted bedding

پر نمودن همراه با کوبیدن و فشردن بسترهای لوله‌گذاری شده زیر ساختمان که موجب افزایش سرعت و حجم بیشتر مواد پرکننده میگردد.

Compaction

- عمل فشردن و به هم نزدیک نمودن مولکولهای یک ماده در نتیجه وارد نمودن ضربه و فشار.

Compaction test

روشی برای تعیین مقدار فشار و وزن موادی که اطراف لوله در بستر را احاطه نموده که معمولاً با واحد Ib/in^2 یوند بر اینچ مربع بیان میگردد.

Compactor

- دستگاهی مکانیکی که جهت فشردن و کاهش حجم زباله از آن استفاده می‌نمایند.

- دستگاههای تولید فشار و ایجاد ضربه.

Compactor Collection vehicle

دستگاههای نقلیه بزرگ که دارای مخزنی برای جمع‌آوری زباله‌ها و فشردن آن برای کاهش حجم زباله‌ها می‌باشد.

Complete treatment

روشی برای تصفیه آب، شامل - متعقدسازی ته‌نشین‌سازی و فیلتراسیون یا صاف کردن.

Composite sample / Come _ PAH _ zit

یک نمونه مرکب و خاص که در فاصله منظم نمونه‌برداری میگردد.

Composite liner

استفاده از خاک و پلاستیک برای پر کردن زمین.

Compost

مخلوطی از مواد آلی فاضلاب که بوسیله فرایندهای هوازی یا بی‌هوازی پوسیده و تجزیه گردیده و بعنوان کود در مصارف کشاورزی بکار میرود.

Composting

کنترل بیولوژیکی تجزیه جامدات آلی فاضلاب تحت وضعیت هوازی یا غیرهوازی.

Compound

یک ماده مرکب خالص با دو یا چند عنصر. مانند: نمک طعام (کلرید سدیم (NaCl)

Computed Collection system Contribution

محاسبه دبی (مقدار) فاضلابهای خانگی و صنعتی که اساس محاسبه ظرفیت تصفیه‌خانه‌های فاضلاب بوده و قسمتی از کل فاضلاب ورودی به تصفیه‌خانه را تشکیل میدهد.

Computed Commerical Contribution

محاسبه دبی (مقدار) فاضلاب مراکز تجاری. که شامل کلیه موسسات و مراکز تجاری میباشد.

Computed domestic Contribution

محاسبه دبی (مقدار) فاضلاب مناطق مسکونی که بر اساس متوسط فاضلاب تولیدی هر نفر در نظر گرفته میشود.

Computed Facility Contribution.

محاسبه مقدار فاضلاب تخلیه شده از یک واحد یا دستگاه به شبکه فاضلاب.

Computed industrial Contribution

محاسبه مایعات و فاضلابهایی که توسط مراکز صنعتی و کارخانجات وارد شبکه فاضلاب میگردد.

Computed Per capita Contribution

محاسبه فاضلاب مناطق مسکونی که بر اساس جمعیت مناطق صورت می‌پذیرد. بطور متوسط در آمریکا برای هر نفر ۱۰۰ گالن فاضلاب در روز در نظر گرفته میشود.

Computed total Contribution

پیش بینی و محاسبه کل فاضلابها که ترکیبی از همه فاضلابها بوده و برای تصفیه وارد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب میگردد. این مقدار اساس محاسبه ظرفیت و انتخاب تجهیزات تصفیه‌خانه‌ها می‌باشد.

Concentration

- غلظت - تجمع - تراکم.
- مقدار ماده حل شده در واحد حجم محلول مجزا یا مربوط به وزن ماده جامد.
- عملیات حل شدن بیشتر جامدات در واحد حجم محلول که معمولاً با تبخیر مایع همراه است.
- عمل افزایش حل شدن جامدات در واحد حجم لجن بوسیله آبگیری لجن.

Concentric manhole cone

شکل یک منهول فاضلاب که بصورت یک مخروط هم مرکز طراحی میگردد.

Concrete cradle

وسيله‌ای ساخته شده از سیمان که برای نگهداری لوله‌های فاضلاب طراحی میگردد.

Condensate

- متراکم گردیدن بخار از مبدلهای حرارتی.

Condensation

- تقطیر.
- فرایندی که طی آن مواد از حالت بخار به حالت مایع یا جامد تغییر حالت دهد.

Condenser

وسایلی برای تغییر حالت گازی یا بخار به حالات مایع یا جامد.

Conditioning

تصفیه فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی لجن که باعث افزایش قابلیت آبیگری لجن میگردد.

Conductance

روشی سریع در برآورد یا تخمین جامدات محلول در آب بوسیله عبور جریان الکتریسته از آب مورد نظر.

Conductivity

اندازه گیری توانائی عبور جریان الکتریسته در یک محلول (آب).

Conductor

یک ماده، بدنه، وسیله یا سیم که جریان الکتریسته را از خود عبور میدهد یا حامل جریان الکتریسته می باشد.

Conduit

مجاری طبیعی یا مصنوعی که به شکل روباز یا بسته مایعات را از نقطه ای به نقطه دیگر هدایت می نماید. در الکتریسته بمعنی هادی جریان الکتریسته می باشد.

Cone of deprssion

یک حفره مخروطی شکل بر روی سطح آب داخل چاه که در اثر پمپاژ آب بوسیله پمپ از داخل چاه تشکیل میگردد.

Confined space

تعبیه محللهائی برای عبور جریانهای مختلف مانند: محل تهویه و خروج هوای آلوده یا کم اکسیژن.

Coning

پیدایش و افزایش یک جریان مخروطی شکل مایع شبیه به گرداب در لجن در موقعی که لایه های لجن بیش از اندازه ضخیم گردد.

Construction and demolition waste

زباله های ساختمانی شامل نخاله های ساختمان سازی مانند: سنگ، آجر، خرده شیشه و غیره.

Consumer waste

مواد دورریختنی که بطور خلاف و اشتباه توسط مشترکین و مصرف کنندگان در داخل فاضلاب انداخته میشود. و در تصفیه خانه جداسازی میگردد.

Consumption

مقدار ماده یا انرژی مصرف شده.

Contact aerator

یک واحد بیولوژیکی ساخته شده از سنگ، سیمان، آزیست یا دیگر مواد که هوا در آنجا در میان مایعات انتشار یافته و هوادهی میگردد.

Contact chamber

مخزن بزرگی که آب یا فاضلاب در آن با مخلوط شدن با ماده خاصی، ضد عفونی و گندزدائی میگردد.

Contactactor

یک کلید الکتریکی که بصورت مگنتی یا (جذب کننده) عمل می نماید. از این کلیدها بیشتر در مدار فرمان و قدرت تابلوهای برق استفاده میگردد.

Contact stabilization

فرایند ضد عفونی نمودن لجن فعال در مدت کوتاه که جهت حذف **BoD** محلول بوسیله جذب صورت می پذیرد.

Contact tank

در تصفیه آب یا فاضلاب؛ مخازن یا حوضچه هائی که مواد شیمیایی با مایعات در تماس قرار گرفته و تصفیه میگردد.

Contact time

زمانیکه برای تکمیل واکنش موردنظر، فرایندی صورت می‌پذیرد و مواد دیگری مانند لجن فعال یا کربن فعال نمایان می‌گردد.

Contamination

- آلودگی.

- آلودگی آب شامل: میکروارگانیسرها - مواد شیمیایی مواد سمی یا فاضلابی که بعد از تصفیه قابل استفاده می‌گردد.

Continuous _ Flow Pump

جایگزین نمودن یک پمپ در مکانی که در جهت جریان آب تغییر حاصل نگردیده و یا معکوس نمی‌گردد.

Continuous _ Flow tank

یک مخزن در جریانی دائمی و با دبی معمولی.

مانند: مخزنی که بصورت دائمی پر و خالی می‌گردد.

Continuous Sample

نمونه برداری جهت آزمایش از محل خاص عبور جریان آب یا فاضلاب. این عمل در آزمایشگاههای موجود در تصفیه‌خانه‌ها بصورت دائمی صورت می‌پذیرد.

Contracted weir

یک سد مستطیل شکل با عرض کم و دیوارهای عمودی بلند که در بالادست کانال آب قرار می‌گیرد.

Contribution

ورود آبها، فاضلاب و مایعات دیگر همراه با زیاله به شبکه فاضلاب.

Controlled air incinerator

کنترل هوای مورد نیاز یک کوره یا محفظه احتراق برای جلوگیری از ورود هوای اضافی به آن.

Controlled discharge

کنترل یا مهار مقدار جریان یک مجرای فاضلاب یا گنداب‌رو.

Control Loop

خط سیری در بین سیستم کنترل، بین حسگر (سنسور) در موقعیکه یک فرایند متغییر اندازه‌گیری می‌گردد و کنترل کننده که فرایند متغییر را کنترل و مهار می‌نماید.

Control system

سیستمی که بعد از حس کردن، عملکرد خودش را کنترل می‌نماید.

Controller

وسیله‌ای که شروع و توقف یا عملکرد قطعات و تجهیزات را کنترل و مهار می‌نماید.

Convection

مجموعه حرکت‌های یک سیال که در نتیجه نیروی ثقل و اختلاف چگالی صورت می‌پذیرد.

Conventional Filtration

روشی در تصفیه آب که شامل اضافه نمودن مواد شیمیایی منعقدساز - هوادهی، شناورسازی و ته‌نشینی و صاف کردن باشد.

Conventional treatment

" See Conventional Filtration "

Conversion

تغییر شکل زیاله‌ها و مواد زائد به شکل‌های دیگر. مانند: حرارت دادن و سوزاندن زیاله‌ها.

Conversion Factor

یک ضریب ثابت عددی که مقدار آن در واحدهای مختلفی بیان میگردد.

Conversion Products

محصولات حاصله از تبدیل مرحله اول جامدات فاضلاب. مانند: گرمای حاصل از احتراق و گازهای حاصل از تبدیل بیولوژیکی مواد.

Coling Coil

یک مبدل لوله‌ای یا حلقوی شامل بخار سیال گرم که بوسیله انتقال گرما، در یک سیال سرد خارجی، گرمای خود را از دست داده و سرد می‌شود.

Corporation Stop

یک شیر فلکه قطع آب که در مسیر اصلی لوله آب یک خیابان قرار می‌گیرد.

Corrosion

- خوردگی.

- عمل تجزیه تدریجی مواد در واکنش شیمیایی که ابتدا از سطح ماده شروع گردیده و بداخل آن نفوذ می‌نماید. این عمل در لوله‌های فاضلاب نیز موجب خوردگی تدریجی لوله‌ها میگردد.

Corrosion Control

- در تصفیه آب؛ روشهایی که از ورود یونهای فلزی به داخل محلول جلوگیری می‌نماید.
- همچنین کنترل افزایش PH آب و حذف اکسیژن آزاد از آب یا کربنات آب.

Corrosion inhibitors

- موادی که زنگ زدگی را کاهش میدهد.
- مواد کاهش دهنده خوردگی و زنگ زدگی.

Corrosive

- خورنده - زنگ زننده.
- تعریف مشخص برای منظور خاص.

مانند: ماده‌ای که میزان PH آن زیر ۲ یا بالای ۱۲/۵ باشد. یا ماده‌ای که قابلیت حل شدن یا شکسته شدن دارد.

Corrosivity

نشانه زنگ نزدگی آب که بوسیله PH آلکالینیتی - سختیها - دماها و کل جامدات محلول و غلظت محلول اکسیژن بیان میگردد.

Cost _ effective

اندازه‌گیری مقدار فاضلاب خروجی از انشعاب یک مصرف‌کننده و ارزش آن.

Coulomb

اندازه‌گیری مقدار بار الکتریکی منتقل شده بوسیله یک جریان الکتریکی یک آمپری در یک ثانیه.
یک کلمب برابر است با: $10^{18} \times 6/25$ الکترون.

Coupling

- وسیله‌ای برای اتصال دو قطعه مجاور.
- وسیله‌ای برای اتصال دو لوله به یکدیگر یا به دستگاه یا وسیله‌ای دیگر مانند پمپ.

Coupon

- اندازه‌گیری زنگ زدگی آب بوسیله یک نمونه فولادی.
- مقدار زنگ‌زدگی از طریق کسر وزن نمونه (کوپن).
در واحد میلی گرم در مربع سطح بیان میگردد.

mg / dm²

Cover material

خاک یا دیگر موادی که برای پوشانیدن سطح فاضلاب یا زباله‌های مدفون شده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Critical depth

عمق آب در حال جریان در یک کانال روباز.

Critical flow

- وضعیت جریانی که بیان کننده سرعت در یک حالت حساس یا عادی است.

- بیشترین تخلیه از یک لوله یا کانال.

Cross braces

تعبیه محلی در میان چاه برای نگهداری از اجزاء عمودی و افقی در آن.

Cross connection

- اتصال بین مجرای تخلیه و شبکه جمع آوری فاضلاب.

- اتصال بین دستگاه آبخوری و منبع آب.

Crusher

ابزاری مکانیکی برای خرد کردن مواد درجه ۲ مانند:

بطریهای شیشه‌ای.

Cryogenic

مربوط به گاز مایع شده در دمای پایین،

مانند: اکسیژن مایع.

Cullet

عموماً، جداسازی شیشه‌های خردشده برای استفاده در کارخانه ساخت شیشه‌های جدید.

Culture

- کشت (آزمایشگاهی).

- رشد آلی در محیط بصورت عمدی.

Culture media

موادی که برای نگهداری از کشت میکرو ارگانیسمها در آزمایشات تحلیلی بکار گرفته میشوند.

Curbsid Collection

جمع آوری مواد قابل بازیافت که ممکن است شامل جداسازی و هم مخلوط کردن زباله‌ها نیز باشد.

Curbsid Separation

جداسازی مواد مخلوط قابل بازیافت در مکان مناسب.

Curb inlet

تعبیه چاهی در خیابان در مسیر جریان فاضلاب یا سیلاب‌رو.

Curb stop

یک شیر فلکه قطع سرویس آب برای کنترل سرویس آب که در بین لوله اصلی آب ورودی و ساختمان قرار گرفته است.

Current

حرکت یا عبور الکتریسته که بر حسب تعداد کلمب عبوری از یک نقطه در واحد ثانیه از سیم، بیان میگردد.

Cyclone Separator

یک دستگاه مخروطی یا قیفی شکل برای جداسازی ذرات بوسیله نیروی گریز از مرکز.

D , d

Danger

- خطر.

- این لغت در جایی بکار گرفته میشود که کسی در معرض خطر و آسیب جدی و حتی مرگ باشد.

Dangerous air contamination

- هوایی آلوده که منجر به امراض خطرناک و حتی مرگ نیز می‌گردد و قابل اشتعال نیز نمی‌باشد.

- هوایی آلوده و خطرناک با قابلیت کم اشتعال.

- هوایی آلوده و سمی که سلامتی را در معرض خطری جدی قرار میدهد.

Darcy _ weisbach roughness

Coefficient

ضریب زبری و خشنی «دارسی و ایباخ» برای استفاده در فرمول مربوطه.

Data

ثبت و ضبط مشاهدات و اندازه‌گیریهای؛ فیزیکی، اتفاقات و حالات کاهش بصورت نوشتن یا نموداری.

Data view

سیستم گزارش و ضبط با سرعت بالا که در تجهیزات تلویزیونی مدار بسته خطوط لوله استفاده میگردد.

Dateometer / day _ ToM _ uh _ ter

یک صفحه سالنمائی که بر روی موتورها و یا تجهیزات نصب گردیده و نشانگر سال انجام سرویس نگهداری آن دستگاه میباشد.

Day tank

مخزنی که برای ذخیره‌سازی محلولها شیمیایی با غلظت مشخص جهت مصرفی روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Dead end

بمعنی آب راکد یا انتهای مسیر لوله‌آبی که بوسیله درپوش مسدود گردیده و به قسمتهای دیگر متصل نمی‌باشد، است.

Deadend Manhole

یک منهولی که در انتهای سیستم فاضلاب قرار گرفته و هیچ لوله‌ای وارد آن نمی‌گردد.

Debris

- آشغال، زباله.

- مواد شناور در فاضلاب که ممکن است معلق بوده و یا ته‌نشین گردد.

این مواد شامل: پارچه، مقوا، پلاستیک، آهن و غیره بجز مایعات می‌باشد.

Debris in filtrated

" See in filtrated debris "

Decant

پساب حاصل از ته‌نشینی مواد جامد مخلوط با آن.

Decant water

پساب یا آب حاصل از جداسازی لجن مرطوب.

Decantation

جداسازی مایعات از جامدات بوسیله ته‌نشینی و رسوب.

Dechlorination

کاهش جزئی یا کلی باقیمانده کلر بوسیله فرایندهای شیمیایی و فیزیکی.

Decible / DES _ uh _ bull

مقیاسی برای بیان شدت نسبی صدا در دامنه‌ای از ۰ تا ۱۳۰.

Decomposed pipe

لوله خراب ضعیفی یا خرابی قسمتی از لوله بوسیله واکنشهای شیمیایی.

Decomposition decay

فرایندی که مواد غیر پایدار و متغییر توسط انفعالات شیمیایی و بیولوژیکی به مواد پایدار تبدیل میگردند.

Decomposition of wastewater

فرایند پوسیدگی و تجزیه مواد آلی فاضلاب بوسیله واکنش‌های باکتریهای هوازی و بی‌هوازی.

Decontamination or detoxification

- فرایند تبدیل سموم آفت‌کش یا حشره‌کش را به ترکیبات غیرسمی گویند.

- فرایند جمع‌آوری اثرات رادیواکتیو از سطوح مواد آلوده.

Defect

نقطه‌ای از لوله یا سیستم جمع‌آوری فاضلاب یا سیستم فاضلاب ساختمان که دچار آسیب گردیده است.

Defect surfaced

" See surfaced defect "

Deflected

- ایجاد انحنا بر روی لوله‌ها توسط نیروهای بیرونی که اغلب بر روی لوله‌های پلاستیکی و فایبر ایجاد می‌گردد.

- تغییر جهت لوله به طرف چپ، راست، بالا و پایین.

Defluoridation / de _ FLooR _ uh _ DAY _

shun

حذف فلوراید اضافی از آب آشامیدنی.

فلوراید عامل ایجاد لکه بر روی دندانها میباشد.

Defoamer

- مواد ضدکف.

- مواد ضدکف‌کنندگی مانند: سیلیکون که برای جلوگیری از کف‌کردن و حباب، به مواد و مایعات اضافه می‌گردد.

Degasification

- حذف گاز از مایعات.
- در تصفیه آب؛ حذف اکسیژن از آب که برای جلوگیری از خاصیت زنگ زدگی آب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Degradable plastics

- پلاستیک‌های قابل تجزیه.
- پلاستیک‌هایی که جهت موارد خاص تهیه و تولید می‌گردند. فرمول اینگونه پلاستیکها بگونه‌ایست که در صورت قرار گرفتن در معرض نور آفتاب و میکروب، تجزیه می‌گردد.

Degradation

- تبدیل و تجزیه مواد به ترکیبات ساده‌تر. مانند: تبدیل دی‌اکسیدکربن به آب.

Degreasing

- فرایند جمع‌آوری حذف چربی و روغن از فاضلاب - لجن و دیگر مواد.
- فرایند حذف گریس و روغن از قطعات ماشین آلات و محصولات فلزی.

Degree

- درجه.
- مقیاس اندازه‌گیری گرما و حرارت با واحد سانتیگراد یا فارنهایت.
- واحد اندازه‌گیری زاویه.

Deinking

- حذف جوهر و دیگر مواد رنگی از کاغذهای زائد، که جهت بازیافت کاغذها انجام می‌گیرد.

Demineralization

- آب شیرین کردن.
- یکی از فرایندهای تصفیه آب، شامل حذف نمکهای محلول معدنی از آب.

Demineralizator

- آب شیرین‌کن.
- دستگاههای حذف نمکهای محلول معدنی از آب.

Demoliton wastes

- زباله یا نخاله‌های ساختمانی. شامل لوله‌ها رادیاتور - سیم‌های برق - سنگ، پاره‌آجر، سیمان و غیره... که مربوط به ساختمانها مخروبه جاده‌ها، پیاده‌روها و دیگر سازه‌ها میباشد.

Denitrification

- حذف کل نیتروژن موجود در یک سیستم که توسط کاهش بیولوژیکی نیتروژن از گازهای نیتروژن در محیط بی‌هوازی صورت می‌پذیرد.

Densified refuse _ use _ derivedfuel (d_RDF)

- انتشار جریان سوخت با فشار و بصورت پاششی.

Density / DEN _ sit _ tee

- چگالی، تراکم، غلظت، فشردگی، پریشتی.

Density current

- یک جریان آب طبیعی که بواسطه چگالی آب، عبور می‌نماید.

Deoxygenation

- کاهش اکسیژن محلول در یک مایع که یا تحت شرایط طبیعی بوسیله اکسیداسیون شیمیایی مواد آلی و یا بوسیله کاهش عوامل شیمیایی صورت می‌پذیرد.

Deoxygenation constant

یک ضریب ثابت که مقدار اکسیداسیون شیمیایی مواد آلی را تحت وضعیت هوازی بیان می‌نماید.

Departure

اختلاف میان چند دیدگاه و بینش.

Deposit

موادی که بصورت طبیعی ته‌نشین می‌شوند.

Deposition

- ته‌نشینی، رسوب.

- فرایند یا عمل ته‌نشینی مواد جامد در یک سیال محلول.

- عملیات زمین‌شناسی که دربرگیرنده جمع‌آوری مواد سنگی است. و یا جمع‌آوری زباله‌ها و مواد زائدی که توسط جریان آب و یا باد منتقل می‌گردند.

Desalinization

- آب شیرین‌کردن.

- حذف نمکهای محلول (نظیر کلرید سدیم) از آب، بوسیله فرایندهای تصفیه خاص یا آبشویی کردن.

Desiccant / DESS _ uh _ kant

- خشک کننده.

- عامل خشک کردن بوسیله حذف و یا جذب رطوبت هوا.

Desiccation / DESS _ uh _ KAy _ shun

یک فرایند خشک کردن و حذف تقریباً کل رطوبت موجود از هوا.

Desiccator / DESS _ uh _ KAy _ tor

- خشک کننده.

- یک محفظه بسته در جائیکه عمل توزین در گرما صورت می‌پذیرد و یا خشک نمودن ظروفی که در سرما در یک محیط خشک آماده برای توزین می‌گردند.

Design criteria

- راهنمائیهای مهندسی که بیان کننده برداشتهای و اطلاعات می‌باشد.

- موضوعات و یا سفارشات که باید در عملیات و امور در نظر گرفته و رعایت گردد.

Design loading

طراحی واحدهای عملیات و وسایل مورد نیاز بصورت مناسب که بر اساس مقدار دبی یا حجم بار شبکه در نظر گرفته میشود.

Destratification / de _ STRAT _ uh _ Fuh _

KAy _ shun

پیشرفت عمودی یا بالا آمدن آب در یک رودخانه یا چشمه. و یا بالا آمدن یک مخلوط در مخزن.

Detention

- نگهداشتن - متوقف کردن.

- تأخیر یا نگهداشتن آب یا فاضلاب درون لوله.

Detention tank

تعدادی از مخازن و حوضچه‌هایی که برای نگهداری جریان در مقابل امواج آب و بهبود ته‌نشینی یا واکنشهای بیولوژیکی یا شیمیایی تعبیه می‌گردد.

Detention Time

- محاسبه زمان لازم برای عبور مقدار کمی از یک حجم آب از بین یک مخزن در جریان و مقدار معین.

- مقدار زمان لازم (بر حسب ساعت - دقیقه و یا ثانیه) برای عبور حجم مشخص از فاضلاب از حوض ته‌نشینی - حوضچه انعقاد و یا حوضچه و مخزن مخلوط‌سازی.

Detergent / de _ Tur _ jent

- پاکساز - پاکسازی.

- گروهی از ترکیبات آلی، مایعات قابل حل در آب و تمیزکننده.

Detoxification

- سم زدائی.

- تصفیه یا حذف مواد سمی.

Detritus / dee _ TRy _ tus

- سنگ ریزه - خرده سنگ.

- مخلوطی از مواد آلی سنگین و خشن. مانند: شن و ماسه‌هایی که بوسیله فاضلاب حمل می‌گردند.

Dewater

- آبگیری.

- خشک نمودن و یا آبگیری از لجن برای افزایش غلظت آن.

Dewaterd sludge

لجن بجامانده پس از آبگیری و جداسازی رطوبت آن.

Dewaterable

- قابل آبگیری.

- این خاصیت مربوط به لجن حاصل از فاضلاب،

جهت بالا بردن غلظت آن بوده و این عمل با استفاده و یا بدون استفاده از مواد شیمیایی صورت می‌گیرد.

Dew point

- نقطه شبنم.

- دما در نقطه‌ای که هوا با یک غلظت مشخصی از بخار آب باید سرد گردیده تا باعث تقطیر بخار گردد.

Diagram

نمودار - نما - نمودار ساختن.

Dialysis

- دیالیز.

- فرایند جداسازی و حذف مواد کلوئیدی که بر اساس اندازه مولکولی و بوسیله عبور آن از بین مواد نیمه تراوا صورت می‌گیرد.

Diaphragm Pump

- دیافراگم پمپ.

- یک صفحه پلاستیکی و قابل انعطاف در پمپ.

Diatomaceous earth / Dye _ uh _ tee _

MAy _ shus

یک زمین سیلیسی که تجزیه اسکلت آن از دیاتوم می‌باشد.

Diatoms / Dye _ uh _ toms

- دیاتومه.

- موجودات تک سلولی.

Differential plunger pump

عملکرد متقابل پمپ با نیروی جهشی. بدینطریق که مایع پس از ورود به داخل سیلندر پمپ تحت فشار قرار گرفته و فوراً تخلیه می‌گردد.

Differential surge tank

یک مخزن بزرگ واسط میان روزنه محدود مخزن، مجهز به یک لوله عمودی در داخل با قطر کوچکتر از لوله متصل به مجرا.

Diffused aeration

- هوادهی.

- تزریق هوای تحت فشار در میان صفحه‌های سوراخ یا لوله‌های منفذدار یا دیگر وسایل که هوا یا اکسیژن را در داخل مایع منتشر می‌سازد و حبابهای کوچک هوا بطرف سطح مایع بالا می‌روند.

Diffused air

حبابهای کوچک هوا در زیر سطح مایع برای انتقال اکسیژن
به مایع. یا (هوادهی)

Diffuser

- هواده.
- صفحات یا لوله‌های منفذدار یا سوراخ که هوا را در میان
مایع منتشر می‌سازد.

Diffuser plate

ورق‌های منفذدار جهت استفاده در مخزنهای هوادهی برای
انتشار هوا یا دیگر گازها در فرایندها تصفیه آب و فاضلاب.

Diffuser tube

لوله‌های هوا جهت استفاده در مخازن هوادهی برای انتشار
هوا یا دیگر گازها در فرایندهای تصفیه آب و فاضلاب.

Diffusion

انتقال توده‌ای از یک سیال به داخل ماده یا سیال دیگر.
مانند: مایع به جامد یا گاز در مایع.

Diffusion aerator

- هوادهی.
- انتشار هوا با فشار کم در میان سیالی مانند آب و فاضلاب
که جهت تصفیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Digested sludge

هضم لجن تحت شرایط هوازی یا بی‌هوازی تا نقطه‌ای که
به جامدات بی‌ضرر تبدیل گردد.

Digestion tank

- مخزن هضم یا تغلیظ.
- مخازنی که در آن لجن هضم یا تغلیظ می‌گردد.

Digester

- هضم کننده لجن.
- مخزن هضم و تغلیظ لجن.

Digester coil

یک سیستم آبگرم یا بخار که توسط لوله‌هایی در مخزن
هضم باعث گرم شدن و افزایش دمای لجن گردیده که در
بهبود فرایند هضم موثر است.

Digestion

- هضم.
- تجزیه بیولوژیکی مواد آلی موجود در لجن که در نتیجه،
کاهش حجم و تبدیل مواد آلی به معدنی را به همراه دارد.

Digestion tank

مخزنی که در آن لجن هضم و تغلیظ میگردد.

Digital readout

استفاده از ارقام برای نمایاندن مقادیر و اندازه‌ها.

Dilute solution

محلول رقیق شده، معمولاً توسط آب.

Dimictic / die _ Mick _ tick

رودخانه و چشمه‌هاییکه در سال دارای دو حالت بوده یک:
یخ زدگی و دو: جریان طبیعی.

Dioxin

نامی ژنریک برای گروهی از ترکیبات شیمیایی.

Dip

نقطه‌ای در لوله که بعلمت بروز عیب و نقصی، آب داخل آن
تخلیه نمی‌گردد و در نتیجه از عبور هوا در میان لوله
جلوگیری می‌نماید.

Direct current (DC)

- جریان مستقیم الکتریسته.
مانند: باتری - پیل.

Direct runoff

آبی که بر روی سطح زمین و یا مستقیماً در نهرها یا رودخانه‌ها جاری می‌گردد.

Discards

- دورریزها - دورریختنی‌ها.

- شامل زباله‌های جامد شهری که پس از بازیافت مجدداً بکار گرفته میشوند و اغلب بعد از پوسیدگی و تجزیه بمصارف کود می‌رسند.

Discharge

- تخلیه.

- عبور جریان از یک کانال، آبرو، پمپ مخزن یا تصفیه‌خانه.

Discharge area

سطح مقطع یک راه عبور آب. یا مایع که جهت محاسبه مقدار دبی تخلیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Discharge Capacity

حداکثر دبی جریانی که قادر به عبور از یک کانال - لوله یا دیگر سازه‌های هیدرولیکی می‌باشد.

Discharge head

مقدار فشار وارده بوسیله یک سیال در نقطه تخلیه. معمولاً از یک پمپ.

Discharge rate

- تعیین کمی آب در حال جریان در واحد زمان در یک کانال، آبرو و یا یک نقطه مشخص.
- نتیجه‌گیری ارقامی اندازه‌گیری یک جریان که با واحد مناسبی بیان می‌گردد.

Discret sedimentation

رسوب سازی بعنوان عملکرد نهائی یک حوضچه بعد از حل شدن جامدات.

Disinfection / dis _ in _ FECT _ shun

- ضد عفونی، گندزدائی.
- فرایند از بین بردن هرچه بیشتر ارگانیسمها و باکتریهای فاضلاب که این عمل بوسیله کلرزنی در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب صورت می‌پذیرد.

Dispersion / di _ spur _ zhen

- پخش - پراکندگی - مخلوط کردن.
- مخلوط شدن یک سیال آلوده با حجم زیادی از آب در یک شهر یا هر سازه هیدرولیکی دیگر.

Dispersion technique

استفاده از هوای آزاد محیط برای بالا بردن کیفیت هوای آلوده و کنترل، تولید و انتشار هوای بهتر در ساختمانها.

Displaced pipe

تنظیم لوله‌های یک شبکه بوسیله نیروهای بیرونی.

Displacement pump

پمپ جایگزین.

Disposable

- یکبار مصرف.
- هر چیز یکبار مصرف که بعد از استفاده دور ریخته می‌شود.

Disposal

- رهاسازی - انتشار.
- رهاسازی در محیط زیست.

Disposal facility

مجموعه‌ای از تجهیزات و امکاناتی که جهت جمع‌آوری و خدمات زباله‌ها و باقیمانده‌های زائد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Dissolved air flotation (DAF)

" See diffused aeration "

Dissolved oxygen (Do)

اکسیژن محلول در آب، فاضلاب یا دیگر مایعات. معمولاً بیان میگردد با: میلی گرم در لیتر یا درصد اشباع
mg/L

Dissolved solids

- جامدات محلول.
- جامدات موجود در محلولی که بوسیله فیلتراسیون قادر به جدا کردن آن نمی‌باشند.
- مانند کلرید سدیم و دیگر نمک‌هایی که بوسیله تبخیر حذف میگردند.

Distillate / Dis _ tuh _ late

- عصاره - شیر - چکیده.
- تقطیر یک نمونه.
- بخشی از تقطیر.

Distributor

- پخش کننده - توزیع کننده.
- دستگاه پخش کننده فاضلاب بر روی فیلترهای تغلیظ.

Disturbed soil

تغییر حالت طبیعی خاک - بوسیله حفاری یا دیگر موارد.

Diurnal

- هر روزی - روزانه - روزمره.
- نوسانات ۲۴ ساعته و هر روزی.

Diurnal Fluctuation

- یک نوسان روزمره مانند: جریان آب زیرزمینی یا BoD یا حل شدن مواد جامد.
- یک افزایش دوره‌ای و پر شدن سطح آب یا جریان نهر در یک دوره ۲۴ ساعته.

Divalent

دو ارزشی - دارای دو والانس.
مانند: Fe²⁺

Diversion / de _ VUR _ Zhen

- تغییر مسیر - منحرف کردن.
- استفاده از قسمتی از جریان یک نهر برای تأمین آب مصرفی.

Diversion chamber

محفظه‌ای حاوی وسایلی برای ایجاد انحراف در جریان خروجی یا ایجاد مجاری خروج متنوع.

Diversion rate

اندازه‌گیری موادی که برای استفاده مجدد مانند کود که از زیر خاک خارج می‌گردد، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. (مواد یا زباله‌هایی که قبلاً دفن گردیده‌اند).

Do [Dissolved oxygen]

اکسیژن محلول در آب یا فاضلاب.

Doctor blade

تیغه‌ای برای حذف بعضی از مواد جامد اضافی که ممکن است به خارج از توری در حال گردش چسبیده باشند.

Domestic Contribution

فاضلابهای مناطق مسکونی، که از لحاظ شکل و کیفیت با فاضلاب مناطق تجاری و صنعتی متفاوت است.

Domestic service

اتصالات سرویس‌های فاضلاب که در مناطق مسکونی به شبکه جمع آوری متصل میگردند.

Domestic wastewater

- فاضلاب مناطق مسکونی.
- فاضلاب حاصله از ساختمانهای مسکونی، ساختمانهای تجاری و موسسات.

Dosing tank

مخزنی برای کاربری مقدار مصرف یا استفاده برای هر بار.

Dot:[Department of Transportation]

سازمان حمل و نقل.

Double _ suction impeller

الکترو موتوری با دو لوله مکش ورودی.

Double _ suction pump

یک پمپ‌گریز از مرکز با لوله‌های مکش متصل به محفظه پمپ از دو جهت.

Down spout

- ناودان.

- لوله کشی تخلیه آب از سقف ساختمان.

Down stream

- جهت جریان آب در قسمت‌های پائین تر یک شبکه یا سیستم جمع آوری.

DPD method

روشی تحلیلی برای تعیین باقیمانده کلر، در کلرزنی بوسیله عامل DPD.

Draft

- کشیدن - کشش.

- عمل کشیدن یا انتقال آب از یک مخزن یا منبع آب.

- آبی که از یک مخزن کشیده شده.

Drag

- حرکت به آهستگی.

- مقاومت مایع در ته‌نشینی یا رسوب ذرات محلول.

Drag Coefficient

- اندازه‌گیری مقاومت در ته‌نشینی یا غوطه‌وری ذرات محلول، بوسیله اندازه، شکل، چگالی و سرعت نهائی آن.

Drag conveyer

دستگاهی برای کشیدن و محکم کردن یک ورق فولادی عمودی بین دو رشته نقال ادامه دار.

Dragline

- لایروبی.

- دستگاهی برای لایروبی گودال و چاه.

Drain

- تخلیه، تهی سازی.

- تعبیه لوله یا مجرائی برای تخلیه مایعات بوسیله نیروی ثقل مایع یا فاضلاب.

Drowdown

- چکیدن قطرات آب بر روی سطح زمین و یا سطح آب در هنگام پمپاژ (انتقال) آب از داخل چاه.

- چکیدن قطره در سطح آب یک مخزن یا منبع آب.

Drift

اختلاف میان مقدار حقیقی و مقدار دلخواه (یا نقطه تنظیم) که توسط دستگاههای کنترل تنظیم میگردد.

Drill

مته - مته چاه کنی.

Drop off center

مرکز یا مکانی برای جداسازی زباله‌های قابل بازیافت.

Drop Manhole

لولهٔ سرویس فاضلاب ساختمانی که در بلندترین نقطه، وارد لوله اصلی گردد.

Drum Screen

مخزن یا شبکه‌ای به شکل سیلندر یا مخروط ناقص.

Dry _ bulb temperature

اندازه‌گیری دما بوسیله دماسنجهای متداول.

Dry feeder

تأمین‌کننده یا پخش‌کننده مواد شیمیایی یا دیگر مواد در آب یا فاضلاب که مقدار آن بصورت خودکار کنترل گردد.

Drying beds

- بسترهای خشک‌کن.

- محلی برای خشک نمودن لایه‌های لجن در تصفیه‌خانه.

Dry pit

" See Dry well "

Dry suspended solids

وزن مواد محلول در یک نمونه بعد از خشک شدن در یک دما و زمان مخصوص.

dry weather flow

- جریان فاضلاب در فاضلاب مرکب در هوای خشک.

- جریان در بالا یا نزدیکی سطح آب که پمپ‌های آب در آن محل قرار می‌گیرند.

Dry well

قسمتی در بالا یا نزدیکی سطح آب که پمپ‌های آب در آن محل قرار می‌گیرند.

Dual _ media filters

عمق بستر صافیها که بصورت مجزا در لایه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین اصل، آنتراسیت و ماسه روی یکدیگر قرار می‌گیرند.

Dump

ریختن زباله در زباله دان - دور ریختن - خالی کردن - بیرون ریختن.

Duplex pump

یک پمپ با عملکرد متقابل که در برگیرندهٔ دو سیلندر و دارای تلمبهٔ مکش و لولهٔ تخلیه می‌باشد. حرکت پیستون بطرف داخل و خارج سبب تخلیه در هر دو حالت پیستون بطور متداوم می‌گردد.

Dwelling

ساختمانی برای سکونت - محل سکونت.

Dynamic head

- فاصله طی شونده توسط مایعات خروجی از یک پمپ در حال کار.

- ارتفاع پرتاب مایع خروجی از پمپ بر حسب فوت.

Dynamic pressure

فاصلهٔ عمودی (فوت) از یک نقطه شروع نظیر مرکز لولهٔ پمپ تا سطح هیدروویکی لوله در زمان کارکردن پمپ.

Dynamic suction head

ارتفاعی که یک پمپ قادر به انتقال مایع به آن میباشد.

Dynamic Suction Lift

فاصله عمودی یا ارتفاع از منبع آب تا انتهای مرکز مکش پمپ در هنگامیکه پمپ با ظرفیت لازم در حال کار می‌باشد.

E , e

Earth shift

حرکت یا تغییر مکان خاک در زیرزمین که بوسیله نیروهای بیرونی صورت می‌پذیرد.
زلزله نیز باعث حرکت زمین می‌گردد.

Easement

- آسایش بخش.
- استفاده قانونی و صحیح از اموال شخصی برای منظور خاص.

Eccentric manhole Cone

مخروطی که بطور عمودی باریک گردیده و پوشش منهول نیز بدینصورت می‌باشد.

Ecosystem

علم بررسی زندگی موجودات زنده و فعل و انفعالات محیط پیرامون آنها.

Eddy _ Current Separation

روشی که با استفاده از نیروی الکترومغناطیسی آلومینیم را از دیگر مواد جدا می‌سازد.

Eductor / e _ Duck _ ter

وسیله‌ای برای ایجاد فشار منفی یا مکش. در آزمایشگاه ممکن است بجای پمپ خلاء مورد استفاده قرار گیرد.

Effective range

- دامنه موثر.
- آن بخش از طراحی و تنظیم دامنه برای دستگاهی که بصورت دقیق و قابل قبول صورت پذیرفته.

Effective Size

- قطر و اندازه ذرات دانه‌دار در یک نمونه مانند (صافی فیلترها) در جاییکه ده درصد دانه‌ها کوچکتر و ۹۰٪ آن بزرگتر از اندازه مبنا باشند.
- اندازه موثر یا اندازه متوسط.

Effervescence

خروج سریع و شدید حبابهای کوچک گاز از یک مایع مخصوص که در نتیجه واکنشهای شیمیایی است.

Efficiency / e _ Fish _ en _ cy

بازده - کارائی - راندمان.

Effluent

- گنداب رو - مجرای فاضلاب.
- مایعات یا فاضلاب خروجی از مخازن آب یا تصفیه‌خانه‌های فاضلاب.

Effluent quality

- کیفیت فاضلاب.

- خصوصیات فیزیکی، بیولوژیکی، شیمیایی جریان
خروجی از یک مخزن، لوله یا تصفیه خانه.

Effluent standard

خصوصیات توده‌ای از یک ترکیب فاضلاب که ممکن است
تخلیه گردد.

Ejector

- برون افکن - برون ریز.

- وسایلی بر پاشیدن محلولهای شیمیایی در آب که در
تصفیه آب انجام می‌پذیرد.

Elbow

- زانویی - زانوی لوله.

- اتصال دولوله تحت زاویه ۹۰ درجه.

Electro _ chemical process

فرایندی که بوسیله استفاده از جریان الکتریسته سبب
تشکیل یا پوششی از یک عنصر شیمیایی یا ترکیب
می‌گردد.

Electro chemical series

ارائه لیستی از مواد با الکترودهای بالقوه استاندارد که این
اندازه و نشانه‌ها به راحتی و سهولت، توزیع و طرز قرارگیری
الکترونهای یک عنصر را نشان میدهد.

Electrolysis

- الکترولیز.

- تجزیه ماده بوسیله یک جریان الکتریسته بیرونی.

Electrolyte / ee _ leck _ tro _ LiTE

- الکترولیت.

- موادی که در آب حل گردیده و به دو یا چند یون تقسیم
می‌گردند.

Electrolytic process / ee _ LECK _ tro _

LIT _ ick

فرایندی که سبب تجزیه ترکیبات شیمیایی بوسیله
استفاده از الکتریسته می‌گردد.

Electrolyt solution

محلول مخصوصی که قادر است الکتریسته را از خود عبور دهد.

Electrolytic cell

وسيله‌ای برای تجزیه و آنالیز مواد شیمیایی. موادی که
باعث عبور جریان الکتریسته می‌گردد.

Electromotive Force

یک فشار الکتریکی که باعث عبور جریان الکتریسته در
یک مدار بسته می‌گردد.

Electro _ magnetic forces

نیروی حاصل از بارهای الکتریکی که هم جذب نموده و
هم دفع می‌نماید. ذرات با بار منفی هم دیگر را جذب و
ذرات با بار مثبت هم دیگر را دفع می‌نمایند.

Electron

- ذرات سیار، ریز و بی‌وزن اتم با بار منفی.

- قسمتی از اتم که تعیین کننده خواص شیمیایی اتم می‌باشد.

Electro static precipitator. (ESP)

وسایلی که در انتهای سیستم‌های حرارتی یا کوره‌ها قرار
دارد و وظیفه آن جذب گرد و غبار و ذرات معلق در هوای
آلوده می‌باشد.

Element

- عنصر.

- موادی که قابل تجزیه نمی‌باشد. مانند: سدیم (Na)

Elevation

- ارتفاع - بلندی - جای بلند.

- بلندترین قسمت هر چیز، بلندترین سطح آب دریا.

Elevation head

فشار یا انرژی حاصل از وزن یک سیال در ارتفاع.

Elutriation

فرایند عمل آوری و ساخت لجن که در آن طی عملیات مختلف مواد آلکالینیتی اضافه حذف می‌گردد.

Embedded energy

مجموع کل انرژیهای مصرفی و درگیر در پیشرفت و توسعه یک محصول، شامل انرژیهای مصرفی و هدر رفته.

emission

- ارسال، بخش.

- تخلیه یک مایع، جامد یا مواد گازی.

emission rate

مقدار مواد آلودکننده جریان هوا در واحد زمان.

Emulsifying agent

عامل کاهش و تعدیل سطح کشش مولکولی قطرات، در جلوگیری از منعقد شدن.

Emulsion

تعلیق جسمی بصورت ذرات ریز و پایدار در یک محلول. مانند: ذرات چربی در آب.

Encapsulation

- در کپسول قرار دادن.

- قرار دادن فاضلاب در مسیری بدور از اثرات خارجی هر چند آن اثرات آب یا هوا باشد.

Enclosed space

تعبیه محلهائی برای عبور جریانهای مختلف.

مانند: محل تهویه و خروج هوای آلوده یا کم اکسیژن.

Enclosed trickling filter

یک صافی نشستی که بوسیله رویه یا سقفی که گاهی قوسی شکل است، پوشیده شده باشد.

End bells

وسایلی که برای نگهداشتن روتور و استاتور موتور در پیستون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

End point

- نقطه پایانی.

- اضافه نمودن قطره قطره مواد شیمیایی به یک نمونه تا تغییر رنگ یا PH نمونه در انتها.

Endemic

ویژگیهای منطقه‌ای. مانند: بعضی از بیماریها که مخصوص یک سرزمین بوده و جمعیت آن بعلت آلودگی مبتلا می‌گردند.

Endogenous respiration

اکسیداسیون خودبه خود بوسیله ارگانسیمها (موجودات زنده) در فرایندهای بیولوژیکی.

Endrin / En _ drin

یک سم آفت کش در آب تازه که موجب آلودگی آب مصرفی می‌شود و همچنین اثرات نامطلوبی بر آبزیان دارد.

Energy grade line / E.G.L

خط نمایشگر ارتفاع انرژی آب در حال جریان در یک لوله یا کانال.

F , f

Facility operator

کلیه خدمات پیمانکاران یا دیگر کارکنان قسمتهای بهینه‌سازی یک شبکه.

Facultative

- اختیاری.
- دارای قابلیت زندگی تحت شرایط مختلف. برای مثال: بدون یا با اکسیژن آزاد.

Facultative bacteria

باکتریهائی که با سازگاری با محیط اطرافشان در شرایط فقدان اکسیژن (بی‌هوازی) رشد و نمو می‌نمایند.

Facultative lagoon

یک لاگون یا استخر تصفیه با سطح روئین هوازی و سطح زیرین بی‌هوازی که در آن هم فرایندهای بی‌هوازی و هم فرایندهای هوازی صورت می‌پذیرد.

Facultative pond

استخرهای تصفیه‌رایج که سطح بالائی هوازی و سطح پائینی بی‌هوازی هستند.

Fahrenheit

یک واحد بیان دما در حالتی که نقطه انجماد آن ۳۲ درجه و نقطه جوش آن ۲۱۲ درجه باشد.

Fair Load Pulley

قرقره‌ای که در منهول فاضلاب قرار گرفته و سیم برق دوربین تلویزیونی بازدید فاضلاب را هدایت می‌نماید.

False Filter bottom

یک شکل از سیستم تخلیه شامل، سوراخها یا منافذی در کف یک فیلتر (صافی) که محلول از میان آن عبور می‌نماید.

Fats. (wastes)

یک لایه‌ای از تری‌گلسرید (اسید چرب) که به اشتباه روغن نامیده می‌شود.

Fault

شکستگی لایه‌های زمین که باعث ایجاد شکافهایی نیز در اطراف زمین می‌گردد، و معمولاً در اثر زمین‌لرزه پدید می‌آید.

Fecal Coliform

باکتریهای میله‌ای شکل، که بصورت هوازی و اختیاری موجود بوده و در دمای ۴۴/۵ درجه رشد و نمو می‌نمایند. این باکتریها در مدفوع حیوانات خون‌گرم موجود است.

Fecal indicators

کلیفورمهای مدفوعی، استرپتوکوکی و دیگر دسته‌های باکتریائی اصلی در انسان و دیگر حیوانات خون‌گرم که بوسیله مواد مدفوع نمایان می‌گردد.

Fecal streptococci

آن دسته از مواد استرپتوکوکی که بصورت جزیه جز در آب و فاضلاب یافت می‌گردد.

Fee

- اجرت، دستمزد، شهریه.
- مقدار وجهی که مردم یک جامعه یا شهر برای انجام خدمات عمومی پرداخت می‌نمایند.

Feed back

عمل سیر بین یک حسگر (سنسور) اندازه‌گیر یک پروسه قابل تغییر و کنترل کننده.

Fermentation

تغییر در مواد آلی یا فاضلابهای آلی، موجب می‌گردد، بوسیله میکروارگانیسمهای بی‌هوازی، محصولاتی از قبیل؛ دی‌اکسیدکربن یا اسیدهای آلی و غیره - پدیدار گردد.

Ferric chloride (Fecl3)

سمکهای آهن قابل حل اغلب در ساخت لجن در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Ferric sulfate (Feso4. 7 H2O)

یک محلول نمک آهن بوسیله واکنشهای هیدرواکسید آهن شکل می‌گیرد. و اسید سولفوریک بوسیله واکنش آهن و یا تغلیظ اسید سولفوریک بوجود می‌آید.

Ferrous chlorid (fecl2)

یک محلول نمک آهن.

Ferrous metals

فلزات پوسیده، اغلب آهن.

Ferrous Sulfate (Fe so4. 7 H2O)

یک محلول نمک آهن. گاهی اوقات مسی نامیده می‌شود.

Field ground water velocity

یک سرعت عمل و کار، بر روی آبهای زیرزمینی که از میان مواد نشسته نموده و یا تراوش می‌نمایند.

Field moisture capacity

- یک کمیت تقریبی آبی که می‌تواند دائماً توسط خاک بصورت ثقلی کشیده شده و در خاک حفظ گردد.
- ظرفیت خاک برای جذب و حفظ آب درون خودش.

Field permeability coefficient

مقدار جریان آب برگالن در روز، تحت شرایط رایج در میان مهر یک فوت یا ۰/۳ متر ضخامت لایه در پهنای ۱ مایل یا ۱/۶ کیلومتر برای یک شیب هیدرولیکی Ft/mil

Filamentous growth

رشته‌ای درهم پیچیده شبیه به خواص رشد و نمو بیولوژیکی بعضی از باکتریها و جلبکها و قارچها که باعث کاهش قابلیت ته‌نشینی و آبگیری لجن می‌گردند.

Filamentous organism

باکتریها، قارچها و جلبکهای که در بعضی محلها رشد می‌نمایند و این در اثر امکان عبور از صافیهای بوده که نتوانسته‌اند ته‌نشین گردند.

Filamentous sludge

لجن فعال، بوسیله افزایش رشد باکتریهای که در نتیجه ته‌نشینی ضعیف بوجود آمده، توصیف می‌گردد.

Filled dip

نقطه‌ای از لوله فاضلاب که بعلت بروز عیبی در آن، آب لوله تخلیه نگردیده و موجب پر شدن لوله می‌گردد. و در نتیجه از عبور هوا در میان لوله جلوگیری می‌گردد.

Filter

- صافی - جداکننده.

- وسایل یا سازه‌هایی برای جداسازی جامدات یا مواد کلوئیدی از آب، فاضلاب یا دیگر مواد.

Filter aid

مواد بسیار ریز شیمیایی مانند: منعقدکننده‌ها که برای کمک به ته‌نشینی بهتر مایعات و در نتیجه جداسازی بهتر جامدات از مایعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Filter bed

یک بستر یا مخزن برای تصفیه آب که در کف آن از لایه‌های شن استفاده گردیده است.

Filter bottom

- یک سیستم تخلیه از زیر یا کف فیلتر، مربوط به مایعاتی که از صافی‌های شنی عبور نموده‌اند.
- تخلیه مایعات عبوری از صافی از قسمت زیر آن و همچنین محلی برای شستشوی دانه‌های صافی از زیر آن.

Filter cake

مواد جامد جمع شده بر روی فیلترهای مکانیکی.

Filter _ clogging

گرفتگی صافیها که بعلت پر شدن منافذ صافی صورت پذیرفته و از عبور طبیعی مایعات و محلولها جلوگیری می‌نمایند.

Filter cloth

پارچه‌ای که در دور استوانه یک صافی خلاء کشیده می‌شود.

Filtered wastewater

فاضلابی که از میان یک صافی مکانیکی عبور می‌نماید.

Filter efficiency

سنجش بازده و عملکرد یک صافی بوسیله معیارهای مختلفی نظیر: درصد کاهش مواد معلق، کل جامدات **Bod**، باکتریها یا رنگ.

Filter flooding

پر شدن یک فیلتر نشتی یا تراوا که در نتیجه موجب بسته شدن همه روزنه‌های خروجی از آن می‌گردد. این عمل موجب جلوگیری از عملکرد آن می‌گردد.

Filter gallery

تعبیه اتاقی در یک تصفیه‌خانه برای نصب لوله‌ها و شیرها و یک راه خروج قابل دسترس.

Filter loading

واحدهای مرسوم بکارگرفته شده برای حجم صافی یا اندازه سطح صافی و یا عملکرد وابسته به مواد آلی مایعات خروجی از صافی که بترتیب حجم مایع در روز - متر یا سانتیمتر و پوند **Bod** میباشد.

Filter media

- موادی که آب یا فاضلاب یا دیگر مایعات پس از عبور از میان آنها پالایش و یا تصفیه میگردند.

- مواد الیافی و یا فلزی که در صافیهای لجن برای جداسازی لجن بکار گرفته میشود.

- ذرات دانه دار مانند: شن و ماسه یا لایه‌های سیلیس زمین که موجب تصفیه آب یا فاضلاب میگردند.

Filter ponding

قسمت آبگیر سطح صافیهای نشستی که از لایه‌های بیوفیلم یا جلبکها پوشیده شده و بموجب تجزیه و پوسیدگی مواد فیلتر با عدم تهویه مناسب این عمل صورت پذیرفته است.

Filter pooling

شکل ساختمان حوضچه‌های فاضلاب که سطح آن پوشیده شده از فیلترها یا صافیها میباشد.

Filter press

فیلترهای فشاری که شامل:

یک ورق و اسکلت که بصورت فشاری و بطور مکانیکی از فاضلاب، توده‌هایی شبیه به جامد تولید می‌نماید.

Filter _ Pressed sludge

لجنهای آبگیری شده بوسیله فشار از صافیهای فشاری.

Filter rate

نوع ماده یا مایعی که در فرایندهای صاف کردن با صافی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مانند: لجن فاضلابی که در یک فیلتر خلاء بکار گرفته می‌شود یا جریان آبی که از یک فیلتر شنی عبور می‌نماید.

Filter run

- فاصله زمانی میان تمیز کردن یا شستن یک فیلتر شنی.

- فاصله زمانی تعویض مواد صافی در یک صافی آبگیری لجن.

Filter strainer

وسایل و ابزار برای باز نمودن منافذ و سوراخهای صافیهای شنی که به مرور زمان مسدود گردیده‌اند.

Filter under drains

یک سیستم تخلیه از زیر، برای آبهای جمع‌آوری شده در یک فیلتر شنی یا بستر بیولوژیکی.

Filter wash

عبور یک جریان معکوس آب از میان فیلترهای شنی که برای شستن و حذف جامدات پدید آمده بر روی صافیها صورت می‌پذیرد.

Filtrate

مایعاتی که از میان صافیها عبور می‌نماید.

Filtration

فرایند تماس مایعات محلول با صافیها جهت حذف مایعات و یا حذف مواد کلوئیدی و یا برای آبگیری لجن.

Final effluent

کانالهای دفع پس آب بعد از تصفیه فاضلاب که در تصفیه خانه‌های فاضلاب قرار دارند.

Final sedimentation

جداسازی جامدات از فاضلاب که در مخازن ته‌نشینی تصفیه‌خانه‌های فاضلاب صورت می‌پذیرد.

Finished water

آبی که پس از طی کل مراحل تصفیه از تصفیه‌خانه خارج گردیده و آماده تحویل به مصرف‌کنندگان میباشد.

Fire brick

- آجر نسوز که آجری سرسخت بوده و از خاک نسوز ساخته میشود.

Fire caly

- خاک نسوز.

- خاکهای مقاوم در برابر حرارت‌های بالا و دارای مقداری هیدرات آلومینیم و دیگر مواد مقاوم.

Fire department Connection

یک ورودی ساختمان، مجهز به یک یا چند اتصال لوله آتش نشانی که می‌تواند توسط پمپهای آب‌پاش برای اطفاء حریق و آتش‌سوزی مورد استفاده قرار گیرند.

Fire Flow

مقدار دبی آبی که برای مصارف آتش‌نشانی توسط پمپها، داخل لوله آتش‌نشانی جریان می‌یابد. معمولاً با واحد گالن در دقیقه بیان می‌گردد. همچنین فشار آب داخل این لوله‌ها معمولاً ۲۰ پوند بر اینچ مربع یا ۲۰ Psi میباشد.

Fire Pressure

فشار آب مورد نیاز جهت استفاده برای مصارف آتش‌نشانی.

Fire service Connection

لوله‌ای منشعب از لوله اصلی آب و متصل به آب‌پاش آتش‌نشانی و یا دیگر قسمت‌های سیستم آتش‌نشانی.

Fire System

یک شبکه مجزا و مجهز به لوازم و دستگاههایی که منحصرأً برای خاموش کردن آتش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

First _ stage BoD

آن بخش از اکسیژن مصرف شده در ارتباط با اکسیداسیون مواد کربن‌دار. معمولاً قبل از مرحله دوم که اکسیداسیون فعال مواد نیتروژن‌دار است.

Fish bioassay

تعیین میزان مواد شیمیایی و کنترل سمی نبودن محیطی که دارای ماهیهای مختلفی می‌باشند.

Five _ day BoD

آن بخش از اکسیژن مصرفی در ارتباط با اکسیداسیون شیمیایی مواد کربن‌دار در مدت ۵ روز و در دمای ۲۰ درجه سانتیگراد.

Fix sample

یک نمونه ثابت شده.

Fixed

نمونه‌ای جهت اطلاع از کیفیت آب که با اضافه نمودن مواد شیمیایی این عمل صورت می‌پذیرد.

Fixed distributor

یک پاشنده یا توزیع‌کننده ثابت شامل لوله‌های سوراخ‌دار - صفحات شیب دار و سر لوله‌های پاشنده و لوازم دیگری می‌باشد.

Fixed grate

یک رنده ثابت بدون حرکت قسمت‌های متعلقه.

Fixed spray nozzle

استفاده از افشانکهای مخروطی شکل برای انتشار فاضلاب در صافیها.

Fixed Solids

مواد باقیمانده پس از سوختن یک ماده محلول.

Flagellates / FIAj`_el _ LATES

موجودات میکروسکوپی که حرکتشان شبیه حرکات دم کرم می‌باشد.

Flame arrester

وسایلی که در یک لوله یا منفذ تعبیه شده و مانع از برگشت شعله می‌گردد.

Filamentous bacteria

ارگانیزم‌هایی که به شکل رشته‌ای رشد می‌نمایند و معمولاً سبب تشکیل توده‌های حجیم لجن در فرایندهای لجن فعال می‌گردند.

Flame polished

صاف یا صیقلی کردن بوسیله شعله.

Flammable waste

فاضلاب‌هایی که به آسانی و سرعت قابل اشتعال و سوختن باشند.

Flange

فلنج - لبه سرلوله - کلاهدک سرلوله - محل اتصال سرلوله.

Flap gate

دریچه‌ای لولائی که بر روی لوله یا مجرای جریان سیال قرار گرفته و از جریان معکوس جلوگیری می‌نماید.

Flap valve

یک شیر فلکه‌ای که باز و بسته شدن آن بوسیله یک لبه یا دریچه لولائی چرخشی صورت می‌پذیرد.

Flash dryer

تجهیزات مربوط به تبخیر آب در قسمت آگیری نهائی لجن که با تماس با گاز داغ یا بخار داغ این عمل صورت می‌پذیرد.

Flash mixer

وسایلی برای مخلوط نمودن و پراکندن مواد شیمیایی در یک مایع.

Flash point

دمائی که در آن نقطه گازها، مایعات فرار و دیگر مواد شعله‌ور می‌گردند.

Flat

طول یک ضلع یک مهره.

Flat _ Crested weir

وسپله‌ای برای سنجش عمق آب.

Flights

پاروئی ساخته شده از چوب یا پلاستیک که برای جمع‌آوری و انتقال لجن ته‌نشین شده یا کف‌های شناور مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Float _ (control)

وسایلی برای اندازه‌گیری ارتفاع سطح آب.

Float gauge

وسایلی برای اندازه‌گیری ارتفاع یک مایع.

Float line

یک گوی پلاستیکی متصل به یک طناب محکم که آنرا در منهول و در مسیر جریان فاضلاب شناور می‌سازند. از این عمل برای بردن کابل یا سیم به داخل لوله‌های شبکه فاضلاب بهره می‌برند.

Floation

نیرو یا نیروهائی در منهول یا لوله‌های فاضلاب در زیر سطح آب که باعث بلند کردن یا نگهداشتن اجسام شناور بر روی آب می‌گردد.

Floating Cover

در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در قسمت مخازن هضم لجن، پوششی از جنس فلز محکم بر روی لجن شناور می‌باشد که به خروج لجن از دهانه عمودی کمک زیادی می‌نماید.

Float switch

استفاده از یک کلید الکتریکی شناور در مخزن مایع که معمولاً بعنوان مدار فرمان موتور پمپ محسوب می‌گردد.

Float Valve

یک شیر که بعنوان درپوش در یک مخزن حاوی مایع شناور بوده و جریان مایع را قطع یا وصل می‌نماید.

Floc

- به هم پیوستن ذرات کوچکتر و تشکیل توده‌هایی از مواد جامد کلوئیدی به اندازه‌های بزرگتر و سنگین‌تر که بر راحتی ته‌نشین می‌گردند.

از این روش در تصفیه‌های شیمیایی - فیزیکی و یا بیولوژیکی آب و فاضلاب استفاده می‌نمایند.

Flocculent

آبی که قابلیت حل کردن مواد پلی‌الکترولایت که بعنوان منعقدکننده‌هایی نظیر نمک‌های آلومینیم یا آهن را دارا بوده و در نهایت به ته‌نشینی جامدات محلول کمک می‌نماید تا به راحتی ته‌نشین شده و یا رسوب نماید.

Flocculating tank

مخزن یا حوضچه‌هایی که با تلاطم آرام موجب انعقاد جامدات محلول در مایع و در نهایت ته‌نشین گردیدن آن می‌گردد.

Flocculation

در تصفیه آب و فاضلاب، منعقدسازی مواد کلوئیدی محلول با استفاده یا بدون استفاده از مواد شیمیایی، را گویند.

Flocculator

- وسایل مکانیکی منعقد ساز.

- وسایلی برای منعقدسازی آب و فاضلاب.

Flocculation agent

مواد منعقدسازی که با اضافه شدن به آب موجب منعقد گردیدن و تجمع توده‌های جامد کلوئیدی گردیده و موجب ته‌نشینی سریع‌تر جامدات می‌گردد. مانند سولفات آهن یا آلومینیم و آهنک.

Flood Flow

تخلیه آب یک رودخانه در زمانهای آبگرفتگی یا طغیان ناشی از سیل.

Flood Frequency

زمانهائی که انتظار وقوع سیل در منطقه‌ای در آن زمان بیشتر است. مانند: روستائی که هر ده سال یکمرتبه دچار سیل می‌گردد.

Flood _ Protection works

انجام امور و همچنین ساخت سازه‌هایی که در هنگام بروز سیل از لطمات و صدمات جلوگیری نموده و خطرات ناشی از سیل را به حداقل برسانند. مانند: ساخت سیل‌بند.

Flotation

- فرایند جداسازی چربی و روغن‌ها از محلولها. که در حالت طبیعی بدلیل شناور بودن چربیها بر روی سطح مایع توسط پارو این عمل امکان پذیر میباشد. و در حالت مصنوعی با هوادهی محلول، این فرایند صورت می‌پذیرد.
- فرایند تغلیظ لجن فعال فاضلاب بوسیله تزریق هوا در مخزن تغلیظ و هضم لجن.

Flotsam / FLOAT _ Sam

مواد شناور بر روی سطح مایعات.

Flow

- حرکت آب یا دیگر سیالات از نقطه‌ای به نقطه دیگر.
- سیال در حرکت.
- کل مقدار کمی سیال جاری یا در حرکت.
- مقدار دبی سیالی که از یک نقطه معین در مدت زمان معین عبور می‌نماید.

Flow _ Control valve

وسیله‌ای برای کنترل مقدار دبی یک جریان.

Flow isolation

- روشی برای اندازه‌گیری جریان داخلی تصفیه‌خانه‌ها.
- قسمتی از شبکه که جریان در آن راکد و بی‌استفاده و دور از دسترس می‌ماند.

Flow Line

- خط رطوبت آب در بالاترین نقطه یک کانال یا لوله حاوی جریان آب یا دیگر مایعات.
- پائین‌ترین نقطه داخلی یک لوله یا منهول.

Flow recording

- ثبت مقدار دبی یک جریان بوسیله دستگاه‌های خودکار.

Flow regulator

- نصب تجهیزات و سازه‌هایی برای تنظیم و مهار مقدار دبی یک جریان در آبروها، کانالها و لوله‌های آب و فاضلاب و تصفیه‌خانه‌ها.

Flow sheet

ارائه یک نمودار پله کانی از مشخصات یک جریان.

Flue

مخزنی که برای حمل گازهای قابل اشتعال طراحی گردیده.

Flue gas

آلاینده‌های حاصل از سوختن و اشتعال.

Fluidized / FLEW _ id _ i _ Zhd

یک توده‌ای از ذرات جامد که جریانی شبیه به تزریق یک مایع در آب یا گاز دارند.

از این روش در تصفیه‌خانه‌ها برای شستن فیلترهای نشتی استفاده می‌نمایند. بدین‌طریق که توسط فشار آب روزه‌های فیلتر تمیز می‌گردند.

Fluidized bed Combustion

اکسیداسیون مواد قابل اشتعال در محدوده یک بستر حاوی جامدات. جامداتی که تحت واکنش جریان هوای گرم مانند یک سوخت عمل می‌نمایند.

Fluidized bed reactor

تعبیه یک مخزن یا منبع فشار برای واکنش‌های مایع با جامد یا گاز با جامد.

مایع یا گاز بطرف بالای جریان حرکت نموده و ذرات جامد در یک سرعت کافی جداگانه در سیال حل می‌گردند.

Fluoridation / Floor _ uh _ DAY _ Shun

اضافه نمودن یک ماده شیمیایی برای افزایش تجمع یونهای فلوراید در آب آشامیدنی به میزان لازم. فلوراید اضافی در آب موجب بروز لکه‌های قهوه‌ای بر روی دندان می‌گردد.

Flusher branch

طراحی لوله‌ای مخصوص که قادر است مقدار زیادی آب وارد شبکه فاضلاب نماید.

از این روش برای شستن و تمیز کردن شبکه فاضلاب و رفع گرفتگی لوله‌های شبکه استفاده می‌نمایند.

Flushing

حذف مواد رسوب نموده در شبکه فاضلاب بوسیله آبی با مقدار زیاد و سرعت بالا، ته‌نشینی و رسوب مواد در لوله‌های شبکه بعلت غیر کافی نبودن سرعت جریان فاضلاب پدید می‌آید.

Flux

یک عبور یا جریان.

Flow _ equalization system

تعبیه دستگاه یا مخزنی برای ذخیره‌سازی یا نگهداشتن جریان سیالی در حالت افزایش و زیاد بودن برای استفاده در مواقع کمبود یا کم بودن مقدار جریان آن سیال.

Fly ash

خاکسترهای حاصله در هنگام سوختن یک ماده که در اثر گازهای منتشره، این خاکسترها بطرف بالا جریان می‌یابد. این عمل در مورد سوختن جامدات زائد یا زباله‌ها برابر با ۱۰ درصد کل خاکستر تولیدی می‌باشد.

Foam

- مجموع حبابها ریز تشکیل شده در سطح یک مایع که در اثر تلاطم - تخمیر ... بوجود می‌آید.
- مواد کف دار تشکیل شده از تجمع حبابها در سطح مایعات و افزایش آن بوسیله داخل شدن هوای حبابها در مایع.

Focal length

فاصله یک کانون از سطح عدسی تا نقطه مرکزی.

Food: microorganism ratio (F:M)

در فرایند لجن فعال؛ مقدار بار لجن با واحدهای ذیل بیان میگردد:

کیلوگرم BoD_5 بر کیلوگرم مخلوط آبکی در روز یا مخلوط آبکی حاوی جامدات محلول در روز.

یا $kgBoD_5 / kg MI_{ss} . D$

$kgBoD_5 / kg MI_{Vss} . D$

Food wastes

زباله‌های حاصل از مواد غذایی، شامل: گیاهان و حیوانات که در هنگام انبارکردن، شستشو، پختن و یا سرو کردن تولید میگردد.

Foot valve

- شیریه که در کف یا انتهای لوله مکش یک پمپ قرار گرفته که با باز شدن آن، آب اجازه ورود به لوله مکش را می‌یابد.

- یک شیر با عملکرد معکوس و متصل به لوله تخلیه یک لوله خلاء. در حالت باز مایع اجازه خروج یافته و در حالت بسته به وضعیت خلاء کمک می‌نماید.

Forced aeration

- تماس مایع با هوای تحت فشار که سبب انتشار مایع در مسیر خود می‌گردد.

- یا وسایل تشکیل دهنده حبابهای کوچک در مایع بوسیله هوای تحت فشار.

Forced draft

فشار مثبتی که از طریق یک دمنده یا بادزن حاوی هوا وارد یک مشعل میگردد.

Force main

یک لوله‌ای که حاوی فاضلاب بوده و فاضلاب را تحت فشار پمپ به نقطه‌ای می‌رساند که از آن نقطه به بعد با نیروی نقل به مسیر خود ادامه دهد.

Fossil Fuel

سوختهای فسیلی. مانند: نفت و زغال سنگ.

Free available residual chlorine.

آن بخش از کل کلری که میتواند بعد از یک فرایند کلر زنی در آب باقی بماند. این بخش شامل کلرهای که با آمونیاک یا یونهای هیدروژن ترکیب می‌گردند نمیباشد.

Free available chlorine

مقدار کلر مجاز در آب. شامل گاز کلر Cl_2 یا اسید هیپوکلروس (یا Hoc) و یا یونهای هیپوکلرید (OCI^-).

Freeboard

فاصله یا ارتفاع عمودی از سطح طبیعی آب تا سر چاه.

Free chlorine

- کلر آزاد؛ CL_2 که به شکل مایع یا گاز با آب ترکیب گردیده و تشکیل هیپوکلر و اسید کلریدریک می‌دهد. در فاضلاب کلر آزاد معمولاً با آمینها (آمونیاک یا نیتروژن) ترکیب گردیده و تشکیل ترکیبات کلر را می‌دهند.

Free oxygen

- اکسیژن آزاد.

یا اکسیژن مولکولی که همان مولکول اکسیژن بوده و برای تنفس موجودات، لازم و ضروریست.

Free water

- آب آزاد.

- آب در مکانهایی که دارای حرکات و جنبشهایی در تمام جهات میباشد. این جنبشها ناشی از نیروهای کشش ثقلی آب میباشد.

Frequncy

- مدت زمان ارتعاشات یا تعداد سیکل‌های مرکب در واحد زمان.

- تعداد وقوع پدیده‌های خاص در یک زمان معین.

Fresh air inlet

ایجاد روزنه یا محفظه‌های مخصوصی برای سهولت تهویه در یک شبکه فاضلاب.

Fresh sludge

لجن در حالتی که از پوسیدگی و تجزیه آن، مدت زیادی نگذشته باشد.

Friability

قابلیت خاک یا دیگر مواد در زمینه خرد شدن یا تحمل فشارهای سبک و سنگین.

Friction Factor

- عامل افت.

- میزان مقاومت یک سیال در عبور از یک لوله یا مجرا در اثر اصطکاک دیواره‌های لوله.

Friction head

- افت ارتفاع حرکت سیال که در اثر تماس سیال با لوله یا مجرائی که دارای اصطکاک در دیواره‌های آن بوده است، میباشد. - و عبارت دیگر؛ افت ارتفاع جریان سیال بر اثر اصطکاک سیال با لوله.

Friction loss

افت ارتفاع جریان سیال بر اثر اصطکاک ناشی از تماس سیال با لوله یا مجرا.

Front _ end loader

- یک کامیون جمع آوری و حمل زباله که دارای بیللی در جلوی آن می‌باشد. (لودر)

- کامیون حمل زباله یا جامدات فاضلاب دارای یک پاکت یا مخزن در جلو.

Front _ end recovery

بهینه‌سازی و بهبود مواد بازیافتی که اکثراً از زباله‌های غیر آلی می‌باشد، بوسیله سوزاندن زباله‌های آلی.

FTU / Formazin Turbidity Unit

یک معیار استاندارد برای تیرگی و کدوری واکنشهای شیمیایی شناخته شده.

Full dip

نقطه‌ای از لوله فاضلاب که بعلت بروز آسیب، آب درون آن تخلیه نمی‌گردد. به همین دلیل هوا از میان لوله عبور ننموده و لوله در اصطلاح پر می‌گردد.

Fuel

- سوخت - مواد سوختنی.

- موادی که در اثر سوختن ایجاد انرژی یا نیرو می‌نمایند.

Full material recovery Facility:**[MRF]**

فرایند جمع‌آوری و استفاده بهینه از مواد قابل بازیافت مانند: تهیه کود آلی (کمپوست) از زباله‌های شهری یا استفاده از لجن تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی.

Fungi / FUN _ jz

قارچ، کپک، زنگار، لکه و دیگر موارد مشابه که در آب طبیعی وجود نداشته و رشد نمی‌نمایند، اما در صورت پیدایش موجب تغییر رنگ و بوی آب می‌گردد.

Furnace

کوره، محفظه احتراق، آتشدان.

Fuse

- فیوز.

- ابزاری حفاظتی؛ دارای نوار یا سیم باریک گداختنی. در مواقع ازدیاد گرمای ناشی از جریان الکتریسته، نوار یا سیم باریک ذوب گردیده و جریان الکتریسته را قطع می‌نماید. فیوزها دارای شکلها و انواع مختلف میباشند.

Fusty

بوی ناگرفته - مرطوب و کپک زده.

G , g

Gauge

ابزاری برای بررسی و اندازه‌گیری مقادیر بعضی از چیزها. مانند: اندازه‌گیری ارتفاع سطح آب یا سرعت و فشار جریان آب و غیره...

Gauge Pressure

- فشارسنج؛ مانند:
فشار در یک محفظه بسته یا لوله که بوسیله یک فشارسنج اندازه‌گیری می‌گردد.

Galvanic Cell

یک سلول الکترولیتیک که قادر به تولید انرژی الکتریکی بوسیله فرایند الکتروشیمیایی باشد.

Galvanic Series

یک فهرستی از فلزات یا آلیاژها که تمایل به ذوب گردیدن دارند.

Galvanize

پوشاندن یک فلز، مانند: (آهن یا فولاد معمولاً) بوسیله فلز روی.

Garbage

زباله‌ها یا فاضلابهای جامد، شامل؛ فضولات حیوانات و زباله‌های گیاهی و فاضلابها یا زباله‌های ناشی از طبخ غذا و دورریز فروشگاهها و رستورانها.

Garnet / GAR _ nit

نوعی از ماسه‌های معدنی سخت، متمایل به قرمز و شیشه‌ای که از سیلیکات تشکیل گردیده و چگالی سنگین تری نسبت به ماسه‌های معمولی دارد.

Gas Control system

- روشی برای جلوگیری از انفجار و آتش‌سوزی در اثر تجمع گازها.

- ممانعت از آسیبهای احتمالی ناشی از گیاهان بر روی لوله‌های گاز نصب شده در زیر خاک.

- تعبیه پوششی مناسب برای جلوگیری از پوسیدگی لوله‌ها.

Gas chromatography

یک روش جداسازی ترکیبات مخلوط به اجزاء اصلی، که آن اجزا قابل شناسائی می‌باشند.

Gas dome

در مخزن هضم لجن فاضلاب؛ یک پوشش فولادی شناور در بخش لجن مایع.

Gasification

انتقال محلول و مواد آلی محلول در گاز، در طول تجزیه و پوسیدگی.

Gas Production

تولید یک گاز بوسیله واکنشهای مواد شیمیایی و بیولوژیکی.

Gas Scrubber

وسیله‌ای خنثی کننده احتراق در جائیکه، محلولهای خورنده با لوله‌های خروج گاز در تماس هستند. این محلولها ممکن است؛ اکسید سولفور و یا کلر باشند.

Gaseous emissions

گازهای منتشر شده در هوا بوسیله محصولات قابل احتراق.

Gate valve

شیر فلکه‌ای که عامل بسته شدن آن شامل یک صفحه یا تیغه‌ای بوده که حرکت کشویی دارد، با بالا کشیدن این صفحه مسیر عبور سیال باز گردیده و سیال جریان می‌یابد.

Gauge pipe

عددی که ضخامت ورق‌های سازنده لوله‌های فولادی را مشخص می‌نماید. بزرگترین عدد ضخیم‌ترین دیواره لوله را تشکیل می‌دهد.

GC _ MS

یک راهکار تحلیلی برای جداسازی یک ترکیب مخلوط و پیچیده و تبدیل به اجزاء سازنده ترکیب برای شناخت اجزاء.

Gel or Gell

شکلی از ماده بصورت کلوئیدی که حل نمی‌گردند اما در محلول، معلق باقی می‌ماند.

Generation

اشاره به مقدار (وزن، حجم، یا درصد کل جریان فاضلاب) مواد ورودی به جریان فاضلاب، قبل از بهینه‌سازی آن.

Generation rate

- کل زباله‌های منتقل شده، بهینه و بازیافت گردیده و زباله‌های بدست آمده در واحد زمان تقسیم بر جمعیت. - مقدار کل فاضلاب تولید شده در یکسال تقسیم بر جمعیت ساکن در آن محدوده.

Generator

- هر فرد که در هر محل و مکانی تولید فاضلاب و یا زباله نماید. - وسایل و تجهیزات تولید نیروی الکتریسته.

Geology

علمی که با مبدأ، تاریخ و ساختمان زمین در ارتباط بوده و نوسانات، نیروها و لرزه‌های زمین را ضبط می‌نماید.

Geology subsoil

مطالعه حالات خاکهای موجود در زیر سطح زمین در محل‌های موردنظر.

Geology substructure

" See Geology subsoil "

Geological log

شرح جزئیات و همه خصوصیات تحقیقات، در طول حفاری یک چاه زیرزمینی مانند (عمق، ضخامت و نوع شکل‌گیری).

Geophysical log

آزمایشات فیزیکی حفاری و ثبت سازه‌ها و ترکیب زمین در طول حفاری.

Germicide / GERM _ uh _ side

ماده‌ای دارای خواص کشتن میکرو ارگانیسمها (موجودات ریز زنده) که تأثیر گذردائی دارد.

Giardiasis / GEE_ are_ DyE_ uh_ sis

نوعی بیماری روده‌ای.

Globe valve

شیری دارای یک صفحه و گلوله تویی شکل در روی صفحه افقی. باز و بسته شدن مسیر سیال با حرکت گلوله صورت می‌پذیرد.

Gpcd

مقدار آب و فاضلاب یا دیگر سیالات که اندازه‌گیری می‌گردد با واحد گالن برای هر شخص در روز.

GPD or gpd

مقدار آب، فاضلاب یا دیگر جریانی که اندازه‌گیری می‌گردد با واحد گالن در روز.

GPM or gpm

مقدار آب، فاضلاب یا دیگر جریانی که اندازه‌گیری می‌گردد، با واحد گالن در دقیقه.

GPy or gpy

مقدار آب، فاضلاب یا دیگر جریانی که اندازه‌گیری می‌گردد، با واحد گالن در سال.

Grab sample

یک نمونه مورد قبول در مکان و زمان معین. این نمونه ممکن است نمایانگر یک جریان باشد.

Grade

- ارتفاع داخلی یا کف یک خط لوله، کانال، نهر سرپوشیده یا شبیه به آبراه.

- شیب یک خط لوله، مجرا، کانال یا سطح طبیعی زمین که معمولاً بصورت درصدی بیان می‌گردد.

مانند: یک شیب ۰/۵٪ (نیم درصد) یعنی نیم فوت درصد متر لوله.

Grade ring

یک حلقه بتنی پیش ساخته به ارتفاع ۴ تا ۱۲ اینچ که بر روی پوشش منهول در رأس مخروط قرار گرفته و همسطح با شیب سطح منهول می‌باشد.

Gradient

میزان تغییر بعضی خصوصیات در واحد طول یا شیب می‌باشد. معمولاً عبارتست که برای بعضی از چیزها مانند: ارتفاع، سرعت یا فشار بکار می‌رود.

Grain loading

مقدار ذراتی که از یک سطح آلوده منتشر میشوند معمولاً با واحد: مقدار ذرات در فوت مکعب گاز منتشر شده، بیان می‌گردد.

Grate

وسيله‌ای برای نگهداشتن سوخته‌های جامد یا زباله‌ها و یا جامدات فاضلاب در یک کوره، در طول خشک شدن یا سوختن.

Granular

مواد دانه‌دار مانند: شن و ماسه و ریگ.

Gravimetric

به معنی اندازه‌گیری غلظت نمایانگرها یا معرف‌های کیفیت آب‌های ناشناخته یک نمونه بوسیله توزین باقیمانده‌های نمونه.

Gravity

نیروی ثقل - اثر نیروی جاذبه بر روی مواد؛ (مایعات، جامدات، گازها).

Gravity flow

جریان و یا عبور آب و فاضلاب بوسیله نیروی ثقل مایع، که از نقطه‌ای بالاتر به طرف موقعیت پائین‌تری حرکت می‌نماید.

Gravity specific

" See Specific gravity "

Grease

موادی مانند؛ روغن، جری، گریس و واکس در فاضلاب. این مواد توسط هوادهی و شناورسازی از فاضلاب جدا می‌گردند.

Grease buildup

روی هم انباشته شدن و تشکیل توده‌هایی از روغنهای جامد توسط روغنهای موجود در فاضلاب که در نقطه‌ای از شبکه بوجود می‌آید.

Grease skimmer

وسایلی برای جمع آوری و حذف روغنهای شناور بر روی فاضلاب، در یک استخر، حوضچه و یا مخزن.

Greas trap

طراحی ظرف یا محفظه‌ای برای جمع‌آوری و نگهداری روغن و مواد چرب که معمولاً از طریق غذا وارد لوله‌های فاضلاب آشپزخانه میگردد. محل نصب این ظروف بین لوله تخلیه فاضلاب آشپزخانه و نقطه دیگری در سیستم لوله کشی فاضلاب ساختمان میباشد.

Grit

درصدی از مواد معدنی سنگین در فاضلاب، مانند: شن، ماسه، پوسته تخم مرغ، کف قهوه و غیره...

Grit catcher

یک محفظه‌ای که روی انتهای یک لوله جمع‌آوری یا دیگر نقاط لوله مرکب فاضلاب نصب می‌گردد. این وسیله موجب کاهش سرعت جریان فاضلاب گردیده و کاهش سرعت باعث جمع‌آوری مواد معدنی سنگین شبیه؛ شن و ماسه و دیگر موادی از این قبیل می‌نماید.

Grit chamber

قرار دادن محفظه‌ای در لوله جمع‌آوری فاضلاب یک شبکه برای کاهش سرعت جریان که این عمل اجازه جداسازی مواد معدنی سنگین را از مواد آلی فاضلاب و در نهایت رسوب سازی و خارج نمودن مواد معدنی را میدهد.

Grit channel

- توسعه لوله‌های شبکه در جائیکه مواد معدنی بتواند براحتی از جریان فاضلاب جدا گردیده و خارج گردد.
- کانال با آبراه یا محفظه جداسازی مواد معدنی.

Grit Collector

وسایلی در محفظه جداسازی مواد معدنی نصب می‌گردد، تا مواد معدنی ته‌نشین شده را از سیستم فاضلاب به محل تخلیه نهائی مواد، منتقل سازد.

Grit Compartment

آن بخش از محفظه مواد معدنی در جائیکه مواد جمع‌آوری شده قبل از حذف و خارج نمودن انباشته می‌گردد.

Grit removal

حذف مواد معدنی ته نشین شده در کانالها و یا محفظه‌های جداسازی مواد معدنی سنگین، از فاضلاب.

Grit tank

مکانی در ورودی تصفیه خانه‌های فاضلاب، جهت جمع‌آوری و حذف مواد معدنی فاضلاب.

Grit Separator

وسایل یا فرایندی برای جدا نمودن ماسه از آب و فاضلاب.

Grit trap

تعبیه قسمتی در منهول برای جمع‌آوری و حذف آسان مواد معدنی از فاضلاب.

Grit washer

وسایل و لوازمی برای شستن مواد آلی از ماسه‌ها و یا مواد معدنی سنگین دیگر.

Ground water

آبهای زیرزمینی مانند: چاه و قنات.

Ground water depth

فاصله سطح زیرآب زیرزمینی نسبت به محل موردنظر یا عمق سطح زیر آب.

Ground elevation

بمعنی نسبت ارتفاع سطح آب زیرزمینی به سطح دریا یا یک نقطه انتخابی.

Ground water table

متوسط عمق آب یا سطح آب زیرزمینی نسبت به سطح انتخابی.

Ground water table artificial

تغییر سطح آبهای زیرزمینی بشکل مصنوعی، مانند: در هنگام آبیاری زمینهای کشاورزی، بعلت پیوستن آبهای حاصل از آبیاری به سفره‌های آب زیرزمینی، سطح آب چاههای منطقه بالا می‌آید.

Ground water table seasonal

" See Seasonal ground water "

Ground water table temporary

" See temporary ground water table "

Grout

- ملات - دوغ آب.

- ماده‌ای به شکل خمیر یا مایع که پس از استفاده و استعمال سفت و محکم میگردد. از این ماده برای پرکردن فضاها سوراخها و منافذ دیگر مواد، استفاده میگردد.

Grout chemical

ترکیب دو محلول شیمیایی از یک ماده جامد که بعد از مدت زمانی مستحکم می‌گردد.

Grouting Pressure

درزگیری و گرفتن سوراخها یا منافذ در خطوط لوله یا منهول فاضلاب بوسیله ترکیبات شیمیایی که این عمل توسط دستگاههای ترزریق و استفاده از فشار صورت می‌پذیرد.

Growth rate

یک مقدار آزمایشی که تعیین کننده میزان رشد باکتریها در زمانیکه مواد زائد آلی در حال پوسیدگی می‌باشد. این مقدار بصورت برآوردی است.

Gunite

ملات یا مخلوطی از شن و سیمان با وزن حجمی زیاد که بسیار استحکام دارد.

H , h

Hairline Crack

فشاریست ضربه‌ای که موجب ایجاد شکافی شبیه به مو در لوله‌ها می‌گردد.

Hammer mill

یک شکل از دستگاه‌های خردکننده، برای خرد کردن مواد داخل فاضلاب و تبدیل آن به ذرات کوچکتر بوسیله چرخهای دوار و چکشهای سنگین.

Hand rod

میله‌ای است که توسط دست داخل لوله فاضلاب گردیده تا گرفتگی و انسداد آن رفع شده و تمیز گردد.

Hand hole trap

نصب لوله‌ای در ساختمان برای جلوگیری از ورود گازهای فرار فاضلاب به داخل ساختمان.

Hard water

- آب سخت.
- آبی که دارای مقدار زیادی از یونهای کلسیم و منیزیم می‌باشد. مقدار کف ناشی از صابون‌ها در آب سخت کمتر از آب نرم می‌باشد.

Hardness & Hardness water

- سختی و سختی آب.
- سختی یکی از خصوصیات آب بوده و آبی است که دارای مقدار زیادی از نمکهای کلسیم و منیزیم باشد. شامل؛ بی‌کربنات، کربنات، سولفات‌ها، کلریدها و نیترات‌ها. سختی آب باعث صدماتی به تجهیزات صنعتی و دیگهای بخار و همچنین لوله‌ها وارد می‌سازد. مقدار کف ناشی از مواد پاک‌کننده از جمله صابون در آب سخت کمتر می‌باشد. آب سخت مشکلاتی را نیز برای سلامتی انسان به همراه دارد.

Haul distance

- فاصله‌ای که یک کامیون جمع‌آوری زباله و فاضلاب طی می‌نماید. (قبل از بارگیری - بعد از بارگیری - جهت تخلیه بار).

Haul time

زمان سپری شده انتقال زباله یا فاضلاب میان دو محل مشخص.

Haulers

رانندگان وسایط نقلیه حمل زباله و فاضلاب.

Hazardous waste

- فاضلابهای خطرناک.

- فاضلابهایی که بطور بالقوه به سلامتی محیط زیست آسیب وارد می‌سازند. بعضی از خواص اینگونه فاضلابها عبارتست از: سمی بودن - قابلیت آتش‌زایی - قابلیت زنگ‌زدگی - شیمیایی و اشعه‌ای.

Head

فاصله عمودی، ارتفاع و یا انرژی آب در بالای یک نقطه. ارتفاع یا فشار ممکن است با واحد: فوت FT یا پوند بر اینچ مربع (PSi) بیان گردد.

Head gate

یک شیر فنکه‌ای که در ورودی مجرا، لوله یا کانال قرار می‌گیرد.

Head loss

- افت ارتفاع.

- اندازه‌گیری غیرمستقیم افت انرژی و فشار آب عبوری از یک مجرا است. این اندازه‌گیری با واحد فوت و یا متر بیان می‌گردد.

Header

لوله‌بندی که تعدادی از لوله‌های کوچکتر به آن منتهی می‌گردد.

Headworks

تجهیزات، امور و اقدامات مربوطه در ابتدای ورود فاضلاب به تصفیه‌خانه فاضلاب. که ممکن است شامل: تلمبه‌ها، آشغالگیری، ماسه‌گیری و غیره باشد.

Heat balance

مآزه‌گیری توزیع گرمای داخلی و بیرونی یک کوره یا سیستمی که معمولاً بر اساس ساعت بوده و منتهی به تسخیر

Heat exchanger

- مبدل حرارتی.

- دستگاه یا لوازمی برای انتقال حرارت بین دو سیال.

Heat Sensor

- حسگر دما.

- لوازمی برای باز و بسته نمودن کلیدی که باعث تغییر در دما میگردد. مانند: ترموکوپل.

Heat treatment

فرایند ساخت لجن تحت دما و فشار بالا که قابلیت آبیگری لجن را بهبود می‌بخشد.

Heavy metals

- فلزات سنگین.

- فلزاتی که می‌توانند بوسیله سولفید هیدروژن در محلول اسید، ته‌نشین گردند. مانند: نقره، طلا، مس.

Hectar / HECK _ tar

- هکتار.

- یک واحد اندازه‌گیری سطح در دستگاه متر یک برابر با ۱۰۰۰۰ متر مربع.

Hepatitis / HEP _ uh _ TIE _ tis

- هیپاتیت.

- نوعی بیماری (التهاب شدید کبد).

Herbicide / HERB _ uh _ side

- آفت‌کش - علف‌کش.

- ترکیبی شیمیایی برای کنترل، مهار یا کشتن رشد و نمو گیاهان.

Hertz _ (HURTZ)

عداد کل سیکلها یا پسامنهای کثرومغناطیسی - موج

یک ثانیه

High grade paper

نوعی از کاغذهای بارزش. مانند: کاغذهای ثبت رایانه‌ای.

High _ Line _ jumpers

در یک سیستم توزیع آب؛ لوله‌ها و اتصالات یک سیستم آتش نشانی، برای فراهم نمودن آب در مواقع اضطراری.

High Velocity cleaner

طراحی لوازم و امکاناتی برای ایجاد آب با فشار و سرعت بالا، جهت حذف زباله‌ها و مواد معدنی رسوب نموده در لوله‌های فاضلاب با قطر کوچکتر.

Hose bib

- شیر آب.

- محل اتصال لوله آب با شیلنگ یا لوله پلاستیکی.

House Connection

اتصال یک شبکه فاضلاب با جریان نیروی ثقل به سرویس فاضلاب ساختمان.

House hold hazardous waste collection

یک برنامه کاربردی برای جمع‌آوری زباله‌ها یا فاضلابهای خطرناک بوجود آمده و جمع‌آوری آنها و در مرحله بعد جداسازی و در نهایت، تصفیه یا دفع مناسب که ممکن است بصورت دفن در زیر خاک باشد.

House service

" See Building Service "

House Sewer

" See Building Sewer "

Hub

در لوله کشی؛ تر و مادگی اتصالات و لوله‌ها، که پس از فرار گرفتن در یکدیگر محکم می‌گردند.

Humus sludge

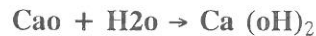
رها شدن ذرات و توده‌هایی از مواد، از فیلترهای نشستی که در مخازن ته‌نشینی ثانویه از آب حذف می‌گردند.

HTH _ [High Test hypochlorite]

آزمایش هیپوکلریت کلسیم یا $\text{Ca}(\text{ocl})_2$.

Hydrated lime

ترکیب سنگ آهک با آب که با آزاد شدن گرما نیز همراه می‌باشد.

**Hydraulic block**

ایجاد مانع بر سر عبور جریان آب از دیگر مسیرها. یا اجازه عبور جریان آب از جهت دلخواه.

Hydraulic Cleaner

" See High Velocity Cleaner "

Hydraulic Cleaning

- تمیز نمودن لوله با فشار کافی آب که موجب سرعت بالای آب نیز می‌گردد.

- تمیز کردن با استفاده از سرعت بالای آب.

- تمیز کردن با استفاده از یک توپ یا دیگر لوازم تمیز کردن.

- تمیز کردن لوله با استفاده از حجم زیاد آب.

Hydraulic grade line (H.G.L)

- سطح یا مقطع یک آب در حال عبور از یک کانال روباز.

- با جریان آب تحت فشار شیب یک لوله.

شیب لوله باعث بالا رفتن آب در یک لوله عمودی می‌گردد.

Hydraulic gradient

- شیب هیدرولیکی.
- شیب سطح آب در یک کانال روباز بوده که سبب عبور آب بطور طبیعی می‌گردد.

Hydraulic jump

شتاب و یا معمولاً تلاطم عمودی در سطح آب در یک کانال باز موقعیکه سرعت آب زیاد است، و تعویق در سرعت کم.

Hydraulic loading

بار هیدرولیکی؛ اشاره به دبی تصفیه‌خانه و یا فرایند تصفیه دارد. زمان ماند، بار سطحی و نسبت سدبندی آب مستقیماً در دبی جریان دخالت دارد.

Hydraulic population equivalent

یک جریان معادل ۱۰۰ گالن در روز، سهم دبی وارد به شبکه برای یک نفر در روز می‌باشد. **۱۰۰ GPCD** برای محاسبه دبی یک منطقه. جمعیت کل منطقه به نسبت هر شخص ۱۰۰ گالن محاسبه می‌گردد.

Hydraulic radius

- محدوده یا شعاع هیدرولیکی.
- محدوده‌ای از سطح مقطع یک نهر آب که با آن در تماس بوده و خط رطوبت بر روی آن نقش می‌بندد.

Hudraulic structure

عموماً به وسایل اصلی کنترل جریان یا توزیع آب و فاضلاب اطلاق می‌گردد.

Hydrocarbon

تعدادی از انواع ترکیبات هیدروژن و کربن.

Hydrogen _ ion Concentration

تجمع یونهای هیدروژن در مول بر لیتر محلول $\frac{\text{moles}}{L}$ که مشترکاً بصورت **PH** بیان می‌گردد.

Hydrogen sulfide (H₂S)

سولفید هیدروژن؛ یک گاز سمی و مهلک است که در شبکه‌های فاضلاب و مخازن هضم لجن بوسیله تجزیه بی‌هوازی تولید می‌گردد.

Hydrology / Hi _ dro _ Loj _ y

علمی کاربردی در ارتباط با آب، زمین و همه حالات آن، از جمله سیکل، ارتفاع، توزیع و گردش آب. این علم در ارتباط با واکنشهای فیزیکی، شیمیایی و فیزیولوژیکی آب می‌باشد.

Hydrogeologist / HI _ dro _ gee _ ALL _ uh _ gist

فردی که در رابطه با آبهای زیرزمینی، مطالعه و تحقیق می‌نماید.

Hydrologic cycle / HI _ dro _ loj _ ick

فرایند تبخیر آب در هوا و بازگشت آن بر زمین بوسیله بارندگی (برف و باران).

Hydrolysis / hi _ DROLL _ uh _ sis

- یک واکنش شیمیایی موقعیکه یک ترکیب به ترکیب دیگری بوسیله جذب آب، تبدیل می‌گردد.
- معمولاً یک ته‌نشینی مواد آلی.

Hydrophilic / Hi _ dro _ FILL _ ick

یک حس قوی علاقه و دوست داشتن آب. آب دوست.

Hydrophobic / HI _ dro _ FOE _ bick

داشتن یک حس قوی بیزاری از آب. آب گریز.

Hydropneumatic / HI _ dro _ new _ MAT _ ick

یک سیستم کوچک آب. در جائیکه پمپ آب آن بطور خودکار توسط یک مخزن هوای فشرده کنترل می‌گردد. (قطع و وصل پمپ).

Hydrostatic level

سطح یا ارتفاع ستون آب در جاییکه آب باید از یک سفره آب «آرتزین» یا حوضچه یا یک مجرا و لوله، تحت فشار، بالا رود.

Hydrostatic System

در یک سیستم حذف هیدرواستاتیکی لجن، سطح آب در حوض ته‌نشینی بالاتر از سطح آب در قیف یا چاه لجن است. اختلاف ناشی از ارتفاع باعث نیروئی گردیده که موجب جریان لجن در لوله‌ها و چاه یا قیف می‌گردد.

Hygroscopic / HI _ grow _ Skop _ ick

جذب یا گرفتن رطوبت از هوا.

Hypochlorination / HI _ Poe _ KLOR _

uh _ NAy _ Shun

استعمال ترکیبات هیپوکلریت در آب و فاضلاب که بمنظور گندزدائی و ضدعفونی این اقدام صورت می‌پذیرد.

Hypochlorinators / HI _ Poe _ KLOR _ uh

_ NAy _ tors

پمپهای کلرزنی، پمپهای تغذیه محلولهای شیمیائی یا وسایلی که برای تغذیه محلولهای کلرزنی از هیپوکلریتها (نظیر: هیپوکلرید سدیم یا کلسیم) ساخته می‌شود.

Hypochlorit / HI _ Poe _ KLOR _ ite

ترکیبات شیمیائی، شامل کلری که قدرت گندزدائی یا ضدعفونی کردن داشته باشد.

این ترکیبات به شکلهای؛ مایع، پودر و یا اسید هیپوکلروس موجود می‌باشند.

Hypolimnion / HI _ Poe _ Lim _ KNEE _ on

پائین‌ترین لایه در لایه‌های حرارتی یک رودخانه یا چشمه می‌باشد.

I , i

I dH:

[Immediately Dangerous to life or Health]

اشاره به بعضی از خطرات و امراض جبران‌ناپذیر و یا اثرات غیرقابل برگشت.

Ignition temprature

- دمای احتراق.

- دمائی که مواد سوختنی در آن دما مشتعل می‌گردد.

Imhoff Cone

یک مخزن مخروطی شکل برای اندازه‌گیری حجم جامدات قابل ته‌نشینی در یک حجم مخصوص (معمولاً یک لیتر فاضلاب).

Impeller

طراحی حرکت دورانی پره‌ پمپها، برای پرتاب آب.

Impeller Pump

هر یک از پمپها یا تلمبه‌ها در جایی که باید آب بطور دائم حرکت نماید، استفاده گردد. این پمپها توسط پره‌های دوار و از منابع مکانیکی، نیروی آنها، تأمین می‌گردد.

Impermeable / Im _ PURR _ me _ uh _ BULL

- رسوخ‌ناپذیر، ناتراوا.

- خاک یا موادی که به آسانی آب را از خود عبور نداده و اجازه عبور به آب نمیدهد.

Imported back Fill

مواد مصرفی برای پر نمودن حفره و یا چاه بدون استفاده از مواد اصلی.

این اقدام آزمایش مشترکی برای اطلاع از میزان فشردگی و حجم مواد مختلف میباشد.

Incineration

- سوزاندن - احتراق.

- سوزاندن یا حرارت دادن مواد آلی موجود در لجن و جامدات فاضلاب، برای کاهش حجم مواد و یا خشک نمودن آن.

Incinerator

کوره یا وسیله‌ای برای تولید حرارت و یا سوزاندن.

Index

- فهرست - نمایانگر.

- یک نمایانگر که معمولاً بوسیله عدد، درصد یک پدیده در بدیده دیگر را نمایش میدهد.

- معرفی قسمتی از یک ابزار دقیق یا وسیله.

Indicator "chemical"

- معرف شیمیایی.

- موادی که یک تغییر آشکار را معین می‌نمایند. مانند: معمولاً رنگ در نقطه دلخواه در یک واکنش شیمیایی.

Indicator "Instrument"

وسایل یا ابزاری که نتایج اندازه‌گیری‌ها را نشان میدهد.

Indicator gauge

درجه‌ای که بوسیله عقربه یا اعداد دیجیتالی، خصوصیات نظیر: عمق، فشار، سرعت تخلیه یا حرکت یا وضعیت فاضلاب را نشان میدهند.

Indole

یک ترکیب آلی (C_8H_7N) که شامل نتیروژن بوده و بوی آمونیاک میدهد.

Industrial Television equipment

"See Inspection television equipment"

Industrial waste water

- فاضلاب صنعتی.

- فاضلابهای کارخانجات و مراکز صنعتی.

In Fectious hepatitis

یک التهاب ویروسی شدید مربوط به کبد یا ویژگیهای؛ برفان - تب - تهوع - استفراغ و شکم درد.

In Filtrated debris

در شبکه فاضلاب؛ شن، ماسه، ریگ و سنگهایی که بوسیله فیلتراسیون آب در حال حرکت، حمل گردیده و یا شسته می‌شوند.

In Filtration

نفوذ آب زیرزمینی در سیستم فاضلاب که شامل اتصالات خانگی نیز می‌گردد و نفوذهای مکرر در میان لوله‌های معیوب، زانوها و جاههای منھول.

In Filtration in Flow

همه کیفیتهای آب و جریان آن بدون تشخیص منشأ و مدا آب.

InFiltration head

در سیستم فاضلاب؛ فاصله نقطه‌ای که بواسطه نفوذ و تراوش تا ارتفاع سطح آب، تصفیه صورت می‌گیرد. این فشار آب باعث نیروی نفوذ آب در شبکه می‌گردد.

In Filtration Pressure

" See in Filtration head "

In Flatable Pipe stopper

استفاده از یک توپ قابل باد کردن که در مجرای فاضلاب قرار گرفته و با بادشدن، جریان فاضلاب را قطع می‌نماید.

Influent

فاضلاب خام ورودی به تصفیه خانه‌های فاضلاب.

Inhibitory Substances

مواد کنترل کننده یا کشنده، میکروارگانسیمهای موجود در فاضلاب تصفیه خانه.

Inlet

- ورودی.

- سطح اتصال یک لوله تخلیه.

- یک شکل از تجمع بین سطح زمین و لوله تخلیه یا شبکه فاضلاب.

Inlet Control

مهار نسبت یا درصد میان ارتفاع آب و تخلیه آن بوسیله ساخت سازه یا وسیله‌ای در مسیر آب.

In line Filtration

مازاد و اضافه مواد منعقدساز شیمیایی در داخل لوله‌های فیلتر.

Inner

درونی - داخلی.

Inner city

بخش مرکزی شهر.

Innocuous / Inak _ you _ as

بی‌ضرر - بی‌خطر - بی‌زیان.

Inoculate / in _ NOCK _ you _ late

- تلقیح - مایه کوبی.

- شناسائی یک بذر کشاورزی در یک سیستم.

Inorganic

- غیرآلی.

- تمام ترکیبات عنصری که دارای کربنهای آلی نمی‌باشند.

Inorganic matter

- ماده غیرآلی.

- شکلی از ترکیبات معدنی که عموماً فرار نبوده و قابل اشتعال نیز نمی‌باشند.

Inorganic waste

مواد معدنی فاضلاب مانند: نمک، آهن، کلسیم و دیگر مواد معدنی که تحت تأثیر واکنشهای میکروارگانیسمها یا (موجودات ریز کوچک) هستند.

Input horse Power

کل نیروی مصرفی، در بکارگیری یک پمپ یا موتور.

Insecticide

مواد شیمیایی مهارکننده یا کشنده حشرات.

Insertion puller

ابزاری برای بیرون کشیدن موادی که در لوله‌های معیوب یا شکسته شبکه فاضلاب رسوب نموده‌اند. این لوله‌ها شامل لوله‌هاییست که کیفیت خود را از دست داده و خراب شده‌اند.

Insituform

روشی برای جایگزینی لوله‌های جدید، بجای لوله‌های قدیمی، بدون نیاز به حفاری.

Inspection television equipment

تجهیزاتی تلویزیونی برای بالابردن کیفیت تجاری و استاندارد و تهیه ۶۰۰ تا ۶۵۰ خط و طراحی وسایل بازرسی صنعتی.

Instrumentation

استفاده از فن آوری کنترل تلویزیونی یا آنالیز شاخص‌های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی.

Intake

- فرایند یا بکارگیری سازه‌ها یا وسایل، برای منحرف نمودن آب.

- جریان یا مقدار دبی عبوری در یک مجرا، کانال، پمپ، مخزن یا تصفیه‌خانه قبل از تصفیه.

Intake PiPe

- لوله‌ای در بالای یک خط لوله یا در مسیر جریان آب ورودی.

- خط لوله‌ای برای انتقال آب با نیروی ثقل.

Integrated solid waste management

کنترل و مهار زباله‌ها یا (جامدات فاضلاب) از لحاظ جمع‌آوری، کاهش حجم، بازیافت، سوزاندن مواد زائد و یا دفن زباله‌های زائد آن.

Integrator

- وسیله یا ماده که بطور پیوسته، دبی را اندازه‌گیری و محاسبه می‌نماید.

- دستگاهی برای اندازه‌گیری حجم جریان بر حسب گالن، میلیون گالن یا فوت مکعب.

Intercepting Sewer

شبهه‌ای که جریان تعدادی از شبکه‌های بزرگ دیگر را جمع‌آوری نموده و به نقطه‌ای جهت تصفیه هدایت می‌نماید.

Inter connector

یک شبکه‌ای که در محل اتصال دو شبکه مجزا نصب میگردد. در صورتیکه یکی از شبکه‌ها مسدودگردد، جریان عقب‌گرد نموده و از شبکه‌ای دیگر به مسیر خود ادامه میدهد.

Interface

مرز یا حد مشترک میان دو ماده نظیر: آب و یک ماده جامد. یا میان دو سیال مانند: آب و گاز یا میان دو مایع مانند: آب و روغن.

Interlock

یک کلید برقی که بصورت مگنتی (جذب‌کننده) عمل نموده و برای باز و بسته نمودن قفل دربها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Intermediate Processing Center /

IPC

معمولاً اشاره به مراکزی که اقدام به تهیه و تولید محصولات جدیدی از مواد و زباله‌های قابل بازیافت برای مشتریان می‌نمایند.

Intermittent chlorination

یک روش استفاده ناپیوسته از کلرزنی، در مهار و کنترل بیولوژیکی سطوح آب تازه و مخصوص استفاده برای انتقال دما.

Intermittent Filter

یک بستر طبیعی یا ساختگی از جنس ماسه یا دیگر مواد دانه‌دار، که آب یا فاضلاب در مواقع سیلاب از میان آن عبور می‌نماید. این تصفیه تحت شرایط هوازی انجام می‌پذیرد.

Inter Costs

- هزینه‌های داخلی.

- هزینه‌های مربوط به خدمات و اتفاقات جاری در محدوده یک ساختمان مانند: خانه یا اداره.

Internal Friction

افت اصطکاکی یک سیال که در نتیجه نیروی جاذبه مولکولی سیال بوجود می‌آید.

Internal inFlow

فاضلاب غیرپهداشتی یا صنعتی که در داخل مراکز مسکونی، تجاری و یا صنعتی تولید گردیده و شروع به تخلیه در شبکه جمع‌آوری فاضلاب می‌نماید.

Interstice / in _ TUR _ stuhz

روزنه‌ای بسیار کوچک در یک سنگ یا مواد دانه‌دار.

Intrados

- سمت بالائی یک منحنی.

- سطح یک شبکه لوله یا کانال.

Inventory

نشان دادن فهرستی از جزئیات، توضیحات، کمیتهای یک ملک، که ممکن است شامل اندازه گیری‌ها و قیمت‌ها باشد.

Inversion

عمل چرخاندن یک لوله بطرف خارج یا بیرون، در جای خود.

Invert

- معکوس کردن - وارون کردن.

- پائین ترین نقطه داخلی یک کانال، لوله یا منهول.

Inverted siphon

نیروئی در یک خط لوله که باعث حمل و جریان فاضلاب بطور ثقلی در یک شبکه فاضلاب میگردد.

Investment tax credit

کاهش مالیاتهای بسته شده یا مقرر، برای خرید و نصب تجهیزات مخصوص و دیگر سرمایه گذاریها.

Ion

یون.

Ion exchange

- یک فرایند شیمیایی قابل برگشت شامل تغییرات داخلی یونها بین یک مایع و جامد. امانه تغییر در ریشه ساختمان یک جامد.

- فرایند شیمیایی در جاییکه یونها از دو مولکول متفاوت تشکیل گردیده و تغییر می نمایند.

Ionic Concentration

تجمع تعدادی یون در یک محلول. معمولاً با مول در لیتر بیان میگردد.

Ionization

- یونیزاسیون.

- فرایند جمع شدن الکترونها در اتم یا انتقال الکترونها از اتم‌ها یا مولکولها.

Irrigation

- آبیاری.

- استفاده از آب جهت مصارف رشد و نمو گیاهان و کشاورزی.

Irrigation requirement

مقدار آب مخصوص تبخیر، مورد نیاز محصولات که شامل سطح تبخیر نیز میگردد.

Irrigation return water

برگشت آب ناشی از آبیاری مزارع به سفره‌های زیرزمینی آب که عموماً شامل، تجمع آب، نمکهای محلول و دیگر موادی که در نتیجه شستن لایه‌های خاک می باشد.

ز , ج

Jacketed pump

- پوشش پمپ.

- یک پمپ مجهز به پوششی بر روی سیلندر و بدنه آن میباشد. این روکش جهت جلوگیری از نفوذگرد و غبار، آب و غیره و همچنین خنک نمودن قطعات داخلی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Jar test

آزمایشی برای تخمین انعقاد منعقد کننده‌ها و فرایندهای ته‌نشینی در یک سری از معیارهای مشابه.

Jet

خروج آب تحت فشار از یک لوله، روزنه یا سوپاپ آبپاش.

Jet cleaner

" See High velocity cleaner "

Jet rodder

" See High velocity cleaner "

Jetsam / JET _ Sam

ورود زباله‌ها به یک شبکه فاضلاب که این زباله‌ها از آب سنگین‌تر می‌باشد.

Jogging

شروع بکار مجدد و توقف یک موتور الکتریکی.

Joint

اتصال میان دو طول یک لوله که با استفاده یا بدون استفاده از قطعات دیگر صورت می‌گیرد.

Joule / jewel

یک اندازه انرژی، کار یا گرما می‌باشد. و مقدار نیرویی است که وزنه‌ای برابر با یک نیوتن را یک متر جابجا می‌سازد. و تقریباً برابر با:

۰.۷۳۷۵ FT _ lbs

JTu / jackson turbidity unit

یک واحد استاندارد در مورد تیرگی بینائی حاصل از اطفاء یک شعله می‌باشد.

K , k

Key manhole

کسب اطلاعات ویژه‌ای که برای ارزیابی یک سیستم جمع آوری فاضلاب، صورت می‌پذیرد.

Kilo

بمعنی ۱۰۰۰ در اندازه‌گیری‌های سیستم متریک و دیگر سیستم‌ها. مانند: کیلوگرم - کیلومتر.

Kine matic viscosity

مقدار و یکسوزیته یا چسبندگی یک محلول با واحد گرم بر سانتیمتر بر ثانیه. و چگالی با واحد گرم بر سانتیمتر مکعب (در دمای یک اتاق) بیان می‌گردد.

Kinetics

مطالعه مقادیر متغیر در فرایند تصفیه شیمیایی، فیزیکی و بیولوژیکی.

Kinetic energy

دستیابی به یک انرژی، بوسیله بدنه یک ماده، نظیر: آب که در نتیجه حرکت و تکان آن است.

Kite

ابزاری برای تمیز نمودن هیدرولیکی لوله‌های فاضلاب.

Kjeldahl nitrogen / KELL _ doll

نیترژن در شکل پروتئین‌های آلی یا تجزیه محصولات آمونیاکی بصورت اندازه‌گیری بوسیله روش «کجلدال».

Kjeldahl nitrogen test

روشی تحلیلی و استاندارد که برای تعیین غلظت ترکیبات نیترژن و آمونیاک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Kraft Paper

کاغذی که بعنوان پوشش برای بسته‌بندی مواد استفاده می‌گردد.

Krous Process

یک فرایند بهسازی لجن فعال در شرایط هوازی و جمع‌آوری عصاره یا شیرابه مخازن هضم لجن بی‌هوازی و پیوستن آن به مخزن هوادهی لجن فعال که موجب افزایش خاصیت ته‌نشینی لجن می‌گردد.

L, I

Laboratory Procedures

روشهای ساماندهی فرایندهای آزمایشگاهی و آزمایشات تحلیلی، که دربرگیرنده آزمایشات فنی و استاندارد معتبر می‌باشد.

Lag growth phase

نخستین دورهٔ عرضه و پیدایش باکتریها در طول رشد جمعیت آرام آنها. یا باکتریهای جدید وارد به محیط زیست.

Lagoon

- لاگون.

- استخر یا برکه‌های بزرگ و وسیع، معمولاً بصورت سدهای خاکی که جهت ته‌نشینی فاضلاب و اکسیداسیون یا هوادهی بیولوژیکی فاضلاب از آن استفاده می‌گردد.

Laminar Flow

جریان یک سیال چسبناک که اجزاء ذرات و سیال در لایه‌های موازی، دارای یک سرعت ثابت می‌باشند. یا دارای یک سرعت ثابت در مجاورت لایه‌ها هستند.

Lamphole

لولهٔ عمودی کوچک که متصل به لامپی نیز می‌باشد و در روی سطح زمین در مسیر آبراه فاضلاب قرار می‌گیرد از این وسیله جهت سهولت در بازرسی فاضلاب استفاده می‌نمایند.

Lamping

استفاده از انعکاس نور خورشید یا لامپ برای نظارت بر باز بودن مسیر جریان بین دو منهول. از یک طرف منهول، نور تابانده می‌شود و در صورت باز بودن مسیر، انعکاس نور را از طرف دیگر رویت می‌نمایند.

Land application

مهار و کنترل زباله بوسیله چال کردن زیر خاک یا پوشاندن سطح آن با خاک.

Land fill

دفن زباله‌ها یا جامدات فاضلاب در زیر زمین.

Langelier index

یک فهرست برای نشان دادن توازن PII آب با وجود کلسیم و آلکالینها.

Lateral

" See Lateral Sewer "

Lateral break

شکستگی یکی از لوله‌های جانبی در هر مکانی بین لولهٔ اصلی فاضلاب و اتصال ساختمان.

Lateral cleanout

نصب یک درپوش بازشو در مجاورت لوله‌های اصلی فاضلاب ساختمان که از آن برای تمیز نمودن لوله‌های فاضلاب استفاده می‌گردد.

Lateral Connection

" See building Service "

Lateral Sewer

تخلیه مجرای فاضلابی در مجرای دیگر یا مجرای مجاور و نه در یک مجرای مشترک.

Laundering weir / LAWN _ der _ ing _

WEER

آبگیر رسوب ساز جریان پشت سد.

Launders / LAWN _ ders

مخزن ته‌نشینی جریان فاضلاب یا گنداب.

Leachate

شیره، عصاره یا مایعاتی که از جامدات فاضلاب چکیده شده و یا کشیده شده و در شبکه جاری می‌گردد و یا مواد معلق مایعات فاضلاب.

Lead / LEE _ d

یک سیم یا هادی که جریان الکتریکی را برقرار می‌سازد.

Leakage

- هدر رفتن آب از سازه‌های مصنوعی، خارج از اختیار و کنترل و در نتیجه فشار هیدرولیکی آب.
- هدر رفتن آب، غیرقابل مهار و از لایه‌ای به لایه دیگر.

Leakage detector

- وسایل و ابزاری که قابلیت شنیدن صدای عبور آب از یک روزنه یا سوراخ را دارد.
- ابزار نشت‌یاب.

Lethal concentration

غلظت یک ماده آزمایشی که سبب مرگ و میر درصد مخصوصی از یک جمعیت می‌گردد. معمولاً با میانگین بیان می‌گردد. (LC50)

Level Control

یک کلید شناور یا فشاری که بر اساس تغییرات سطح سیال باز و بسته گردیده و جریان الکتریسته را قطع و وصل می‌نماید. همچنین ممکن است این کنترل توسط گوی شناوری و بصورت مکانیکی با تغییرات سطح سیال، قطع و وصل نماید. مانند: شیر شناور در یک فلاش تانک.

Life _ Cycle Costing

یک برآورد اقتصادی شامل کلیه مخارج مربوط به یک شبکه.

Lift pump

یک تلمبه (پمپ) برای بالا بردن فاضلاب و رساندن به نقطه‌ای که جریان فاضلاب به سهولت به جریان ثقی خود ادامه دهد.

Lift station

- ایستگاه پمپاژ.

- یک ساختمان، دارای پمپها، لوله‌ها، شیر فلکه‌ها و دیگر ماشین آلات و تجهیزات الکتریکی برای انتقال آب یا فاضلاب و یا سیالات دیگر.

Lime

- آهکی، آهک.

- گروهی از مواد شیمیایی که اساساً دارای هیدروکسید کلسیم و دیگر ترکیبات آن میباشد. مانند: کربنات کلسیم یا مخلوطی از کلسیم و کربنات منیزیم.

Limit switch

وسیله تنظیم یا کنترل مسافت طی شده توسط یک رشته یا سیم.

Lindane / LyNN _ dane

یک سم حشره کش که دارای اثرات نامطلوبی بر سلامتی و محیط زیست می باشد.

Lineal

طول یک خط در یک جهت و راستا.

Linarity / LyNN _ ee _ AIR _ it _ ee

- میزان دقت یک ابزار اندازه گیری مقادیر حقیقی.
- تعیین میزان کمیت یک ابزار.

Liner

" See PiPe Liner "

Linding

پوشش محافظی بر روی همه یا قسمتی از لوله ها، مجاری و مخازن برای جلوگیری از نفوذ و یا پایداری در برابر فرسایش.

Lipids

گروهی از ترکیبات آلی که از چربیها و دیگر استرهای مشابه و مناسب ساخته میشوند.

Liquid

- مایع.

(حرکت آزاد آنها جزء اصلی خواص مولکولی آنهاست. سیال و مایع بیشتر مواقع مترادف محسوب می گردند در صورتیکه سیال حالت کنی نداشته و شامل مایع و گاز نیز می گردد.)

Liquid Chlorine

تبدیل عنصر کلر به حالت مایع که بوسیله غلظت، سرمای خشک و بالایش گاز انجام می گردد.
(مایع کلر را تحت فشار، وارد مخازن و یا سیلندرهای فولادی می نمایند.)

Liquid Sludge

- لجن مایع.

- لجن در حالتی که دارای بیش از ۸۵٪ آب باشد.

- لجن با آب کافی برای جریان با نیروی ثقل یا انتقال بوسیله پمپ.

Liquor

- عصاره، شیره، افشیره، صمغ.

- آب یا فاضلاب با ترکیبات دیگری که بعنوان مایع طبقه بندی میگردند.

Litter / LAy _ ter

آن بخش از زباله های جامدی که توسط مردم تولید گردیده و با بی احتیاطی و بطور اشتباه در خارج از سیستم دفع زباله ریخته می شود.
(این مقدار شامل ۲٪ کل حجم زباله ها می باشد.)

Littoral Zone / Lit _ or _ AL

- آن بخش از بدنه آب که از خط ساحلی یک رودخانه تا محل اشغال ریشه گیاهان گسترش یافته است.
- یک نوار خشک در طول خط ساحلی بین سطح بالائی و پائینی آب.

Loading

کمیت یا مقدار ماده بکار گرفته شده در یک وسیله، در یک زمان.

Logarithm

- لگاریتم.

- بیانگر توانی است که یک عدد برای بالا رفتن و ساخت

عدد دیگری لازم دارد.

مثال: $\log_{10} 100 = 2 \rightarrow 10^2 = 100$

Longitudinal Crack

پیشروی شکاف یا ترک در طول لوله که ناشی از یک ترک

کوچک بوجود آمده در بخشی از لوله است.

Long _ tem impact

تأثیرات آتی و آینده یک عمل.

Loss of head

- کاهش انرژی در میان دو نقطه که در نتیجه شکستگی،

خم شدن، گرفتگی، انبساط یا بعضی از موارد، بوقوع

میبوندد.

- افت ارتفاع.

Lower explosive Limit / LEL

نقطه‌ای که، تجمع گاز در هوا، در صورت وجود جرقه در آن

نقطه منجر به انفجار میگردد.

Low _ grade Paper

نوعی از کاغذ معمولی و کم‌ارزش. مانند: کاغذ روزنامه.

Low _ rate Filter

طراحی یک فیلتر چکنده یا نشستی برای عبور و جریانی با

مقدار کم و یا فیلتری که مقدار کمی از حجم مواد را از خود

عبور دهد. که با واحد میلی گالن بر سطح در روز بیان

می‌گردد. **.mil gal / ac / day**

Lubri Flushing / Loob _ rah _ Flush _ ing

روشی برای گریس کاری یا روغن کاری با گریس.

Lulu

مکانهای ناخواسته که برای دفن یا زیر خاک کردن مورد

استفاده قرار می‌گیرد.

M , m

Macroscopic organisms

موجوداتی که با چشم غیر مسلح میتوان آنها را رویت نمود.

Magnetic Separator

تجهیزات و وسایل جداسازی موادی از مواد دیگر، بوسیله نیروی الکترو مغناطیس.

Main Line

- لوله اصلی.

- لوله فاضلابیست که فاضلاب سرویسهای ساختمان را جمع‌آوری می‌نماید.

Main Sewer

- شبکه اصلی.

- لوله فاضلابی است که شاخه‌های فرعی فاضلاب را دریافت می‌نماید.

Mandrel

- ابزار مخصوصی برای بیرون کشیدن بلبرینگ از یک دستگاه.
- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری خم لوله‌های انعطاف‌پذیر.

Manhole

- منهول.

- چاه، گودال، دریاچه یا سوراخی برای ورود و خروج فاضلاب.

Manhole bedding

آماده‌سازی‌های اولیه منهول.

Manhole depth

- اندازه‌گیری عمق منهول.

- اندازه‌گیری، از رأس تا پائین‌ترین نقطه یک منهول.

Manhole drop

" See drop Manhole "

Manhole elevation

سنجش یا اندازه‌گیری ارتفاع یک منهول از پائین‌ترین نقطه کف آن نسبت به سطح آب دریا.

Manhole Flow

- عمق یا مقدار جریان ورودی فاضلاب به یک منهول در زمان انتخابی.

- مقدار متوسط یا کل جریان فاضلاب ورودی به منهول در فاصله زمانی معین بر حسب گالن.

Manhole Fram

حلقه فلزی یا چهارچوب کلاهی که روی لبه منهول در سطح زمین یا معابر و خیابانها قرار می‌گیرد.

Manhole grade ring

حلقه سیمانی پیش ساخته به ابعاد ۴ تا ۱۲ اینچ ارتفاع که در رأس مخروط منهول قرار می‌گیرد.

Manhole in Filtration

نفوذ و یا نشست آبهای زیرزمینی به داخل ساختمان منهول.

Manhole in Flow

عبور جریان آبهای سطحی به داخل منهول که معمولاً از طریق درزی که بر روی درپوش منهول است وارد منهول می‌گردد.

Manhole invert

پائین‌ترین نقطه آب رو و جریان فاضلاب در کف منهول.

Manhole jack

وسیله‌ای برای نگه‌داشتن یا عقب و جلو کشیدن لوله‌های مندرس و خراب در منهول.

Manhole Key

" See kay manhole "

Manhole Lid

درپوش فلزی معمولاً چدن یا فولاد که بر روی منهول قرار می‌گیرد. ممکن است این درپوش دارای سوراخ یا درزی نیز باشد.

Manhole Lid dust Pan

یک ورق یا تشت فلزی یا آهنی که در زیر درپوش منهول قرار می‌گیرد تا از داخل شدن ریگ و زباله و غیره به داخل منهول و از طریق سوراخ یا درز درپوش جلوگیری نماید.

Manhole ring

یک حلقه و یا چهارچوب فلزی و دارای لبه، که درپوش منهول بر روی آن قرار می‌گیرد.

Manhloe Sealing

عملیات درزگیری و جلوگیری از نفوذ آب به داخل منهول بوسیله استفاده از ملات شیمیایی.

Manhole Surcharged

" See Surcharged manhole "

Manhole tools

- یک ابزار دستی کوتاه و مخصوص و ساده برای کارکردن در داخل منهول.

- ابزار دستی بلند و قابل افزایش، برای به جریان انداختن زباله‌های داخل منهول، بدون نیاز به وارد شدن در داخل منهول.

Manhole trough

آبراه یا کانالی در کف منهول که جریان فاضلاب از طریق آن وارد و خارج از منهول می‌گردد.

Manhole vents

سوراخی به قطر یک اینچ برای تهویه هوا و خارج شدن گازهای خطرناک فاضلاب که بر روی درپوش منهول ایجاد می‌گردد.

Manifold

یک لوله بزرگ در جائیکه تعدادی از لوله‌های کوچکتر به آن متصل می‌گردد.

Maning's Formula

- فرمول مانیگ.

- یک فرمول برای محاسبه مقدار دبی جریان فاضلاب یک شبکه:

$$Q = \frac{1/49}{n} \cdot A \cdot R^{2.3} \cdot S^{1/2}$$

Q = (cfs) دبی بر حسب فوت مکعب در ثانیه:

n = فاکتور زبری و خشنی لوله

A = سطح مقطع جریان بر حسب فوت مربع

R = ft شعاع بر حسب فوت

R = شعاع هیدرولیکی کانال یا لوله فاضلاب بر حسب فوت

S = شیب کانال یا لوله فاضلاب بر حسب فوت در صد فوت طول لوله

Maning roughness Coeffcint

ضریب زبری یا اصطکاک در فرمول «مانینگ چزی».

Manings tables

تنظیم سطح برای ایجاد جریان فاضلاب در شبکه.

Manometer

لوله‌ای شیشه‌ای که بوسیله مایع پر می‌گردد و برای اندازه‌گیری اختلاف فشار جریان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Market development

روشی برای توسعه و افزایش تقاضا بوسیله اصلاح و بهبود اجناس مورد نیاز بازار و ایجاد اطمینان بیشتر برای مشتریان.

Masking agents

موادی که برای پوشش دادن یا تغییر بوهای نامطبوع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Mass _ burn facility

وسایلی برای سوزاندن زباله‌ها و جامدات زائد فاضلاب.

Mass _ Combustion

نوعی از کوره‌ها یا مشعلها، که جامدات زائد (زباله‌ها) را بدون جداسازی برای بازیافت، در آن می‌سوزانند.

Mass spectrometer

وسیله‌ای برای مشاهده؛ توده‌های مولکولی ذرات اتم، که بوسیله انهدام و بمباران با الکترون صورت می‌پذیرد.

Mass spectrometer

دسته‌بندی یونها بوسیله جداسازی به روش تطبیق توده‌های آن.

Material recovery

استخراج یا جداسازی جامدات زائد برای استفاده مجدد و یا طی مسیر مجدد.

Materials safety data sheet / Msds

مدرکی حاوی اطلاعاتی خاص در مورد مواد مخلوط یا مواد خطرناک، که معمولاً توسط کارخانه سازنده مواد تهیه و ارائه می‌گردد.

Materials balance

یک محاسبه وزنی مواد ورودی و خروجی به یک فرایند در واحدی مانند؛ کوره، معمولاً بر اساس زمان.

Materials recovery transfer

Facilities / MRTF

اشاره به دستگاه‌هایی چند منظوره که ممکن است شامل مراکزی جهت سرازیر نمودن جامدات زائد و یا فاضلاب برای جداسازی باشد. در اصل شامل دستگاه‌هایی برای بازیافت جامدات زائد می‌باشد.

Maximum contaminant level / MCL

" See MCL "

Mean

- میانگین حسابی یک گروه از اطلاعات.
- میانگین آماری که بوسیله آنالیز احتمالی تعیین میگردد.

Mean cell residence time / MCRT

مدت زمان متوسط مانند یک واحد از توده سلول در سیستم لجن فعال.

Measured Flow

اندازه‌گیری فیزیکی دبی یا مقدار جریان.

Measured Variable

خاصیت و یا قسمتی که توسط یک جسگر یا یک عنصر پایه حس گردیده و یا می‌سنجد.

Mechanical aeration

استفاده از یک دستگاه مکانیکی برای مخلوط کردن هوا با آب. که منجر به جذب هوا توسط آب میگردد.

Mechanical aerator

وسایل مکانیکی برای واردسازی مقدماتی اکسیژن هوا در مایع.

Mechanically Cleaned Screen

صفحه‌ای مجهز به دستگاههای تمیزکننده مکانیکی برای حذف بعضی از جامدات.

Mechanical cleaning

تمیز نمودن لوله‌های فاضلاب بوسیله دستگاه‌های مکانیکی، که ممکن است با نیروی مکش یارانش، زیاله‌های درون لوله‌ها را از آن خارج نماید.

Mechanical joint

یک ابزار قابل خم شونده برای ایجاد خم در لوله‌ها.

Mechanical plug

استفاده از یک درپوش یا تویی مکانیکی برای انسداد یا مسدود نمودن لوله‌های فاضلاب.

Mechanical rake

یک روش مکانیکی برای تمیز نمودن زیاله‌ها و دیگر زائدات از دهانه ورودی لوله‌های آب یا فاضلاب و یا پمپها.

Mechanical Separation

عمل جداسازی فاضلاب توسط دستگاههای مختلف مکانیکی مانند: آشغالگیرها و الکهای مکانیکی.

Media

موادی که در صافیهای (فیلترها) نشستی، ثقلی و یا فشاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Median

متوسط یا میانگین اندازه یا مقدار هر چیزی.

Meg

آزمایشی برای بررسی و کنترل مقاومت عایق موتورها، سیم‌ها و غیره.

Megger

ابزاری است برای بررسی مقاومت عایق در موتورها، تغذیه‌کننده‌ها، زمین و جریان الکتریکی.

Megohm

بمعنی میلیون اهم.

Meniscus / meh _ Nis _ cuss

سطح منحنی یک ستون مایع. مانند: آب و روغن.

Mercaptans

ترکیبات آلی حاوی سولفور، که دارای بوی نامطبوعی بوده و در فاضلابهای صنعتی یافت میگردد.

Mercury gauge

نوعی فشارسنج برای اندازه‌گیری فشار یک سیال بوسیله ارتفاع سیال در فشارسنج مرکوری.

Mesh

تور - توری - سرنده - الک یا سوراخ و روزنه‌های سرنده یا صفحه و پارچه‌ای دارای روزنه‌ها که برای صاف نمودن سیالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Mesophilic

آن دسته از باکتریهائی که در بهترین دما، رشد و نمو می‌نمایند.

(۲۴°C تا ۲۰°C و ۱۰۴°F تا ۶۸°F)

Mesophilic digestion

هضم لجن بوسیله فرایندهای بیولوژیکی در دمای؛
(۳۸C تا ۲۷' و ۱۰۰°F تا ۸۰')

Mesophilic range

محدوده دمائی که لجن توسط باکتریها بوسیله فرایند
بیولوژیکی باید هضم گردد. .
(۳۸C تا ۲۸' و ۱۰۰°F تا ۸۰')

Mestrophic

یک چشمه یا رودخانه با کیفیت متوسط که جهت پرورش
آبزیان و تولید گیاهان مناسب است.

Metabolism

- سوخت و ساز.
- فرایندهای بیوشیمیایی در موقعیکه غذا مورد استفاده
قرار میگیرد و مواد زائد بوسیله موجودات زنده یا
(ارگانیسمها) شکل میگیرند.

Metalimnion

لایه‌های میانی در دسته‌بندی حرارتی رودخانه‌ها یا
چشمه‌ها.

Meter

- دستگاهی برای اندازه‌گیری بعضی از کمیتها نظیر؛ مقدار
جریان مایعات، گازها یا جریان الکتریکی.
- واحد طول برابر ۳/۲۸ فوت.

Methane (CH₄)

یک هیدروکربن گازی بدون رنگ و بو و قابل اشتعال. در گاز
طبیعی بشکل یک ماده بی‌هوازی غیرمرکب؛ تولید
مصنوعی آن بوسیله حرارت منواکسیدکربن می‌باشد.

Metnane bacteria

یک گروه ویژه باکتریهای بی‌هوازی که وظیفه آنها
فاسدکردن مواد آلی بصورت متان می‌باشد.

Methane Fermentation

- تخمیر متان.
- یک واکنش متوالی که در طول فساد بی‌هوازی یا فاضلاب
آلی، متان تولید می‌نماید. در مرحله اول اسیدفورمینگ
باکتریها، تولید اسیداستیک نموده و در مرحله دوم متان
باکتریها، این اسید را مصرف می‌نمایند و دی اکسیدکربن،
تولید متان می‌نمایند و سپس در نتیجه تخمیر مواد آلی، گاز
متان بدست می‌آید.

Methoxychlor / meth _ oxy _ klor

یک سم حشره‌کش با تأثیرات نامطلوب بر سلامتی آب
مصرفی و هوای تازه.

Methyl orange alkalinity

میزان کل آلکالینیتی در یک نمونه آب که این میزان
بوسیله مقدار اسید سولفوریک استاندارد مورد نیاز با PH
پائین تر آب یعنی ۴/۵ اندازه‌گیری می‌گردد.

Mgd

- میلیون گالن در روز.
- واحد اندازه‌گیری دبی جریان برابر با ۳۷۸۵ متر مکعب در
روز و ۶۸۱ گالن در دقیقه و ۵۴۷ فوت مکعب در ثانیه.

Mg/l

- میلی گرم در لیتر.
- واحد اندازه‌گیری غلظت در یک مایع.

Microbial activity

فعالیت میکروارگانیسمها (موجودات زنده؛ بسیار ریز) در
نتیجه تغییرات شیمیایی یا فیزیکی.

Microbial Film

یک لایه ژلاتینی مربوط به رشد و نمو میکروبیها.

Microbial growth

فعالیت و رشد و نمو میکروارگانیسمها، مانند؛ باکتریها و جلبکها.

Micron / My _ kron

- میکرون.

- یک واحد طول برابر با یک میلیونیم یک متر یا یک

هزارم یک میلیمتر.

Microorganisms

موجودات زنده بسیار ریز که فقط با میکروسکوپ می‌توان

آنها را مشاهده نمود. بعضی از میکروارگانیسمها از

فاضلاب بعنوان غذا استفاده نموده و موجب تغییر مواد

نامطلوب می‌گردند.

Microscopic

موجودات بسیار ریز که فقط بوسیله بزرگ نمائی با

میکروسکوپهای نوری قابل رویت می‌باشند.

Microscopic examination

- آزمایشات آب در تعیین درصد و مقدار گیاه و زندگی

چانداران نظیر باکتریها.

- آزمایشات آب در تعیین درصد جامدات میکروسکوپی.

- آزمایشات میکروبیائی آب.

Microscreen

یک صافی پارچه‌ای با سوراخهایی به قطر ۲۰ تا ۶۰

میکرون. این صافی در ظرف استوانه‌ای شکل قرار گرفته

که با ریختن فاضلاب به داخل آن مایعات از آن عبور نموده

و جامدات فاضلاب بر روی سطح پارچه باقی می‌ماند. برای

شستن این صافی از فشار بالای آب، استفاده می‌گردد.

Mil

- میل.

- یک واحد طول و برابر با ۰/۰۰۱ اینچ. قطر سیمها و

لوله‌ها بوسیله میل اندازه‌گیری می‌گردد.

Milli micron / MILL _ uh _ My _ kron

- میلی میکرون.

- یک واحد طول برابر با یک هزارم میکرون.

Mineral

- مواد معدنی.

- موادی که نه حیوانی بوده و نه نباتی هستند. مانند: نمک،

کلسیم، آهن، شن و غیره.

Mineral content

کمیت حل شدن مواد معدنی در یک نمونه آب.

Mist

- مه، بخار رقیق.

- قطرات ریز مایع.

Mixed _ Flow Pump

استفاده از یک پمپ گریز از مرکز در جائیکه ارتفاع تا

اندازه‌های گسترش یافته و عمل بالا بردن مایع توسط نیروی

گریز از مرکز صورت می‌پذیرد.

این نوع از پمپ دارای یک ورودی بوده که بعد از ورود،

جریان بصورت محوری خارج می‌گردد.

Mixed liquor

یک مخلوطی از فاضلاب خام و یا ته‌نشین شده در

سیستم لجن فعال در یک مخزن هوادهی و در فرایند

لجن فعال.

Mixed liquor suspended solids /

MLSS

غلظت جامدات محلول در مخلوط آبکی لجن فعال که با واحد میلی‌گرم در لیتر بیان می‌گردد. که مشترکاً در رابطه با واحدهای هوادهی لجن فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Mixed liquor volatile suspended

solids / MLVSS

آن بخش از جامدات محلول در مخلوط آبکی لجن فعال که می‌توانند بوسیله سوزاندن در دمای 550°C حذف گردند. این نشان دهنده تجمع میکروارگانیسمها در یک اکسیداسیون بیولوژیکی میباشد.

Mixed _ Media filter

صافی یا فیلتری که بر اساس اندازه و یا چگالی، عمل صاف نمودن یا فیلتراسیون را انجام می‌دهد.

Mixing basin

حوضچه یا مخزنی برای مخلوط کردن مواد شیمیایی با آب، فاضلاب و یا لجن.

Mixing chamber

اطاقی برای سهولت در مخلوط کردن مایعات با مواد شیمیایی یا مایعی با دو یا چند مایع با خصوصیات متفاوت. این اطاق ممکن است جهت سهولت در مخلوط کردن، به وسایل مکانیکی مجهز باشد.

Mixing channel

کانالی در تصفیه‌خانه‌های آب و یا فاضلاب با خصوصیات یک آبراه هیدرولیکی که مواد شیمیایی در مسیر جریان با یکدیگر مخلوط می‌گردند.

Mixed paper

نوعی از مخلوط کاغذهای باطله که در بعضی از محصولات مانند؛ کارتن‌سازی یا مقوا و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Mixed refuse

زباله‌ها یا جامدات زائد که در نقاط مختلف توسط افراد جامعه تولید می‌شوند.

Mixed _ waste Processing Facility.

وسایلی برای مخلوط کردن جامدات زائد یا زباله‌ها در فرایند جمع‌آوری و انتقال مواد قابل بازیافت.

MLSS

مخلوط آبکی جامدات محلول در فرایند لجن فعال.

MLVSS

مخلوط آبکی جامدات محلول فرار در فرایند لجن فعال.

Modified aeration

اصلاح و بهینه‌سازی فرایند لجن فعال در مدت زمان هوادهی کوتاه، بوسیله کاهش مقدار جامدات محلول در مخلوط آبکی.

Modular incinerator

واحدهای کوچک و پیش ساخته کوره زباله سوز که در کارخانجات ساخته شده و بعد برای استفاده در شهرهای کوچک در محل آن نصب می‌گردد.

Moisture

تقطیر آب، نم، رطوبت، باران، آب.

Moisture Content

کمیت مقدار آب در خاک، لجن فاضلاب و لجن فاضلاب صنعتی، معمولاً با درصد وزن خالص بیان می‌گردد.

Mole

وزن مولکولی یک ماده، معمولاً با گرم بیان می‌گردد.

Molecular oxygen

اکسیژن مولکولی O_2 که با دیگر عناصر ترکیب نمی‌شود.

Molecular weight

- وزن مولکولی.

- وزن مولکولی یک ترکیب بر حسب گرم. که وزن اتمی عناصر در یک ترکیب می‌باشد.

Molecule / Moll _ uh _ kule

- مولکول.

- کوچکترین بخش یک ترکیب.

Monitor

" See Conductor "

" See television monitor "

Monitoring

- مشاهده دائمی و بموقع آزمایشات طراحی شده یا تعیین پارامترها و ضرایب تصفیه و یا مطابقت با استانداردها.
- اطلاع و اندازه‌گیری آلودگیهای رادیواکتیو.

Monod equation

یک بیان ریاضی اولیه که بوسیله توصیف ارتباط میان درصد رشد میکروبیائی و رشد بنیادی تراکم و تجمع آنها بیان می‌گردد.

Monomer

- مونومر.

- یک مولکول با وزن مولکولی کم که قابل واکنش با مونومرهای مختلف یا مشابه بوده و به شکل پلیمرها می‌باشد.

Monomictic / Mo _ no _ Mick _ tick

رودخانه‌ها و چشمه‌هاییکه به نسبت عمقشان در فصل زمستان منجمد نمی‌گردد.

Monovalent

دارا بودن والانس یک. مانند یونهای مس CU^+

Most probable number / MPN

تعداد ارگانیسرها (موجودات ریز زنده) در واحد حجم که بصورت چگالی ارگانیسرها در ۱۰۰ میلی لیتر بیان می‌گردد.

Motile / Mo _ till

یک فصل که گاهی اوقات در درجه اول بین شکلهای اصلی ارگانیسرهاست که در آب یافت می‌گردند.

Motor efficiency

- بازده یا راندمان موتور.

- نسبت انرژی اخذ شده از یک موتور به انرژی تأمین شده در طول یک زمان ثابت می‌باشد.

Movable distributor

یک پخش کننده، شامل لوله‌های سوراخ‌دار یا ناودانی که در آن تخلیه بصورت پاشش یا اسپری انجام می‌پذیرد.

Moving average

- میانگین حرکت.

- برای مثال؛ محاسبه میانگین حرکت در ۵ روز گذشته، جمع مقدار ۵ روز را محاسبه نموده و بر ۵ تقسیم می‌نمایند و میانگین روزانه را بدست می‌آورند.

Mudballs

- پوشش سیلیسی بر روی سطح بیرونی ذرات ماسه.

- گاهی اوقات گلوله‌هایی ته‌نشین شده در زیر زباله‌ها و یا کانال‌های ته‌نشینی یافت می‌گردند.

Mud blanket

لایهٔ مواد منعقد شده بر روی سطح صافیهای شنی.

Muffle Furnace

یک کوره کوچک که دمای آن به بالای ۶۰۰°C می‌رسد. این کوره در آزمایشگاه برای سوزاندن نمونه‌ها و تعیین جامدات فرار یا جامدات فیکس شده در فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Mulch

- لاشه برگ، خاک برگ.

- بعضی از مواد آلی یا غیرآلی بصورت لایه و پوششی بر روی سطح خاک و اطراف درختان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Multimedia Filter beds

یک دستگاه صافی یا فیلتر، شامل دو یا چند ماده نظیر آنتراسیت و ماسه، که فاضلاب در میان آن جریان می‌یابد و قابل تمیز کردن نیز می‌باشد. مواد ممکن است مخلوط و یا مجزا باشند.

Multiple _ hearth incinerator

وسیله‌ای زباله‌سوز برای استفاده در گرم کردن و یا خشک نمودن لجن‌ها.

Multiple _ stage sludge digestion

در یک سیستم هضم لجن فاضلاب پیشرفته، دو یا چند مخزن هضم لجن بصورت پشت سرهم یا متوالی تعبیه می‌گردد.

Multistage Pump

یک پمپ گریز از مرکز با دو یا چند پروانه یا محرک در یک پوسته.

Municipal incinerator or Combustor

یک واحد زباله سوز عمومی یا خصوصی که برای مناطق مسکونی یا تجاری طراحی و نصب می‌گردد.

Municipal solid waste / MSW

شامل کلیه مواد زائد جامد (زباله‌ها) که از منازل مسکونی - آپارتمانها و نمایشگاههای تجاری و صنعتی حاصل می‌گردد.

Municipal solid waste Composing

یک کنترل پوسیدگی جامدات زائد (زباله‌ها) شهرها شامل فرایندهای جمع‌آوری مواد آلی غیرقابل تجزیه و پوسیدگی.

Municipal waste water treatment

عموماً شامل تصفیه فاضلابهای خانگی، تجاری و صنعتی می‌باشد.

N , n

Name plate

بکارگیری یک ورق فلزی بادوام برای استفاده بر روی تجهیزات و وسایل که مشخصات عملکرد دستگاه بر روی آن درج می‌گردد.

Nappe

جریان قسمتی از آب پشت یک سد، در جاییکه بصورت آزادانه بطرف پائین حرکت می‌نماید.

National environmental training association / NETA

انجمن بین المللی مطالعات زیست محیطی (سازمان حرفه‌ای آموزشهای محیط زیست و کنترل آلودگیهای زیست محیطی).

National institute of occupational Safty and health / NIOSH

انستیتو بین المللی ایمنی حرفه‌ای و سلامتی.

National primary drinking water regulations / NPDWR

مقررات اولیه بین المللی آبهای آشامیدنی.

National safe drinking water regulations /NSDWR

مقررات بین المللی آب آشامیدنی سالم.

Negative head

- افت ارتفاع ناشی از افزایش ارتفاع استاتیکی یا ایستائی. (خلاء جزئی)

- وضعیت تولید فشار منفی بوسیله یک فیلتر سنی که مانع سرعت در انتهای رانش فیلتر می‌گردد.

Negative Pressure

- افت فشار.

- کمبود فشار هوا در یک نقطه خاص.

Nephelometer

ابزار یا وسیله‌ای برای سنجش تیرگی و کدری محلول‌ها.

Nephelometric / NEFF _ el _ o _ MET _ rick

بمعنی اندازه‌گیری تیرگی در یک نمونه محلول بوسیله استفاده از ابزاری که نفلومتر نامیده می‌شود.

Net available head

اختلاف فشار میان آب در یک لوله قبل از ورود آب و سطح آزاد آب در لوله قبل از گردش آن.

Net wastewater contribution

یک شبکه جمع آوری فاضلاب، متشکل از مایعات و فاضلاب همراه با مایعات که توسط خطوط لوله دریافت می‌گردند.

Net wastewater flow

یک جریان حقیقی فاضلاب که فاضلاب را به تصفیه‌خانه می‌رساند.

Newton

- نیوتن.

- یک واحد علمی و برابر با نیروئی که جرمی به وزن یک کیلوگرم را در مدت یک ثانیه، یک متر جابجا می‌نماید.

N Factor

ضریب زبری یا اصطکاک، در فرمول «چزی» یا «کاتر».

Nitrification

اکسیداسیون نیتروژن آمونیاک در نیترات نیتروژن موجود در فاضلاب بوسیله واکنش‌های بیولوژیکی و شیمیایی.

Nitrobacteria

توانائی باکتریها در اکسیداسیون مواد نیتروژن دار.

Nitrogen (N)

- نیتروژن.

- که اغلب در فاضلاب بصورت آمونیاک، نیترات و نیترات و نیتروژن آلی یافت می‌گردند.

Nitrogenous / nye _ TRAH _ jen _ us

- نیتروژن دار.

- میحی است که برای توصیف ترکیبات شیمیایی

(معمولاً آلی) شامل نیتروژن در شکل‌های مرکب بکار

می‌رود.

Nitrogenous oxygen demand

یک اندازه‌گیری مقداری؛ مقدار اکسیژن لازم برای اکسیداسیون مواد نیتروژنی، نظیر نیتروژن آمونیاک و نیتروژن آلی در فاضلاب.

Nitrogen removal

حذف نیتروژن از فاضلاب در حین فرایندهای فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی.

Nitrosomonas

یکی از انواع باکتریها که موجب اکسیده شدن آمونیاک در نیترات می‌گردد.

Noble metal

یک فلز غیرفعال در شیمی، مانند: طلا یا فلزاتی که در شیمی بکار گرفته نمی‌شوند.

NOD / Nitrogenous _ oxygen _ demand

مقدار اکسیژن نیتروژن دار.

Nodular / NOD _ you _ LAR

شکل بزرگ نامنظمی، مانند: یک دایره درشت، گره و دارای برآمدگی.

Nominal diameter

- قطر اسمی لوله.

- اندازه تقریبی قطر لوله که شامل اندازه‌گیری داخلی لوله نمی‌گردد، بلکه اندازه قطر خارجی لوله است.

Nomogram

استفاده از یک دیاگرام شامل راه‌حل‌ها بجای فرمولهای ریاضی.

Nomograph / NOME _ o _ graph

بمعنی ارائه نمودار گرافیکی یا وابستگی ریاضی.

Nonclogging impeller

طراحی یک موتور محرک یا پمپ باز، بسته یا نیمه بسته با قدرت عبور طولانی برای عبور و جریان جامدات.

Noncorrodible

موادی که نسبتاً به خوردگی مقاوم است و بوسیله مواد شیمیایی فاضلاب خورده نمی‌شود.

Non Ferrous metals

فلزات غیر آهنی.

Nonionic Polymer / NON _ eye _ oN _ ick

یک پلیمر فاقد بارهای الکتریکی.

Non point source

تخلیه از جایی شبیه به منبع. مانند: خارج شدن از انتهای یک لوله.

Non potable

- غیر آشامیدنی.

- آبی که ممکن است حاوی آلودگیهای نامطلوب و فضولات معدنی بوده و برای آشامیدن نامناسب میباشد.

Non settleable solids

- جامدات محلول غیر قابل ته نشین.

- مواد جامد محلولی که در یک محلول برای مدت زمان زیادی خواهند ماند.

Non sparking tools

ابزارهایی که در هنگام استفاده، جرقه تولید نمی‌نمایند و آلیاژهایی مانند مس و نیکل ساخته شده‌اند.

Non uniform Flow

- جریان نامنظم.

- چرپانی که در طول طی مسیر، سرعت و سطح مقطع و عرض آن تغییر نماید.

Non volatile matter

مواد غیر فرار.

Notice

توجه - قابل توجه.

Nozzle

- نازل.

- پخش کن.

- وسیله‌ای مخروطی شکل که جهت بالابردن سرعت آب، بر روی لوله‌ها نصب میگردد.

برای بالابردن سرعت پا شش مایع، باید سطح مقطع آنرا کوچکتر نمود.

Nozzle aerator

هوادهی با استفاده از هوایی که از طریق سوپاپهای هوا با فشار در آب دمیده می‌شود.

Ntu / nephelo Meter turbidity unit

واحدی برای اندازه‌گیری میزان تیرگی و کدوری مایعات بوسیله دستگاه نفلومتر.

Nutrient

- مواد مغذی - خوراکی.

- موادی که برای رشد و نمو ارگانیسمها لازم و ضروری است.

Nutrient cycle

حذف یا تغییر مواد مغذی از یک شکل به شکل دیگر تا مواد مغذی به شکل اصلی تبدیل گردند. این چرخه ممکن است در حالت هوازی و یا بی‌هوازی صورت پذیرد.



obligate aerobes

باکتریهائی که برای تکثیر نیاز به اکسیژن مولکولی دارند.

Obstruction

- انسداد - بند آوردن - گرفتن مسیر عبور.
- بعضی از مواد جامد در لوله‌های فاضلاب که باعث مسدود شدن مسیر جریان فاضلاب گردیده و از عبور جریان جلوگیری می‌نماید.

Occupational safety and health act of 1970

" See osha "

Odor Control

- در تصفیه آب، حذف یا کاهش بوهای آب مصرفی بوسیله هوادهای زیاد و یا روشهای دیگر.
- در تصفیه فاضلاب، کاهش بوهای نامطبوع بوسیله هوادهای، کلر زنی و دیگر فرایندها صورت می‌پذیرد.

Odor threshold

حداقل بوئی که می‌تواند در یک نمونه آب، قابل شناسائی و تشخیص با آب بدون بو باشد.

Off line

نیروی رانشی که باعث عبور جریان در لوله‌های فاضلاب بین دو منهول می‌گردد. در صورتیکه لوله بین دو منهول در راستای مستقیم قرار نگرفته باشد.

Off _ peak power

قسمتی که قادر است جریان را در برابر بار یا انرژی زیاد قطع نماید.

Off set

- لوله‌کشی با جریان معکوس.
- ترکیب دو لوله موازی با سطح مقطع‌های مختلف بوسیله مفصل یا زانو.

Offset invert

کانال یا آبراه انحرافی در کف منهول.

Offset joint

اتصال لوله‌ای با لوله دیگر که به طور صحیح در یک راستا نباشند.

Off set manhole

منهولی که دارای لوله‌های ورود و خروج کج باشد.

Off set pipe

" See off set Line "

Off set trough

- منهولی که لوله یا کانال ورودی و خروجی به آن برابر نبوده و یا در یک راستا نباشد.

Ohm

- اهم.

- واحد مقاومت الکتریکی. مقاومت حاصل از جریانی با نیروی یک ولت و شدت جریان یک آمپر.

Oil

- روغن، چربی.

Oil separation

- جداسازی چربی و روغن.

- حذف روغنهای غوطه‌ور و چربیهای شناور و حل نشدنی از فاضلاب.

- حذف روغنها و چربیهای حل نشدنی از فاضلابهای صنعتی.

Olfactometer / ol _ FACT _ toe _ meter

وسيله‌ای برای اندازه‌گیری بو، به روش رقیق‌سازی و مقایسه با هوای آزاد.

Olfactory Fatigue

حالتی که بینی اشخاص بعد از قرار گرفتن در معرض بوهای غلیظ قادر به تشخیص بو نیست.

Oligotrophic / AH _ lig _ o _ TRO _ Fick

رودخانه‌ها و چشمه‌هایی که از نظر کیفیت آب قابل شرب و مصرفی، نامناسب بوده و جهت پرورش گیاهان و زندگی آبزیان مناسب باشد.

Open Centrifugal pump

یک تلمبه یا پمپ گریز از مرکز که نیروی محرک یا موتور آن جدا از پره‌های پمپ باشد و یا عبارتی بصورت باز بوده و نیرو توسط تسمه، منتقل میگردد.

Open channel

- کانال روباز.

- بعضی از آبراههای طبیعی و مصنوعی در جاییکه آب با یک سطح آزاد در جریان می‌باشد.

Open channel Flow

جریان یک سیال با سطحی در معرض عوامل طبیعی و هوا.

Open impeller

- موتور باز.

- یک وسیله محرک بدون داشتن دیوارهای جانبی.

Operation Cost

- هزینه‌های عملکرد مانند: هزینه‌های تعمیر و نگهداری.

Operators

در فاضلاب و آب؛ استخدام یا بکارگیری افرادی برای تصفیه.

Organic

- مواد آلی.

- موادی که از حیوانات بدست می‌آیند و یا ریشه گیاهی دارند.

Organics

- مبحثی است در رابطه با ترکیبات شیمیایی ساخته شده از مولکولهای کربن. این ترکیبات ممکن است از مواد طبیعی بوده مانند؛ منابع گیاهان یا حیوانات و یا ممکن است ساخته دسته انسان باشد، مانند: مواد آلی مصنوعی.
- شکلهایی از گیاهان و موجودات زنده.

Organic loading

مقدار مواد تقریباً آلی معمولاً مانند BOD_5 که در یک فرایند تصفیه معین اندازه‌گیری می‌گردد. و بصورت وزن در واحد زمان، در واحد سطح یا در واحد وزن بیان میگردد.

Organic waste

مواد زائد یا زباله‌هایی که از حیوانات و یا منابع گیاهی بدست می‌آید. زباله‌های آلی معمولاً توسط باکتریها نابود می‌گردند.

Organism

شکل‌هایی از گیاهان و حیوانات یا موجودات زنده.

Orifice

سوراخ، روزنه، شکاف، دهانه.

Orp / [oxidation _ reduction potentiul]

پتانسیل یا قوه الکتریکی که احتیاج به انتقال الکترونها از یک ترکیب یا عنصر به ترکیبات یا عناصر دیگر دارد.

Orthophosphate

- یک نمک شامل؛ فسفر مانند: $(PO_4)^{-3}$.

- محصول هیدرولیز غلیظ شده فسفات.

Orthotolidine / (or _ Tho _ Tol _ uh _ dine)

یک نمایانگر کلر باقیمانده که بر اساس رنگ عمل می‌نماید.

Osmosis / (oz _ moe _ SIS)

عبور مایع از یک محلول رقیق توسط یک پرده یا صافی پرده‌ای و تبدیل آن به محلول غلیظ‌تری.

Out Fall

- نقطه موقعیت یا سازه‌ای از فاضلاب یا لوله تخلیه از یک شبکه فاضلاب.

- مجرای اصلی در انتهای لوله جمع آوری آشغال.

Out fall sewer

شبکه‌ای که فاضلاب را از سیستم جمع آوری فاضلاب یا از یک تصفیه‌خانه فاضلاب دریافت نموده و تا نقطه‌ای در انتهای لوله تخلیه در محیط حمل می‌نماید.

Outlet

تخلیه نهایی یک لوله یا کانال.

Overall efficiency pump

ترکیب راندمان و بازدهی یک موتور و یک تلمبه یا پمپ با یکدیگر.

Overdraft

انتقال (پمپاژ) آب از یک حوضچه آب زیرزمینی به یک برکه یا آبگیر.

Over flow manhole

منهولی که بعلت پر شدن، فاضلاب خام اولیه را به سطح خیابان یا معابر می‌رساند.

Over flow rate

یک راهنمایی برای طراحی مخازن ته‌نشینی و حوض‌های ته‌نشینی.

$$\text{over flow rate, GPD/FT}^2 = \frac{\text{Flow, gal/day}}{\text{sur, Are, FT}^2}$$

Over flow relife line

در حالت پیک یا بار اضافی، فاضلاب در یک سیستم جمع‌آوری فاضلاب، توسط لوله‌ای به منهول دیگر و یا به نقطه‌ای تعبیه شده در شبکه، منحرف می‌گردد.

Over flow weir

افزایش آب و یا فاضلاب، بیش از ظرفیت در پشت سازه‌هایی مانند؛ سد یا وسایلی دیگر مانند؛ مخازن که اجازه عبور یا تلف شدن پیدا می‌نماید.

Overland flow

- جریان آب بر روی زمین قبل از ورود به کانال.

- یک نوع از آبیاری یا انتشار فاضلاب.

Overturn

پدیده چرخش عمودی (بارش - تبخیر) که در یک چرخه طولانی آب اتفاق می‌افتد.

Oxidant

یک ماده شیمیایی که قادر است میزان اکسیداسیون مواد را افزایش دهد،

مانند: Cl_2 - O_3 - O_2

Oxidation ditch

- کانال اکسیداسیون، (از وسایل تصفیه فاضلاب ثانویه)،

Oxidation pond

- استخر اکسیداسیون.

- کنترل و مهار بیولوژیکی مواد آلی موجود در فاضلاب

سطحی بوسیله استخر اکسیداسیون.

Oxidation process

روش‌های در تصفیه فاضلاب برای اکسیداسیون مواد آلی قابل فساد و بوسیدگی.

Oxidation _ reduction potential /

ORP

- پتانسیل الکتریکی (ولتاژ) نیازمند انتقال الکترون‌ها از

یک عنصر یا ترکیب به عناصر یا ترکیبات دیگر می‌باشد.

اندازه‌گیری کمیت اکسیداسیون در سیستم تصفیه فاضلاب

از جمله استفاده‌های روش **ORP** می‌باشد.

Oxidized organics

مواد آلی که بوسیله فرایندهای بیولوژیکی تجزیه و بوسیده میشوند.

Oxidized sludge

لجن در موقعیکه مواد آلی آن بوسیله مواد شیمیایی یا اکسیداسیون بیولوژیکی تثبیت می‌گردد.

Oxidized wastewater

فاضلاب، موقعیکه مواد آلی آن تثبیت می‌گردد.

Oxidizing agent

بعضی از مواد نظیر اکسیژن O_2 - کلر Cl_2 که به سرعت موجب تجمع الکترون‌ها می‌گردد.

Oxygen (O)

- اکسیژن.

- یک عنصر شیمیایی مورد نیاز برای اکسیداسیون

بیولوژیکی.

Oxygenation Capacity

میزان توان و قدرت انتقال اکسیژن در مایع که توسط یک هواده در فرایند تصفیه صورت می‌پذیرد.

Oxygen Consumed

میزان ظرفیت پذیرش اکسیژن توسط مواد آلی و غیرآلی موجود در آب و فاضلاب.

Oxygen deficiency

اکسیژن موجود در اتمسفر، غلظتی برابر با $19/5$ درصد حجم را دارا می‌باشد.

Oxygen utilization

- بخشی از اکسیژن تأثیرگذار مصرفی در فرایند تصفیه هوازی.

- اکسیژن مصرفی جهت احتراق و گرم کردن لجن توسط هوای خالص اکسیداسیون تنزل می‌یابد.

Ozonation

فرایندهائی شامل آب، فاضلاب یا هوا با ازن که بمنظور گندزدائی، اکسیداسیون و یا مهار بو صورت می‌پذیرد.

Ozone (O_3)

اکسیژن در شکل مولکولی با سه اتم اکسیژن شکل در هر مولکول.

P , p

Package treatment plant

یک تصفیه‌خانه کوچک پیش ساخته که توسط کارنجات تولید گردیده و در محل موردنظر نصب میگردد. این‌گونه تصفیه‌خانه ممکن است شامل تصفیه‌های اولیه و ابتدائی و یا بصورت کامل عرضه شوند.

Packer

" See chemical grouting "

Packing ring

تعبیه و ساخت حلقه‌ای بعنوان غلاف از جنس تفلون یا گرافیت برای محل روغن کاری شفت یا محور پمپ که از آن برای درزگیری و آبندی بین محور پمپ و بدنه پمپ استفاده می‌گردد.

Paddle aerator

وسيله‌ای مانند یک چرخ پره‌دار که در هوادهی آب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Palatable / PAL _ uh _ tuh _ ble

آبی در دمای مطلوب بدون در نظر گرفتن بوها، مزه‌ها و رنگهای نامطلوب.

Parachute

وسيله‌ای برای نگهداشتن جریان فاضلاب در منهول یا شناور ساختن یک لوله در بین منهول.

Parallel operation

در موقع شروع تصفیه، فاضلاب به دو بخش تقسیم گردیده که یک بخش به جریان خود ادامه داده و دیگر بخش وارد واحد دیگری از تصفیه‌خانه میگردد.

Parshall flume

ساخت یک آبراه یا کانال مخصوص برای اندازه‌گیری دبی جریان فاضلاب.

Parasitic bacteria / (PAIR _ a _ SIT _ tick)

باکتری‌هایی که بطور طبیعی بر روی بدن دیگر موجودات زنده زندگی می‌نمایند.

Partial Pressure

- فشار نسبی.
- فشار هر گازی که بطور مستقل در گازهای مخلوط بکار میرود.

Particles

- عموماً به جامدات محلولی در آب و فاضلاب که میتوانند تأثیرات و تغییرات بسیار زیادی در اندازه، شکل، چگالی و تخلیه داشته باشد، می‌گویند.

Particulate / (Par _ TIC _ you _ let)

جامدات بسیار ریز محلول در آب که می‌توان بوسیله فرایندهای منعقدسازی و شناورسازی آنها را از آب جدا نمود.

Parts per million / [PPM]

- تعداد در میلیون.
مقدار واحدهای وزن و حجم مواد جزئی که با یک میلیون از واحد محلول یا مخلوط بیان می‌گردد. اکثراً با واحد میلی‌گرم در لیتر مترادف می‌باشد. برای بیان سختی آب از این واحد استفاده می‌گردد.

Pascal

- پاسکال.
- فشار یا نیروئی برابر با یک نیوتن بر متر مربع.

Pathogenic bacteria

- باکتریهای بیماری زا.
- باکتریهائی که موجب بیماری در موجودات میزبان خود می‌گردند.

Pathogenic organisms

ویروس یا باکتریهائی که می‌توانند موجب بیماری‌هائی مانند؛ حصه، وبا و اسهال خونی در افراد گردند.

Pathogens

بیماریها، امراض.

PCBS / [poly chlorinated biphenyls]

بلی کلرید بی‌فنیلد.

Peak

- بار اضافی.
- حداکثر کمیتی که نسبتاً در یک دوره کوتاه زمانی اتفاق افتد.
- زیادترین باری که بوسیله یک مولد الکتریکی در طول دوره‌ای مخصوص تولید گردد.

Peaking factor

- نسبت بیشترین دبی یک جریان به دبی متوسط جریان.
- نسبت بیشترین دبی ساعتی یا بیشترین دبی روزانه به دبی متوسط روزانه.

Peak load

- حداکثر میانگین باری که بوسیله یک مولد الکتریکی تولید می‌گردد. یا سیستمی برای یک دوره تناوب کوتاه مانند ۱ ساعت یا کمتر.
- حداکثر مقدار آبی که وارد یک ایستگاه تلمبه‌خانه، تصفیه‌خانه یا سیستم توزیع می‌گردد.
- حداکثر دبی فاضلاب ورودی به یک ایستگاه تلمبه‌خانه یا تصفیه‌خانه.

Percent saturation

- درصد اشباع.
- مقدار ماده‌ای که در محلول حل می‌گردد در مقایسه با مقدار ماده‌ای که می‌تواند در محلول حل گردد. که این نسبت بصورت درصدی بیان می‌گردد.

$$\frac{100\% \times \text{مقدار ماده‌ای که حل می‌شود}}{\text{مقدار ماده که می‌تواند حل شود}} = \% \text{ درصد اشباع}$$

Percolation

حرکت یا عبور جریان آب در میان خاک و سنگ.

Percolating water / (PURR _ Co _ lay _

ting)

حرکت آهسته آب در میان یک فیلتر (صافی) یا از میان عوامل طبیعی، مانند؛ خاک و سنگ.

Period

- مدت زمان لازم بر اتمام تکرار یک واقعه یا رویداد.

- دوره یا استمرار مخصوص زمان.

- وقفه مورد نیاز برای تکرار یک رویداد.

Peripheral weir

تخلیه مواد منعقد شده در حوض ته‌نشینی، توسط لوله‌های

خروجی که در اطراف داخلی این حوض بکار گرفته شده.

Periphyton / (Puh _ RIF _ uh _ town)

گیاهان و حیوانات میکروسکوپی (مانند خزها) که بوسیله

آب بطور محکم به سطح جامدات مانند: سنگها

می‌چسبند.

Peristaltic Pump

یک شکل مثبت جابجائی پمپ.

Permeability

ظرفیت انتقال آب توسط سنگ یا مواد سنگی.

Permeability coefficient

یک ضریب بیان‌کننده دبی جریان یک سیال در میان

سطح مقطع ماده‌ای، تحت فشار یا شیب هیدرولیکی.

Permeate / (PURR _ me _ ate)

نفوذ و عبور آب از بین خاک و یا دیگر مواد.

Pesticide

- حشره‌کش.

- مواد یا سموم شیمیایی که برای مهار و یا کشتن حشرات

مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Pervious

در اختیار داشتن بستر یا سازه‌ای که آب بطور محسوسی

تحت اختلاف ارتفاع بطور عادی از روی آب عبور نماید.

PH

یک اندازه یا میزان غلظت یونهای هیدروژن در یک

محلول را می‌گویند.

PH از ۰ تا ۷ نشان دهنده اسیدی بودن محلول و از عدد ۷

تا ۱۴ بیانگر حالت خنثی بودن محلول است.

Phase

- فاز - قسمت - بخش.

- بخشهایی از یک فرایند جداسازی فیزیکی در یک

محدوده معین است. این جداسازی شامل ۳ فاز می‌باشد که

عبارتست از: جامد، مایع، گاز.

Phenol

فِنُل.

- یک ترکیب آلی که از بنزن مشتق میگردد.

Phenolic compounds

ترکیبات فنولیک که از ساده‌ترین این ترکیبات بنزن

هیدروکسی ($C_6 H_5 OH$) را می‌توان نام برد.

Phosphate

- فسفات.

- یک نمک یا اِستر اسیدفسفریک.

Phosphorus

- فسفری - فسفردار، فسفر.

- یک عنصر مهم شیمیایی و مغذی برای تمام موجودات زنده.

Phosphorus removal

حذف و ته‌نشینی فسفرهای قابل حل بوسیله منعقدسازی.

Photographic inspections

روشی جهت بازرسی خطوط لوله توسط عکسبرداری از

خطوط لوله که توسط دوربینهایی که از میان لوله‌ها عبور

نموده و به مرور زمان اقدام به عکسبرداری می‌نماید.

Photosynthesis

- فتوستنز.

- مواد آلی مخلوط پیچیده و مصنوعی و مخصوص از دی‌اکسید کربن، آب و نمکهای غیرآلی با نور ضعیفی بصورت یک منبع انرژی و با کمک کاتالیست. مانند: کلرفیل.

Photosynthesis bacteria

باکتری‌هایی که انرژی لازم جهت رشد و نمو خویش را از نور و به روش فتوستنز بدست می‌آورند.

Physical analysis

- آنالیز یا تجزیه فیزیکی.

- آزمایشات آب و فاضلاب برای تعیین خصوصیات فیزیکی نظیر؛ دما، رنگ، بو و مزه.

Physical _ chemical treatment

- تصفیه فیزیکی، شیمیایی.

- تصفیه فاضلاب به غیر از فرایندهای میکروبیولوژی، شامل؛ ته‌نشین‌سازی با استفاده از منعقد کننده‌ها، اکسیداسیون شیمیایی، هوادهی، اُسْمُز معکوس و چند فرایند دیگر.

Physical treatment

- تصفیه فیزیکی.

- بعضی از فرایندها تصفیه آب و فاضلاب فقط شامل؛ جداسازیهای فیزیکی جامد و مایع نظیر؛ عبور از صافی (فیلتراسیون) - منعقدسازی و غیره.

Physical waste treatment Process

فرایندهای فیزیکی تصفیه فاضلاب، شامل؛ استفاده از عبور فاضلاب از میان سنگها، صافیها و حوضچه‌های ته‌نشینی یا شناورسازی و غیره.

Phyto plankton

- پلانکتون.

- گیاهانی نظیر جلبک‌ها که بسیار ریز بوده و در آب رودخانه و چشمه‌ها یافت می‌گردند.

Pico

- پیکو.

- یک واحد جهت استفاده در سیستمهای متریک و دیگر سیستمهای علمی اندازه‌گیری و برابر با:

$$10^{-12} = 0.000000000001$$

Picocurie

واحدی برای اندازه‌گیری رادیواکتیو و برابر با:

$$0.037 \text{ تجزیه اتم در ثانیه}$$

Piezometer

- ابزاری برای اندازه‌گیری فشار در یک لوله، مخزن یا خاک.

- فشارسنج، غلظت سنج.

- دستگاهی برای سنجش شدت انفجار.

Pillows

لوله‌ای پلاستیکی شکل حاوی مواد و معرفهای شیمیایی برای آزمایش نمونه‌های محصولات.

Pipe

- لوله.

- یک مجرای بسته جهت هدایت و یا انحراف آب و فاضلاب از یک محل به محل دیگر.

Pipe bedding

" See bedding and bedding grade "

Pipe bucket

" See bucket and bucket machine "

Pipe Capacity

- ظرفیت لوله.

- در یک سیستم فاضلاب ثقلی، ظرفیت لوله عبارتست از مقدار کل فاضلاب بر حسب گالن که در یک مدت زمان مخصوص قادر به عبور از آن لوله می‌باشد.

Pipe Cleaning

- تمیز نمودن لوله.

- حذف روغن‌ها، شن و ماسه و آشغال‌های ریز از یک لوله که همان روش تمیز نمودن هیدرولیکی است.

Pipe deflection

" See deflected "

Pipe diameter

- قطر لوله.

- تعیین قطر اسمی یا تجاری لوله.

Pipe dip

" See Dip "

Pipe displacement

مقدار فاضلاب جابجا شده بر حسب اینچ مکعب در یک فوت یا بخشی از طول لوله.

Pipe Fittings

- لوله‌کشی.

- اتصال لوله‌ها به یکدیگر و یا به مصرف‌کننده‌ها با استفاده از اتصالاتی مانند؛ زانو، بوش، سه راه و کوبلینگ و غیره.

Pipe gallery

- بعضی از لوله‌ها با سایز و اندازه بزرگ به طوری که یک انسان میتواند در آن براحتهی قدم بزند.
- تعبیه یک راهرو یا گذرگاه در یک تصفیه‌خانه برای نصب لوله‌ها، شیرها و غیره.

Pipe grade

- شیب لوله.

- بیان درصد زاویه و شیب لوله که معمولاً بر حسب فوت درصد فوت طول لوله میباشد.

Pipe jack

وسيله‌ای برای نگهداشتن و یا حفظ چیزی درون منهول.

Pipe joint

محل اتصال دو قسمت یک لوله با هم دیگر.

Pipe joint seal

- کیپ کردن محل اتصال لوله جهت جلوگیری از نشت و یا تراوش سیال درون آن.
- روش آببندی و کیپ کردن لوله.

Pipe liner

نصب یا کشیدن یک آستر پلاستیکی بر روی لوله، برای جلوگیری از نشت سیال و یا پوسیدگی لوله.

Pipe plug

قرار دادن یا نصب موقت درپوش بر روی یک لوله جهت انسداد موقت جریان بمنظور تعمیر و مرمت لوله یا با هدفهای دیگر.

Pipe plug, inflatable

" See Inflatable pipe stopper "

Pipe plug, mechanical

" See mechanical plug "

Pipe rodding

روشی برای باز نمودن نقطه گرفتگی یا انسداد لوله بوسیله استفاده از یک میله یا ماریج فولادی که به درون لوله کشیده می شود.

Pipe run

- طول شبکه لوله ای که از یک منهول به منهول بعدی متصل گردیده.

- طول بعضی از لوله با فرض امتداد مستقیم لوله.

Pipe seal

" See pipe joint seal "

Pipe seading

" See chemical grouting, guniting or Lining "

Pipe section

طول یک تکه لوله بین دو اتصال.

Pipe sink

" See Dip "

Piping system

یک سیستم شامل لوله ها، اتصالات و ضمامنم در محدوده جریان سیال.

Piston pump

پمپ پیستونی.

Plain sedimentation

رسوب سازی مواد محلول در یک مایع که بوسیله مواد شیمیایی یا دیگر روشهای مخصوص دسته بندی می گردد.

Plain settling tank

- مخزن ته نشینی.

- یک مخزن یا حوضچه در جائیکه آب، فاضلاب یا دیگر مایعات حاوی جامدات قابل ته نشینی برای یک مدت زمان مناسب نگهداری گردیده و در این محل، سرعت جریان به اندازه مناسب، کم بوده تا اینکه مواد جامد محلول با دارا بودن خاصیت ثقل ته نشین و جمع آوری گردد.

Plan

- نقشه - پلان.

- ترسیم چشم انداز و یا نقشه ای از شبکه فاضلاب و منهول و خیابانها و یا سیستم توزیع آب.

Plan view

یک نمودار یا عکس از تجهیزات و وسایل بطوری که از سمت بالا گرفته شده یا ترسیم گردیده باشد.

Plankton

- معمولاً شامل؛ گیاهان و موجودات آبزی کوچک و میکروسکوپی می باشد.

- موجودات کوچکی که بر روی آب شناور می باشند.

Plant

" also see wastewater treatment plant "

Plant hydraulic capacity

- دبی یا مقدار بار فاضلاب بر حسب میلیون گالن در روز که اساس طراحی تصفیه خانه های فاضلاب می باشد.
- ظرفیت جریان یا بار هیدرولیکی آب یا فاضلاب در یک تصفیه خانه.

Plant treatment

" See wastewater treatment plant "

Plastic media

محصولی شبیه به لانه زنبور از جنس پلاستیک با سطح بزرگ که در فیلترهای نشستی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Plate press

یک فیلتر یا صافی فشرده شامل تعدادی ورق موازی با صافیهای پارچه‌ای که در محل تخلیه کانال قرار می‌گیرد.

Plug

" also see In flatable Pipe stopper and mechanical plug "

- درپوش.

Plug Flow

جریان، در جائیکه ذرات سیال از همان مخزن یا لوله‌ای که وارد گردیده، تخلیه می‌شود. این سیال برای مدت زمانی در مخزن یا لوله نگهداری گردیده و بعد تخلیه می‌شود.

Plumbing

- لوله‌کشی.

- نصب لوله‌ها، ضامم و اتصالات جهت تأمین و انتقال آب مصرفی و جمع‌آوری آبهای زائد و انتقال آن به شبکه‌های فاضلاب.

Plumbing Fixtures

لوله‌ها یا ظروف و مخازنی که آب، فاضلاب و یا مایعات را جمع‌آوری نموده و از طریق تخلیه در سیستم فاضلاب دفع می‌نمایند.

Plunger pump

یک پمپ یا تلمبه پیستونی که موتور پیستونی آن مستقیماً در تماس یا دیواره‌های سیلندر پمپ نمی‌باشد.

Pneumatic ejector

وسیله‌ای برای بالا بردن یا پرتاب آب، فاضلاب و یا لجن با استفاده از هوای فشرده یا باد.

Point gauge

یک میله نوک تیز مدرج و یا متصل به یک خط کش که جهت اندازه‌گیری ارتفاع آب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Point Source

تخلیه از انتهای یک لوله.

Pole shader

یک میله استوانه‌ای از جنس مس، دارای هسته‌ای باروکش آهن که در داخل سیم پیچ استارتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Pollution

- آلودگی.

- آلودگی و از دست رفتن کیفیت آب، بوسیله؛ کشاورزی، فاضلابهای خانگی و صنعتی به اندازه‌ای که موجب عدم استفاده از آب گردد.

Poly chlorinated biphenyls / PCBs

یک گروه از ترکیبات آلی خوشبو، با دو حلقه کربن اشیاء شده و معادل اتمهای کلر.

Polyelectrolyte Flocculents

- پلی الکترولایت ته نشینی.

- ترکیبات آلی پلیمری می‌باشند که موجب منعقد نمودن جامدات کلوئیدی محلول و بالاخره ته‌نشین شدن جامدات می‌گردد. از این مواد در تصفیه‌خانه آب و فاضلاب و فرایندهای لجن فعال استفاده می‌نماید.

Polyelectrolytes / (Poly _ ee _ Leck _ tro _

lite)

- پلی الکترولیت‌ها.

- یک ترکیب پلیمری پیچیده که معمولاً از آن برای منعقدسازی محلولها، استفاده می‌نمایند این عمل بر اساس مبادله یونهای رزینی صورت می‌پذیرد.

Polymers / Poly _ mer

- پلیمرها.

- ترکیبات آلی مصنوعی با وزن مولکولی بالا میباشند. ممکن است در منعقد کننده‌های آب یا فاضلاب و لجن مورد استفاده قرار گیرد. پلیمر پلی الکترولیت‌ها بر اساس مبادله یونهای رزینی عمل می‌نمایند.

Polysaccharide / polly _ SAC _ a _ ride

کربوهیدرات‌هایی مانند: نشاسته، سلولز، انسولین.

Polyvinyl chloride / PVC

- پی وی سی.

- یک پلیمر مصنوعی که از مونمر کلریدونیل ساخته شده ($\text{CH}_2 : 2\text{HCl}$) و غالباً در لوله‌های فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Ponding

حالت مسدود شدن و گرفتگی روزه‌های فیلتر نشی که در اثر مواد زائد اضافی بر روی روزه‌ها بوجود می‌آید.

Population equivalent / Hydraulic

مقدار سهم دبی آب یا فاضلاب برای هر نفر که با واحد GPCD (گالن برای هر نفر در روز) بیان میگردد.

Porcupine

ابزاری برای تمیز نمودن داخل لوله‌های فاضلاب متشکل از یک سیلندر فولادی و سیم.

Pore

- روزنه - سوراخ.

- بعضی از روزنه‌ها یا شیارهایی که به سیالات اجازه عبور از خود می‌دهند.

Pore space

شیار یا شکاف در سنگها یا مواد دانه‌دار.

Porosity

- نوع و چگونگی ایجاد روزنه‌ها و یا سوراخها.

- مجموع مقدار حجم سوراخهای داخل سنگ یا حجم خاک حاصل از حفاری سوراخها، که بصورت درصد بیان می‌گردد.

Positive rotary pump

یک نوع از تعویض و یا جابجائی شامل: تعویض روتور داخلی یک پمپ بسته.

Positive pressure

- فشار مثبت.

- این فشار از فشار اتمسفر بیشتر است و با واحد psi (پوند بر اینچ مربع) یا اینچ در ستون آب اندازه‌گیری و بیان می‌گردد.

Post aeration

اضافه کردن هوا در گنداب رو (کانال حاوی فاضلاب) بمنظور افزایش تجمع اکسیژن در تصفیه فاضلاب.

Post chlorination

استفاده از کلر در آب یا فاضلاب، در فرایند تصفیه آب و فاضلاب.

Potable water

- آب آشامیدنی.

- آبی که فاقد هرگونه آلودگی بوده و دارای املاح مفید معدنی باشد.

Power Factor

یک مقدار حقیقی نیروی عبوری از یک مدار جریان الکتریکی در تولید ولتاژ و آمپراژ جریان الکتریسته می‌باشد.

Power requirements

مقدار انرژی مورد نیاز برای دستگاهها - تصفیه‌خانه و یا دیگر وسایل می‌باشد. این انرژی ممکن است بصورت الکتریسته یا سوخته‌های فسیلی یا ترکیبی باشد.

Power rodder

ماشینی برای تمیز نمودن لوله فاضلاب، متشکل از یک مته بزرگ که با رفت و برگشت در لوله فاضلاب موجب خرد شدن آشغالها یا جامدات گردیده و لوله را تمیز می‌نماید.

Preaeration

در تصفیه مقدماتی فاضلاب؛ هوادهی فاضلاب که جهت اضافه نمودن اکسیژن و حذف گازهای زائد صورت می‌پذیرد.

Prechlorination

استفاده از کلر در آب و فاضلاب در ابتدای ورود به تصفیه‌خانه. اغلب بعد از آشغالگیر این عمل صورت می‌پذیرد و برای کنترل بوها در مخازن ته‌نشینی اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Precipitate / (pre _ sip _ uh _ TATE)

- تقطیر بخار آب بصورت بارندگی.
- جداسازی جامدات از محلولها بوسیله ته‌نشینی و رسوب.
- موادی که ته‌نشین شده یا رسوب می‌نمایند.

Precipitation / (Pre _ SIP _ uh _ TAY _ Shun)

- میزان کل آب حاصله از باران، برف و یا تگرگ که با واحد ارتفاع بارش در روز، ماه و سال بیان می‌گردد.
- فرایندهای جوی که باعث نزولات آسمانی می‌گردد.
- عمل جداسازی جامدات از محلولها بوسیله ته‌نشین نمودن با استفاده از مواد شیمیایی.

Precision

توانائی یک ابزار اندازه‌گیری در ارائه نتایج تکراری. یا توانائی یک ابزار اندازه‌گیری در دستیابی به همان نتایج اولیه.

Pre _ Cleaning

تمیز نمودن خط لوله شبکه‌های فاضلاب بوسیله استفاده از سرعت بالای آب یا دیگر تمیز کننده‌ها.

Precoat

- استفاده از یک تخلیه یا جریان آزاد مواد بدون اصطکاک بعنوان مواد درونی یک فیلتر مانند: زمین‌های دیاتومی که این عمل موجب کاهش دوره‌های تمیز نمودن و شستن فیلترها می‌شود.

Pre cursor, thm / (pre _ CURSE _ or)

ترکیبات آلی طبیعی که در تمام سطوح و در آبهای زیرزمینی نیز یافت می‌گردند. این ترکیبات ممکن است ایجاد واکنشهایی باهالوژنها نموده باشند. مانند: تری‌هالومتان.

Preliminary treatment

- انجام بعضی از فرایندهای اولیه تصفیه بر روی فاضلاب قبل از تخلیه در سیستم جمع‌آوری فاضلاب (در یک منبع یا مخزن مانند: سپتیک)
- واحدهائی مانند: آشغالگیری - حذف ماسه، در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب.

Prescriptive / (Pre _ SKIP _ tive)

آبی که بعد از انحراف، مستقیم می‌گردد و مطابق با شیوه‌های مخصوص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Press Filter

اعمال یک فشار جزئی مکانیکی برای آبیگری لجن.

Pressure

- فشار.

- کل بار یا نیروی اعمال شده بر روی یک سطح که با واحدهای پوند بر اینچ مربع (psi) یا کیلوگرم بر سانتیمتر مربع (kg/cm^2) بیان می‌گردد.

Pressure Control

کلیدهایی که بر اساس تغییرات فشار، عمل می‌نمایند. معمولاً این کلیدها دیافراگم هستند.

Pressure Filter

- فیلتر فشاری.

- یک فیلتر یا صافی مکانیکی برای آبیگری جزئی لجن.

Pressure gauge

- فشارسنج.

- وسیله‌ای برای سنجش فشار جامدات، مایعات و گازها، این ابزار ممکن است مدرج باشد و بر اساس واحدهای موردنظر این عمل را انجام میدهد.

Pressure grouting

" See Chemical grouting "

Pressure head

- ارتفاع سطح آب در بالای یک نقطه ویژه و موردنظر که بر حسب فوت در ۱۰ فوت طول لوله بیان می‌گردد.

- فشار حاصل از وزن آب بر روی یک سطح بر حسب پوند بر فوت مربع lb/FT^2

Pressure main

" See Force main "

Pressure _ relief valve

یک شیر که بطور خودکار در موقعیکه فشار به نقطه خاص رسید، باز می‌شود.

Pressure tank

- مخزن هوای فشرده.

- یک مخزن متصل به سیستم توزیع آب مصرفی یک یا چند خانوار. در این سیستم، هوای فشرده داخل تانک یا مخزن، فشار لازم برای رساندن آب موردنیاز خانوار را تأمین می‌سازد.

Pretreatment

- بعضی از فرایندهای تصفیه آب یا فاضلاب که بعد از تصفیه اولیه، ادامه می‌یابد.

- تصفیه فاضلابهای صنعتی در یک مخزن، قبل از ورود به شبکه جمع آوری فاضلابهای شهری.

Pretreatment Facility

استفاده از یک یا چند مرحله فرایند در تصفیه فاضلابهای صنعتی که برای از بین بردن آلودگیهای سمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Primary effluent

بخش مایع فاضلاب، بجامانده از تصفیه اولیه فاضلاب.

Primary element

یک ابزار اندازه‌گیری یا حسگر برای حالات فیزیکی مانند: یک ترموکوپل.

Primary settling tank

مخزن یا حوضچهٔ ته‌نشینی اولیه، جهت حذف جامدات قابل ته‌نشینی فاضلاب قبل از تصفیه.

Primary sludge

لجن حاصل از مخازن ته‌نشینی اولیه.

Primary treatment

- تصفیه اولیه یا ابتدائی.

- تصفیهٔ ابتدایی فاضلاب که معمولاً شامل رسوب‌سازی و حذف مواد کلوئیدی محلول می‌باشد.

Prime

عمل هواگیری یک پمپ یا تلمبه که بوسیله پر نمودن پمپ از آب می‌باشد. اکثر پمپها را قبل از شروع بکار می‌بایست هواگیری نمود.

Probe

ابزاری به شکل مته که از آن جهت نصب و قرار دادن لوله‌ها در زیر خاک، استفاده می‌گردد.

Process variable

یک کمیت فیزیکی و شیمیایی در جائیکه معمولاً عملکرد تصفیه‌خانه فاضلاب اندازه‌گیری و کنترل می‌گردد.

Product water

آب حاصل از تصفیه‌خانهٔ آب که بعد از مراحل تصفیه بدست می‌آید.

Profile

- پروفیل.

- ترسیم یا نمایاندن یک برش عمودی از خطوط لوله و شبکه آب یا فاضلاب.

Promoted

مخلوطی از رزین و کاتالیست.

Propeller pump

یک پمپ‌گریز از مرکز برای افزایش ارتفاع سیال.

Propeller _ Type impeller

یک موتور یا محرک با جریان محوری مستقیم.

Proportional weir

یک شکل مخصوص سد در جائیکه تخلیه سد در مسیر مستقیم و از ارتفاع متناسب صورت می‌پذیرد.

Proteinaceous / (PRO _ ten _ NAY _ Shus)

- پروتئینی.

- موادی شامل پروتئینها که دارای ترکیبات آلی بوده و حاوی نیتروژن نیز می‌باشند.

Protozoa / (Pro _ toe _ zoe _ ah)

گروهی از باکتریها یا حیوانات میکروسکوپی که بصورت یک منبع انرژی می‌باشند.

Protruding Service

اتصال لولهٔ اصلی فاضلاب در دو ساختمان هم‌جوار، بوسیله یک سوراخ یا روزنه که در انتهای ساختمان قرار داشته و این اجازه را جهت اتصال لوله‌ها امکان‌پذیر می‌سازد.

Protruding tap

" See Protruding Service "

Prussian blue

یک مایع یا کاغذی به رنگ آبی شبیه به کاربن جهت تعیین و نشان دادن سطح تماس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Psychrophilic bacteria / (sy _ kro _ FILL _ lick)

گروهی از باکتریهای که در دمای زیر ۲۰°C یا ۶۸°F تکثیر و رشد و نمو می‌نمایند.

Pump

- پمپ - تلمبه.

- وسیله‌ای مکانیکی برای انتقال یا بالا بردن و ایجاد فشار در آب یا دیگر سیالات می‌باشد.

Pump pit

محل استقرار پمپ.

Pump characteristic curve

منحنی یا منحنی‌هایی برای نشان دادن ارتباط سرعت، ارتفاع دینامیکی، ظرفیت و توان و ضریب یک پمپ.

Pump efficiency

- بازده یا راندمان پمپ.

- نسبت انرژی تبدیل شده به کار مفید به انرژی مورد نیاز یک محور پمپ.

- اختلاف انرژی آب در حال تخلیه تقسیم بر نیروی ورودی بر محور پمپ.

Pumping head

مجموع ارتفاع استاتیکی و افت ارتفاع در مکش یا تخلیه مقدار معینی از آب در یک پمپ.

Pumping station

- تلمبه خانه، ایستگاه پمپاژ.

- ایستگاه یا محلهائی در بین سیستم جمع‌آوری و تصفیه‌خانه فاضلاب جهت تقویت فشار لازم جهت رساندن فاضلاب خام به تصفیه‌خانه.

- ایستگاه یا محلهائی در میان تصفیه‌خانه آب و سیستم توزیع آب به مصرف‌کنندگان.

Pumping water level

فاصله عمودی یا ارتفاع از مرکز تخلیه پمپ تا سطح آزاد استخر یا آبگیر.

Pump stage

تعداد موتورها یا مولدهای نیروی یک پمپ.

Purveyor water

یک سازمان یا شخص تأمین‌کننده آب.

Putre faction

- پوسیدگی، فساد.

- تجزیه یا فساد بیولوژیکی مواد آلی معمولاً با بوی بدی همراه بوده و این مربوط به حالت بی‌هوازی تجزیه مواد آلی می‌باشد.

Putrescibility

- تمایل و وابستگی مواد آلی در معرض پوسیدگی در حالت نبود اکسیژن.

- (در آنالیز یا تجزیه آب و فاضلاب); فاضلاب خام آلوده یا تصفیه جزئی فاضلاب.

PVC _ [Poly vinyl chloride]

" See polyvinyl chloride "

Pyrometer

وسيله‌ای برای اندازه‌گیری دماهای بالا.

Q , q

Quadrant

ربع دایره.

Quick air test

آزمایشی سریع تر از آزمایش فشار هوا، که در این آزمایش ملاطهای شیمیایی مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

Quick test

آزمایش ملاطهای شیمیایی بر روی نقطه‌ای از یک لوله.

Quicksand

موادی مانند: ماسه بر روی مایعاتی که دارای وزن حجمی کمی می‌باشد، شناور می‌گردند.

Quicklime

- آهک یا آهک خام که با آب سریع ترکیب گردیده، و تشکیل اکسید کلسیم می‌دهد. از این ماده بعنوان ملاط در بنائی ساختمان بهره می‌برند.

R , r

Rack

- آشغالگیر.

- وسیله‌ای برای حذف جامدات شناور یا آشغال‌های درون

فاضلاب.

Radial flow

جریان شعاعی.

Radial to impeller

موادی که در یک موتور جریان را در یک زاویه‌ی راست یا

عمود منتقل می‌سازند.

Radiation

- تشعشع، تابش.

- ارسال و تکثیر انرژی در یک فضا.

- تشعشع انرژی بوسیله‌ی امواج الکترو مغناطیس.

Radical

- اصلی، اساسی، بنیادی.

- گروهی از اتمها که در طول یکسری از واکنشهای

شیمیایی تغییر نکرده و از بین نمی‌روند.

Rain

باران، بارش، بارندگی، نزولات آسمانی.

Range

- دامنه، گستره.

- فاصله‌ی میان بزرگترین و کوچکترین مقدار.

Ranney Collector

حفر چاههای جمع‌آوری آب در نزدیکی رودخانه و چشمه‌ها

که به ارتفاع ۳/۵ تا ۵ متر صورت می‌پذیرد.

Rate

- مقدار، اندازه، نسبت.

- حجم جریان در واحد زمان.

- سرعت یک واکنش شیمیایی.

Rate _ of _ flow controller

وسیله‌ای خودکار جهت کنترل یا مهار مقدار جریان یک سیال.

Rate _ of _ flow recorder

وسیله‌ای برای ثبت مقدار جریان (دبی) آب. عموماً با یک

فیلتر سریع شنی استفاده می‌گردد.

Raw sludge

- لجن خام.

- انتقال سریع لجن ته‌نشینی شده از حوض ته‌نشینی قبل از بوسیدگی مقداری از لجن که غالباً مربوط به لجن هضم نشده می‌باشد.

Raw Wastewater

- فاضلاب خام.

- فاضلاب قبل تصفیه.

Raw water

آب خام، آب قبل از انجام فرایندهای تصفیه.

Rbc / [Rotating biological contactor]

چرخه تماس بیولوژیکی - سیکل تماس بیولوژیکی.

Reaction rate

میزان پیشرفت واکنشهای شیمیایی.

Reactor

ظرف، مخزن یا محلی که واکنشهای شیمیایی یا بیولوژیکی در آن صورت می‌پذیرد.

Reaeration / (RE _ air _ A _ shun)

ایجاد هوا در میان دستگاههای هوادهی، در لایه‌های پائین تر یک استخر، بصورت حبابهای هوا.

Reagent / (Re _ A _ Agent)

- معرف، نمایانگر.

- یک ماده خالص شیمیایی که در ساخت محصولات جدید و یا آزمایشات دیگر مواد شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Recalcination / (re _ CAL _ si _ NAy _ shun)

فرایند بازیافت آهک، که بوسیله حرارت دادن در دمای ۹۸۰°C کرنات کلسیم لجن به آهک تبدیل می‌گردد.

Recarbonation / (re _ CaR _ bun _ NAy _ shun)

فرایندی که طی آن دی اکسیدکربن در آب بصورت حباب درآمده و موجب افزایش PH آب می‌گردد.

Receiver

- دریافتگر، گیرنده.

- ابزاری برای نشان دادن نتایج آزمایشات و اندازه‌گیریها، مانند یک فشارسنج.

Receiving water

- پذیرنده آب.

- رودخانه، دریاچه یا اقیانوسها و یا دیگر مکانهای مشابه که فاضلاب در آن تخلیه می‌گردد.

Recharge rate

مقدار آبی که به آبهای زیرزمینی می‌پیوندد و یا مقدار آبی که جایگزین مجدد آبهای زیرزمینی میشود.

Reciprocating pump

- پمپ یا تلمبه پیستونی و یا رفت و برگشتی نوعی از پمپ که دارای سیلندر بسته و یک پیستون میباشد. عملکرد آن بدینصورت است که مایع در داخل سیلندر کشیده می‌شود و از میان شیر ورودی، وارد گردیده و با فشار از شیر خروجی، خارج می‌گردد.

Recirculation

- جریان یا گردش مجدد.

- (در فاضلاب)، عمل فیلتراسیون (صاف کردن) مجدد همه یا قسمتی از گنداب در یک صافی نشتی که بمنظور حفظ شکل ظاهری فاضلاب صورت می‌پذیرد.

- برگشت گنداب در جریانهای داخلی یک تصفیه‌خانه.

Reclaimed wastewater

استفاده از فاضلاب برای منظوره‌های خاص که بعد از مقداری از تصفیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مانند: استفاده از فاضلاب برای احیای زمینهای کشاورزی و سبزی کاری.

Recorder

- ثبت، ثبت کننده.

- وسایل و ابزار ثبت مقادیر، کمیتها و جریانات آب و فاضلاب.

- شخصی که اطلاعات و داده‌ها را ثبت می‌نماید.

Recording gauge

ابزاری خودکار برای اندازه‌گیری و ثبت بعضی از کمیتها بصورت نموداری و ادامه‌دار.

Recording photographic

فیلمی از عکسهای بازرسی شبکه‌های فاضلاب که توسط دوربینهای نصب شده در مسیر شبکه و منهولهای فاضلاب بدست می‌آید.

Recording video

" See video log "

Recording written

" See television inspection log "

Rectangular weir

یک سد که دارای روزنه‌ها یا شکاف‌های مستطیل شکل می‌باشد.

Recycle

- بازیافت بعضی از جامدات زائد یا زباله‌ها.

- برگشت آب در یک سیستم بسته جهت استفاده‌های بیشتر.

Recycling

- فرایند تبدیل جامدات زائد یا زباله‌ها به مواد یا انرژیهای قابل استفاده.

- عملیات استفاده مجدد از آبی که از یکسری فرایندها یا لوله‌ها و ظروف عبور نموده است، برای بیش از یکمرتبه.

Reduce

عمل کاهش ظرفیت مثبت یونهای یک ماده.

Reductant

ترکیب اکسیژن با آب یا فاضلاب که جهت فرایند تثبیت و کاهش بو صورت می‌پذیرد.

Reduction

- کاهش ظرفیت الکترونهاى اضافی یک ماده شیمیایی.
- اضافه نمودن هیدروژن، حذف اکسیژن یا اضافه نمودن الکترون به یک عنصر یا ترکیب.

Reduction agent

- عامل کاهش.

- موادی مانند فلزات پایه، مثل آهن و یونهای سولفید که باعث کاهش ظرفیت الکترونها می‌گردند.

Reference

یک کمیت فیزیکی یا شیمیایی که ارزش کاملاً شناخته شده‌ای دارد و بنابراین در ابزارآلات سنجش استاندارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Reflux

- تقطیر.

- عمل تبدیل گاز به مایع در اثر خنک شدن بعد از حرارت.

Regeneration

(در مبادله یونی)؛ فرایند ذخیره‌سازی مجدد یک یون مبادله شده ماده، در حالت استعمال برای شناور سازی.

Regulator

- در فاضلاب، وسیله ایست جهت کنترل جریان و مقدار و یا تنظیم انحراف جریان فاضلاب.

Relative humidity

- مقدار مایع بخار شده در هوا، که بصورت درصد بیان میگردد.
- درصد واقعی فشار بخار آب، در فشار بخار اشباع.

Relief bypass

" See bypass and over Flow

Reliefline "**Relief line**

" See over flow reliefline "

Relief valve

- شیر هواگیری.
- شیری که هوای یک خط لوله را بطور خودکار و بدون هدررفتن آب، خارج می سازد.

Reliquefaction / (re _ LICK _ We _ FACK _ shun)

- تقطیر مجدد.
- بازگشت یک گاز به حالت مایع. مانند: تقطیر گاز کلر، تحت سرمایش و تبدیل آن به مایع کلر.

Repair / (re _ PAIR)

جایگزینی عنصری برجسته و بهتر به جای عنصر قبلی.

Replacement

- جایگزینی.
- نصب یک وسیله جدید یا کارکرده، بجای وسیله ای دیگر که بعلتهای گوناگون، نظیر: فرسودگی، خرابی و یا بمنظور بهبود و اصلاح، صورت می پذیرد.

Replacement cost

- ارزش و هزینه جایگزینی.
- ارزش واقعی یا تخمینی یک جنس مشابه با ویژگی و استفاده برابر و مطلوب.
- ارزش خاصیت جابجائی.

Representative Sample

- نمونه انتخابی.

Residual chlorine

- کلر باقی مانده.
- مقدار کلری که بعد از یک زمان ماند در حالت مخصوص کلرزنی، باقی می ماند.

Residue

- باقی مانده، تفاله.
- مواد جامد خشکی که بعد از تبخیر یک نمونه آب یا لجن، بجای می ماند.

Resistance

- مقاومت.
- مقاومتی که در طول مسیر جریان الکتریکی و یا در سیم حاوی الکتریسته با عبور جریان مخالفت می نماید.

Respiration

- تنفس، دم و بازدم.
- عمل جذب اکسیژن و تخلیه دی اکسیدکربن، در نتیجه اکسیداسیون بیولوژیکی.

Retention

- کاهش مقدار تخلیه، بر اثر رسوب و یا گرفتگی آشغال در مجرای خروجی تخلیه.
- مدت زمان آبیگری و ذخیره سازی مجدد آب یک چاه.

Retention time

محاسبهٔ زمان مورد نیاز برای جابجائی محتویات یک مخزن یا تخلیه دستگاهی با مقدار معین، (حجم، تقسیم بر مقدار تخلیه).

Returned sludge

برگشت لجن فعال ته‌نشین شده در مخلوط فاضلاب خام ورودی یا فاضلاب حوض ته‌نشین اولیه.

Reverse osmosis

استفاده از یک روش پیشرفته در تصفیه آب و فاضلاب که وابسته به اعضاء یا غشاء نیمه تراوا در جداسازی آب از ناخالصیها می‌باشد. یک نیروی خارجی که در جریان طبیعی عبوری برگشتی باعث انتقال آب از یک محلول غلیظتر به محلولی با غلظت کم‌تر می‌گردد.

Revolving screen

صفحات یا پره‌هایی که توسط فشار آب یا پرتاب آب بطور خودکار و با حرکتی مکانیکی می‌چرخد.

Reynolds' number

یک کمیت عددی که برای خصوصیات، نوع جریان در یک سازهٔ هیدرولیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. و آن برابر با نسبت نیروی اینرسی به نیروی چگالی می‌باشد.

Ridge _ and _ Furrow air diffusion

روشی برای انتشار هوا در مخزن یا حوضچهٔ هوادهی در فرایندهای لجن فعال. در جائیکه آجرهای منفذدار که بوسیله دندانۀاره در کف حوضچه ایجاد گردیده، قرار گرفته و هوا را منتشر می‌سازد.

Rip _ Rap

سنگهای شکسته یا تخته سنگهای روی هم قرار گرفته (به طور نامنظم) که بر روی سدها، آببندها و سیل‌بندها، برای محافظت از سطح زمین در برابر موجها و جریانات تعبیه می‌نمایند.

Riparian / (ri _ PAIR _ ee _ an)

آبهائی که با عنوان کنار دریاچه‌ای یا وابسته به ساحل رودخانه، بدست می‌آید.

Rising time

زمان لازم برای حذف کل مواد کلونیدی بوسیله شناورسازی مواد محلول.

Rodenticide / (row _ DENT _ uh _ sidé)

مواد یا مواد شیمیایی که برای کنترل و یا از بین بردن چوندگان، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Rod guide

یک لوله خمیده در میان منهول که با عبور نیروهای دورانی یا مته، جهت رفع گرفتگی منهول از آن بهره می‌برند.

Rod (sewer)

یک میله فلزی سبک بطول سه تا پنج فوت و دارای یک اتصال در انتها که از آن برای رفع گرفتگی شبکهٔ فاضلاب استفاده می‌نمایند.

Rodding

" See Pipe rodding "

Rodding Machine

ماشین یا دستگاهی که با ایجاد حرکتهای چرخشی و دورانی باعث باز شدن لوله‌های مسدود فاضلاب می‌گردد.

Rodding tools

لوازم و ابزار مخصوصی که به انتهای میله یا ماریپیچ متصل گردیده و جهت کارهای مختلفی از جمله رفع انسداد لوله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Roof Leader

- ناودانی.

- یک لوله تخلیه که جهت انتقال آبهای ناشی از بارندگی بر روی بام ساختمانها و یا موارد دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Root, sewer

بعضی از ریشه‌های گیاهان و درختان که وارد شبکه سیستم جمع‌آوری فاضلاب می‌گردد.

Root mop

موقعیکه ریشه گیاهان زنده وارد سیستم شبکه فاضلاب می‌گردد، اغلب به شکل یک درخت تنومند در می‌آیند.

Rota meter / (Rode _ uh _ ME _ ter)

ابزاری برای اندازه‌گیری مقدار جریان (دبی) گازها و مایعات.

Rotary distributor

- پخش کننده متحرک.

- یک پخش کننده متحرک که از دسته‌های افقی که تا لبه بستر نشی امتداد یافته، ساخته شده است و در حول یک دایره مرکزی می‌چرخد و مایع را از بالای بستر در میان سوراخ دسته پخش می‌کند.

Rotary dryer

- خشک کننده چرخشی.

- یک سیلندر فولادی بلند که به آرامی می‌چرخد و مواد درون آن با وجود هوای داغ خشک می‌گردد. مانند: خشک‌کن لباسشویی.

Rotary pump

تلمبه یا پمپهای چرخشی.

Rotary valve

- شیرهای چرخشی.

- شیرهایی که شبیه به فلکه‌های چرخشی عمل نموده و حول محور ۹۰ درجه باز و بسته می‌گردد.

Rotating biological contactor /

[RBC]

وسيله‌ای برای تصفیه درازمدت فاضلاب، دارای صفحه‌ای پلاستیکی که حول محور افقی می‌چرخد، این صفحه متناوباً در میان فاضلاب حرکت نموده و هوا باعث توسعه و رشد بیولوژیکی روی سطوح آن میگردد.

Rotor

- روتور.

- قسمت چرخشی و متحرک یک دستگاه یا ماشین.

Roughness coefficient

یک ضریب یا عدد برای استفاده در فرمول تعیین افت انرژی جریان آب در دیواره‌های یک کانال آب.

Roughness factor

" See roughness coefficient "

Runoff

آن بخش از بارندگی‌هایی که وارد سیستم شبکه فاضلاب و همچنین خاک نمی‌گردد.

S , s

Sacrificial Anode

- قرار دادن یک فلزی که به آسانی دچار زنگ زدگی می‌گردد (بصورت عمدی)، بر روی یک لوله یا مخزن فلزی، برای جلوگیری از پوسیدگی و زنگ زدگی لوله یا مخزن.

- حفاظت از پوسیدگی به روش آندیک.

Saddle

وسیله‌ای که از آن برای متصل نمودن لوله یا اتصالاتی به لوله اصلی، استفاده می‌گردد. و شامل گیره و موادی برای چسبندگی و درزبندی می‌باشد.

Safe drinking water act

دستورالعمل صادره توسط کنگره آمریکا در سال ۱۹۷۴ میلادی جهت امور ایمن‌سازی آبهای آشامیدنی برای مصرف‌کنندگان.

Safe water

- آبی بی‌خطر.

- آبی که فاقد باکتریهای زیان‌آور و مضر یا مواد شیمیایی و سمی باشد.

Safety valve

- شیر اطمینان.

- شیری که در هنگام ازدیاد فشار بیش از حد، بطور خودکار بازگردیده و مایع یا گاز را خارج می‌سازد.

Safe yield

- محدوده مجاز.

- مقدار آبی که بطور سالیانه میتوان از یک منبع تأمین آب بدست آورد، بدون آنکه آب منبع تمام‌گردیده و یا آسیبی به آن وارد آید.

Salinity

- نسبت غلظت نمکهای محلول، مانند: سدیم و کلرید در یک نمونه آب.

- اندازه‌گیری غلظت مواد معدنی محلول در آب.

Salmonella

باکتریهای هوازی میله‌ای شکل و جنینده که برای انسان و دیگر حیوانات خون‌گرم ایجاد بیماری می‌نمایند.

Sampler

- نمونه‌بردار.

- وسایلی است برای تأمین نمونه بمنظور اهداف تحلیلی آب و یا فاضلاب.

Sand equivalent

یکی از آزمایشات خاک‌شناسی بمنظور بررسی خاک‌هایی که در پرکردن حفره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Sand filter

- فیلتر شنی.

- عبور آب از میان یک بستر شنی که این عمل در کلیه تصفیه‌خانه‌های آب بطور مشترک صورت می‌پذیرد.

Sand trap

- ماسه‌گیر.

- وسیله‌ای است که در انتهای خروجی منهول فاضلاب قرار می‌گیرد و با انحراف مسیر جریان فاضلاب، موادی مانند: شن، ماسه و زباله‌ها را جدا می‌سازد.

Sanitary Collection system

- سیستم جمع‌آوری بهداشتی فاضلاب.

- سیستم لوله‌های شبکه جمع‌آوری و حمل فاضلابهای خانگی به تصفیه‌خانه فاضلاب.

Sanitary sewer

- شبکه بهداشتی فاضلاب.

لوله‌ها و مجاری جمع‌آوری و حمل فاضلابهای مناطق مسکونی، تجاری و صنعتی و آبهای حاصل از بارندگیها بصورت بهداشتی و حمل تا تصفیه‌خانه‌های فاضلاب.

Sanitary survey

برآورد و تخمین جزئیات و یا بازرسی منابع تأمین آب و هم وسایل انتقال، ذخیره، تصفیه و توزیع آب و جلوگیری از تماس منابع آلوده با آن.

Saprophytes / (SAP _ row _ Fights)

- لاشه خورها، گنده خورها.

- موجودات ریز زنده (ارگانیسمها) بر روی لاشه‌های موجودات ریز مرده و یا لاشه‌های موجودات آلی که بطور طبیعی به تجزیه مواد آلی در آب کمک می‌نمایند.

Saprophytic organisms / (SAP _ row _ Fit _ ick)

موجودات ریز زنده (ارگانیسمها) که از اجساد هم نوعان خود برای زندگی و رشد و تکثیر، استفاده نموده و مواد آلی را تجزیه می‌نمایند.

Saturated air

هوای اشباع شده از بخار آب.

Saturated liquid

- مایع اشباع.

- مایعی که در یک دمای معین قادر است، مواد حل شده را در خودش حفظ نماید.

Saturated Soil

- خاک اشباع.

- خاکی که قادر به جذب مایع بیشتری نمی‌باشد.

Saturation

حالت اشباع مواد از مایع یا آب.

Scade

ترکیب نمکهای معدنی در محیط باکتریایی، در داخل سیستم جمع‌آوری و لوله‌های فاضلاب.

Schedule, pipe

یک سیستم سایزبندی با اعداد دلخواه که مخصوص قطر داخلی و خارجی برای قطر لوله‌های مختلف می‌باشد.

Scooter

مجموع ابزار و وسایلی که برای تمیز نمودن شبکه و لوله‌های فاضلاب با بهره‌گیری از افزایش سرعت بالای آب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Scraper

- وسیله‌ای برای جداسازی مواد دانه‌دار، نظیر؛ ماسه، ریگ و خاک در اندازه‌های مختلف.
- وسیله‌ای دارای سوراخهای یکنواخت که مورد استفاده آن برای نگهداری و حذف محلول یا شناورسازی جامدات در جریان آب یا فاضلاب و پیشگیری از عبور جامدات به یک نقطه مشخص در یک مجرا می‌باشد.

Screen

- آشغالگیر.
- وسایلی برای جداسازی زیاله‌ها و جامدات شناور در آب و یا فاضلاب.
- وسایلی برای جداسازی مواد دانه‌دار، نظیر؛ شن، ریگ، سنگ در ابعاد مختلف.

Screen chamber

- محفظه جمع‌آوری آشغال.

- یک محفظه در جاییکه آشغالگیر نصب گردیده است.

Screening

فرایند جداسازی و حذف جامدات و زیاله‌های شناور و معلق در آب و فاضلاب جهت جلوگیری از گرفتگی لوله‌ها و آسیب به پمپها.

Screenings

- مواد حذف شده از مایعات بوسیله آشغالگیرها.
- خرده‌سنگهای همراه با گرد و غبار در اندازه‌هایی که از بین صفحات آشغالگیر عبور می‌نماید.

Screenings grinder

وسیله‌ای برای خرد کردن، ریز کردن و له کردن مواد حذف شده از فاضلاب که بوسیله آشغالگیرها انجام گردیده است.

Screw _ Feed Pump

- اسکروپمپ.

- پمپهایی بصورت افقی یا عمودی که دارای پره‌های بشقاب مانند بر روی محور پمپ می‌باشد.
- با حرکت‌های دورانی محور پمپ، فاضلاب توسط پره‌ها به جلو و یا بطرف بالا حمل می‌گردد.

Scrubbing

(در فاضلاب)، حذف جامدات محلول و گازهای نامطلوب.

Scum

- مواد غیرطبیعی یا بیرونی که بر روی سطح یک مایع بصورت لایه‌ای، می‌ایستد.
- باقیمانده رسوبات که در کف یک مخزن و یا کانال آب بجای می‌ماند.
- توده‌ای از مواد جامد که بر روی سطح مایع شناور می‌گردند.

Scum baffle

یک مانع در زیر سطح فاضلاب (بصورت عمودی) که از عبور مواد شناور در فاضلاب جلوگیری می‌نماید.

Scum breaker

وسیله‌ای که در مخازن هضم لجن، برای خرد کردن و متلاشی نمودن جامدات درون آن، نصب می‌نمایند.

Scum chamber

تعبیه محل یا محفظه‌ای در مخازن هضم لجن، برای جمع‌آوری مواد زائد و جامدات غوطه‌ور، در واحد هضم لجن.

Scum collector

- پاروب.

- یک وسیله مکانیکی برای پاروب نمودن و حذف مواد زائد غوطه‌ور، از روی سطح حوضچه‌های ته‌نشینی.

Scum removal

جداسازی و حذف روغنهای شناور بر روی فاضلاب، معمولاً در طول تصفیه فاضلاب.

Scum trough

مجرائی در حوض ته‌نشینی اولیه که با مسدود نمودن مسیر مواد زائد، آنها را به بیرون از حوض یا مخزن ته‌نشینی هدایت می‌نماید.

SDI / [Sludge density index]

اندیکس چگالی لجن.

Seal

" See pipe joint seal "

Sealing

" See chemical grouting "

Sealing water

آبی که جهت تمیز نمودن و جلوگیری از نفوذ و رسوب فاضلاب و دیگر مواد زائد، به قطعات متحرک وسایل مکانیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً فشار این آب بیشتر از فاضلاب می‌باشد.

Seasonal water table

سطح آبهای زیرزمینی که عمق و ارتفاعشان بصورت فصلی تغییر می‌نماید.

Secchi disc. / (SECK _ key)

ابزاری برای معین نمودن و ثبت ارتفاع و عمق آب.

Secondary effluent

- گنداب ثانویه.

- بخش مایع فاضلاب باقی مانده از تصفیه ثانویه که BOD₅ آن بیش از ۳۰ میلی‌گرم در لیتر نمی‌باشد. [متوسط در ۳۰ روز].

Secondary settling tank

- مخزن یا حوض ته‌نشینی ثانویه.

- این حوض در مرحله دوم تصفیه فاضلاب، مواد محلول ته‌نشین شده که بصورت ثقیل رسوب نموده‌اند را، جمع‌آوری می‌نماید.

Secondary treatment

- تصفیه ثانویه فاضلاب.

- عموماً شامل تصفیه بیولوژیکی، و فرایند لجن فعال اعم از جداسازی لجن و تغلیظ و هضم آن می‌باشد.

Second _ Stage BOD

آن مقدار از اکسیژن لازم، که با اکسیداسیون شیمیایی مواد نیتروژن دار فاضلاب در ارتباط می‌باشد.

Seed sludge

- کشت لجن.

- اشاره به توده‌ای از لجن که دارای جمعیتی از میکروارگانیسمها (موجودات ریز زنده) بوده و هنگامیکه با فاضلاب مخلوط میگردد، فرایند تصفیه بیولوژیکی فاضلاب سریعتر صورت می‌پذیرد.

Sediment

- مواد جامد (محلول) ته‌نشین شده در یک مایع.

- مواد جامد آلی یا معدنی منتقل شده از یک مکان اولیه بوسیله باد، آب یا یخ، که در زیر سطح دریا و یا روی سطح زمین می‌ماند.

- ته نشینی یک بخش جامد در خارج از یک بخش مایع.

Sedimentation

- رسوب، ته‌نشینی.

- فرایند رسوب و ته‌نشینی مواد محلول حمل شده بوسیله آب، فاضلاب و یا دیگر مایعات، بوسیله نیروی ثقل. که معمولاً بوسیله کاهش سرعت مایع این عمل صورت می‌پذیرد.

- فرایند جداسازی جامد از مایع بوسیله یک نیروی خارجی که معمولاً با استفاده از نیروی ثقل و استعمال منعقدکننده‌ها صورت می‌پذیرد.

Sedimentation tank

- مخزن ته‌نشینی.

- یک حوض یا مخزن در جاییکه آب یا فاضلاب حاوی جامدات قابل ته‌نشینی در آن نگهداری گردیده، تا بوسیله نیروی ثقل ته‌نشین شده و جمع‌آوری گردد.

Sediment Concentration

نسبت وزن رسوب در یک آب مخلوط ته‌نشینی، به وزن کل مخلوط. گاهی اوقات بصورت درصد حجم ته‌نشین به حجم مخلوط بیان می‌گردد. و بصورت [PPM] - پارت یا قسمت در میلیون] یا [میلی‌گرم در لیتر Milgr/L] بیان می‌گردد.

Seeding material

یک لجن خوب هضم شده یا خوب عمل‌آوری شده و در معرض پوسیدگی، که از آن برای کشت لجن در مخازن هضم لجن استفاده می‌نمایند.

Seismic / size _ mick

بیان شدت یک زلزله یا تکان شدید زمین مانند: یک انفجار.

Seize up

عملی همراه با تحمل فشار در یک موتور، هنگامیکه یک موتور بیش از اندازه گرم شده و نمی‌چرخد.

Seizing

این حالت هنگامی رخ می‌دهد که دمای یک موتور بیش از اندازه بالا رفته و دیگر نمی‌چرخد.

Select backfill

موادی که در پر کردن حفره‌های حفاری شده، استفاده می‌گردد و یا خواص مواد در زمینه فشردن در حفره‌ها و غیره.

Self _ cleansing velocity

حداقل سرعت مورد نیاز برای عدم رسوب جامدات در شبکه فاضلاب. که این سرعت از رسوب و گرفتگی جامدات، که باعث فاسد شدن و ایجاد بوهای نامطبوع می‌شود، جلوگیری می‌نمایند.

Sensor

- حس گر.

- ابزاری که حالات فیزیکی یا متغیر را اندازه‌گیری کرده و یا حس می‌نماید.

Separate sewer system

یک سیستم شبکه فاضلاب، بصورت بهداشتی که فاضلابها و آبهای همراه با مواد زائد را از مناطق مسکونی، تجاری، صنعتی و دیگر مؤسسات و مقادیر کم آب بر روی زمین و همچنین نهرها را که بصورت غیرعمد، اجازه ورود به این شبکه را می‌گیرد، حمل می‌نماید.

Septage

لجن تولید شده در قسمت جداگانه‌ای بجز سیستم جمع‌آوری فاضلاب. مانند: مخزن سپتیک (سپتیک تانک).

Septic / SEP _ tick

حالتی که بوسیله باکتریهای بی‌هوازی ایجاد گردیده و در آن حالت در فاضلاب تولید سولفید هیدروژن صورت پذیرفته که با بوی نامطبوعی نیز همراه است.

Septicity

یک حالت یا روش تولید، بوسیله باکتریهای بی‌هوازی.

Septic tank

- مخزن سپتیک.

- مخزنی برای تصفیه فاضلاب، در جاهائیکه سیستم جمع‌آوری و تصفیه خانه فاضلاب در دسترس نمی‌باشد. لجن فاضلاب در این مخزن ته‌نشین گردیده و گنداب فاضلاب دفع می‌گردد. جامدات و لجن فاضلاب در این روش بوسیله باکتریهای بی‌هوازی تجزیه و پوسیده می‌شوند.

Septic wastewater

- فاضلابی تحت شرایط بی‌هوازی.

- فاضلابی تحت پوسیدگی ناشی از باکتریهای بی‌هوازی.

Sequestration / (SEE _ kwes _ TRAy _ shun)

ترکیب یک ماده شیمیایی با کاتیونهای فلزی، مانند: آهن با ترکیبات غیرآلی مهم، مانند: فسفات.

Series operation

- تصفیه متوالی آب یا فاضلاب.

- موقعیکه فاضلاب تصفیه گردید، بلافاصله وارد دیگر واحد تصفیه گردد.

Service

سرویسها، عبارتند از؛ وسایل توزیع آب یا وسایلی که در فضاهای بهداشتی ساختمان بکار می‌روند. مانند: شیر، دوش، آبریزو...

Service Charge

نسبت یا درصد بازده یا راندمان یک سرویس.

Servic Connection**" See building sewer "****Servic pipe**

خط لوله کشیده شده از لوله اصلی آب به لوله یا انشعاب یک ساختمان یا انشعاب مصرف کننده.

Set point

- تنظیم.

- یک حالت تنظیم کنترل کننده‌ها در نقطه مورد نظر.

Settleability

- قابلیت ته‌نشینی.

- تمایل جامدات محلول به ته‌نشین شدن.

- یک آزمایش استاندارد برای مخلوط آبکی و لجن برگشتی، که با دارا بودن حجم و زمان ته‌نشینی، این آزمایش امکانپذیر میباشد.

Settleability test

- آزمایش قدرت و قابلیت ته‌نشینی.

- یک تعیین قدرت ته‌نشینی جامدات در محلول، بوسیله اندازه‌گیری حجم جامدات ته‌نشین شده خروجی در یک حجم اندازه‌گیری شده.

این آزمایش در یک زمان مخصوص و معمولاً با میلی‌لیتر در لیتر گزارش میگردد. ml/L.

Settleable solids

- جامدات قابل ته‌نشین شدن.

- آن ماده‌ای در فاضلاب که در طول زمان ته‌نشینی در محلول نخواهد ماند. نظیر، مواد ته‌نشین شده در کف مخزن در یک ساعت.

- جامدات محلولی که بوسیله رسوب‌سازی حذف می‌گردند.

Settling

- ته‌نشینی - رسوب.
- فرایند ته‌نشینی و رسوب مواد محلولی که بوسیله آب یا فاضلاب منتقل یا حمل می‌گردند. که معمولاً بواسطه کاهش سرعت محلول این فرایند امکانپذیر می‌باشد.

Settling basin

- مخزن یا حوض ته‌نشینی.
- یک استخر یا حوضی که جامدات قابل ته‌نشینی موجود در آب یا فاضلاب، تحت نیروی ثقل در آن رسوب یا ته‌نشین می‌گردند.

Settling time

- زمان ته‌نشینی.
- زمان مورد نیاز برای حذف مواد محلول یا کلوئیدی که بوسیله نیروی ثقل ته‌نشین گردیده‌اند.

Settling velocity

- سرعت ته‌نشینی.
- سرعت در جاییکه رسوب و ته‌نشینی مواد محلول قابل ته‌نشینی در آب و یا فاضلاب، اتفاق خواهد افتاد.

Sewage

- فاضلاب، گنداب.
- پساب مصرفی یا آب همراه جامدات زائد که توسط شبکه جمع‌آوری فاضلاب، راهی تصفیه‌خانه‌های فاضلاب می‌گردند.

Sewer

- شبکه.
- لوله یا آبراهی که فاضلاب بوسیله آن حمل می‌گردند.

Sewer ball

- یک توپ پلاستیکی نیمه سخت با قابلیت شناوری در شیر مارپیچ که در تمیز نمودن هیدرولیکی شبکه فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Sewer cleanout

- یک درپوش بازشو که جهت تمیز نمودن لوله‌های فاضلاب یا منهول مورد استفاده قرار می‌گیرد. درپوش را درون لوله یا منهول گذاشته که بعد از جمع شدن مقدار زیادی آب آنرا رها می‌سازند.

Sewer gas

- گاز حاصل از پوسیدگی و تجزیه مواد آلی موجود در سیستم جمع‌آوری فاضلاب.

Sewer jack

- وسایلی که در منهول فاضلاب قرار می‌دهند و از آن برای نصب و نگهداری سیم‌ها و کابل‌های عبوری از منهول استفاده می‌نمایند.

Sewer main

- لوله‌های فاضلاب اصلی.
- لوله فاضلابی که متصل به چندین ساختمان مجاور می‌باشد.

Sewer system

" See collection system "

Sewerage

- شبکه فاضلاب.
- مجموعه لوله‌ها و متعلقات: جمع‌آوری، انتقال و تصفیه فاضلاب، از مبدأ تا تخلیه.

Sheave / SHE _ V

یک تسمه کششی ساخته شده از آهن یا فولاد.

Sheeting

اجسامی مانند الوار چوبی یا ورق فلزی که برای جلوگیری از ریزش حفره‌ها و یا آوار استفاده می‌گردد.

Sheet flow

جریان مایعات رقیق.

Shield

- حفاظ، حافظ.

- وسیله‌ای حفاظتی برای کارگران در مقابل منابع الکتریکی، مکانیکی یا انرژی گرمایی.

Shim

ورقه فلزی بسیار نازک که بین دو سطح و برای جلوگیری از تماس دو جسم بطور مستقیم قرار می‌دهند.

Shock load

آب خام ورودی به تصفیه‌خانه آب، شامل جلبکها، مواد کلونیدی، جامدات محلول و دیگر آلودگیها.

Shoring

قطعاتی مانند: تخته الوار و یا ورق فلزی، برای جلوگیری از ریزش آوار و محافظت از کارگران در مورد ریزش خاکها و آوار.

Short circuiting

یک حالتی که در حوضها یا مخازن ته‌نشینی اتفاق می‌افتد و آن عبور آب با سرعت و بیشتر از حد استاندارد، برای ماندن و ته‌نشینی می‌باشد. که در این حالت بخاطر عدم زمان ماند کافی، جامدات محلول قابل ته‌نشینی در حوض، بطور مطلوب رسوب نمی‌نمایند.

Side Contraction

انقباض یا کاهش عرضی یا پهنای بدنه آب پشت یک سد، که بواسطه عبور یا پرتاب آب از بالای دیواره‌های سد اتفاق می‌افتد.

Side water depth

اندازه‌گیری عمق آب بوسیله طول یک جداره یا دیواره بیرونی یا خارجی، مانند یک میله مدرج.

Silting

نفوذ گل و لای از طریق نشت آب، بداخل سیستم جمع‌آوری فاضلاب: جریان آبهای روان بر روی سطح زمین و نفوذ آب در زمین، باعث نفوذ گل و لای و ماسه درون شبکه فاضلاب می‌گردد.

Simple electrolyte

- الکترولیت ساده.

- بعضی از ترکیبات، مانند: منعقدکننده‌ها، که به شکل یون در محلول می‌باشد.

Simulate

واکنش مجدد در بعضی از فرایندها، معمولاً در مقیاس کوچکتر.

Single _ action pump

- پمپ یک زمانه یا تلمبه یک زمانه.
- یک پمپ پیستونی، در حالتیکه مایع از یک طرف پیستون وارد گردیده و بتدریج از طرف دیگر تخلیه می‌گردد.

Single _ stage digestion

- مرحله اول هضم لجن.
- لجنهای کم هضم شده، برای هضم بیشتر در یک مخزن هضم نگهداری می‌گردد.

Single _ suction impller

یک تلمبه یا پمپ با یک لوله مکش ورودی.

Sink**" See Dip "****Siphon**

- سیفون.

- لوله یا مجرانی که آب یا دیگر مایعات از روی سطح هیدرولیکی آن عبور نموده و بعد تحت وضعیت خلاء ادامه می‌یابد.

Siphonage

- سیفوناژ.

- حالتی که سیفون بنا به دلایلی از حالت طبیعی خود خارج می‌گردد، (یعنی آب درون قسمت شتر گلوی سیفون، تخلیه می‌گردد).

در این حالت بوهای نامطبوع و حشرات موذی از شبکه فاضلاب، وارد محیط سرویس و یا ساختمان می‌گردند.

Skimming

- فرایند جمع‌آوری روغن‌ها، چربیها و یا مواد زائد شناور بر روی فاضلاب، درون یک حوض یا مخزن.

- عمل منحرف نمودن آب از یک نهر یا کانال.

Skimmings

چربیها، جامدات، مایعات و دیگر مواد زائد گرفته شده از آب و فاضلاب درون حوض ته‌نشینی.

Slake

- آبدیده شدن، مانند: مخلوط آب با آهک، مخلوط شدن آب یا یک ترکیب حقیقی و واقعی.

Sleeve

- اتصال دو لوله هم قطر، در یک راستا.

- لوازمی برای حفظ یک محور در بلبرینگ.

Slimes

- توده‌ای از مواد جامد زائد و خار و خاشاک که بر روی صافیهای (فیلترها) شنی یا نشتی نقش می‌بندد. این توده به تدریج حذف می‌گردند.

- پوششی یا لایه‌ای از مواد آلی طبیعی بر روی بعضی از چیزها.

Slope

- شیب، سرازیری (که بصورت درجه یا خط افق بیان می‌گردد).

- در لوله کشی شیب لوله‌های آب و فاضلاب معمولاً با اینچ در فوت طول لوله بیان می‌گردد.

Sloughing

حذف جامدات زائد و خار و خاشاکهائی که بر روی سطح صافیها (فیلترها) نشتی یا شنی نقش بسته‌اند.

Slow Sand Filter

عبور یا جریان آب خام (آب تصفیه نشده) بطرف صافیهای (فیلترها) شنی بمنظور، تصفیه و صاف شدن آب. این صافیها معمولاً حاوی لایه‌ای از ماسه در حدود ۲۴ تا ۴۰ اینچ ضخامت می‌باشند. آب به آهستگی از لایه‌های صافی عبور می‌نماید.

Sludge / SLAJ

- لجن.

- جامدات جداگرفته از آب یا فاضلاب در طول فرایندهای تصفیه.

- رسوبات آلی در کف نهرها یا دیگر بدنه‌های آب.

- مواد حذف شده، در اثر؛ تصفیه شیمیایی، منعقدکننده‌ها، رسوب سازها، شناورسازها و اکسیداسیون بیولوژیکی آب و فاضلاب.

- بعضی از مواد جامد که شامل مقدار زیادی آب بوده و در

طول تصفیه آب و فاضلاب بدست می‌آید.

Sludge blanket

جمع‌آوری لجن حاصل از محلول در محدوده یک سیستم محصور آب یا فاضلاب.

Sludge boil

عبور لوله‌های آبگرم حاصل از گازهای مربوط به پوسیدگی و تجزیه لجن، در داخل مخازن هضم لجن، که موجب هضم سریعتر و بهتر لجن می‌گردد.

Sludge bulking

پدیده‌ای که در بخش تصفیه لجن فعال روی میدهد، و آن اشغال حجم بیش از حد لجن و عدم تمایل به ته‌نشینی آنست.

Sludge cake

- توده لجن.
- توده‌ای از جامدات فاضلاب که به شکل تقریباً نیمه‌جامد و آبگیری شده می‌باشد.

Sludge Circulation

- هم زدن لجن.
- چرخش لجن در مخازن هضم لجن بوسیله وسایل مکانیکی یا استفاده از گاز یا دیگر وسایل بمنظور هضم بهتر و سریعتر.

Sludge collector

- جمع‌آوری کننده لجن.
- یک وسیله مکانیکی که لجن ته‌نشین شده کف حوضهای ته‌نشینی را کشیده و جمع‌آوری می‌نماید.

Sludge compartment

- بخش لجن.
- یک بخش جداگانه برای فرایندهای تغلیظ و هضم لجن که از فرایندهای ته‌نشینی و دیگر قسمت‌های تصفیه فاضلاب مجزا می‌باشد.

Sludge Concentration

- تغلیظ لجن.
- فرایندهای کاهش آب لجن.

Sludge Conditioning

- ساخت لجن.
- تصفیه لجن مایع قبل از آبگیری و خشک نمودن آن.

Sludge density index / SDI

- اندیکس چگالی لجن.
- یک اندازه‌گیری تراکم و غلظت لجن و اندیکسی از لجن با غلظتهای متفاوت.

Sludge dewatering

- آبگیری لجن.
- فرایند کاهش بخشی از آب لجن بوسیله روشهایی مانند؛ خشک کردن، تبخیر، فشردن، فیلتر خلاء، گریز از مرکز، عبور از میان غلطک، اسید شناور یا با گرما و یا بدون گرما.

Sludge dryer

- لجن خشک کن.
- وسیله‌ای برای حذف درصد زیادی از رطوبت لجن.

Sludge drying

- خشک کردن لجن.
- فرایند خشک نمودن لجن یا کاهش درصد زیادی از رطوبت لجن بوسیله تبخیر یا دیگر روشها.

Sludge excess

- لجن مازاد.
- شامل لجن تولیدی در تصفیه‌خانه بوده که به دلیل زیاد بودن حجم آن و عدم بکارگیری کل آن در حوضهای هوادهی، از سیکل و مدار لجن فعال خارج می‌نمایند.

Sludge Foaming

- کف کردن لجن.

- افزایش گاز حاصل از لجن در مخزن هضم باعث ایجاد کف و توده‌هایی از لجن نموده که با افزایش مقدار لجن در مخزن، این کفها بطرف رأس مخزن شروع به بالا رفتن می‌نماید.

Sludge _ gas holder

مخزنی برای جمع‌آوری و نگهداری گاز حاصل از لجن در مخازن هضم، که از گاز حاصله بعنوان سوخت برای گرمایش مخازن هضم استفاده می‌نمایند.

Sludge _ gas utilization

- استعمال گاز لجن.

- استفاده بهینه از گاز حاصل از هضم بی‌هوازی لجن. نظیر؛ گرم‌کردن لجن، مخلوط‌کردن لجن، خشک نمودن لجن، گرمایش ساختمان، سوزاندن و یا سوخت موتورها.

Sludge Pressing

فرایند آبیگری لجن توسط فشردن آن، که طی این فرایند، آب لجن خارج گردیده، و جامدات آن باقی می‌ماند.

Sludge reaeration

- هوادهی مجدد لجن.

- ادامه هوادهی لجن بعد از هوادهی نخستین، که بمنظور اصلاح و بهینه‌سازی لجن فعال، صورت می‌پذیرد.

Sludge reduction

- کاهش لجن.

- کاهش حجم و تغییر خواص لجن، مانند: تغلیظ لجن.

Sludge seeding

- تلقیح لجن.

- تلقیح لجنهای حاصل از تصفیه بیولوژیکی فاضلاب، در فرایند تهیه لجن فعال، که این عمل باعث ایجاد سرعت بیشتری در تهیه لجن موردنظر میگردد.

Sludge solids

جامدات محلول در لجن.

Sludge thickener

یک مخزن یا دیگر تجهیزاتی که برای تغلیظ لجن طراحی می‌گردد.

Sludge thickening

- تغلیظ لجن.

- فرایند افزایش جامدات لجن در یک رسوب سازی یا مخزن هضم.

Sludge utilization

- استعمال لجن.

- استفاده از لجن بعنوان کود و غذای دام و غیره.

Sludge volume Index / SVI

- اندیکس حجم لجن.

- نسبت حجم لجن ته‌نشین شده (میلی لیتر) از حجم

۱۰۰۰ میلی لیتر لجن نمونه در زمان ۳۰ دقیقه به مخلوط

آبکی غلیظ (میلی گرم در لیتر) $\times 1000$

$$SVI = \frac{ml \times 1000}{\text{لجن ته‌نشینی خالص}}$$

mg . جامدات خشک لجن

$$= \frac{1000 \% \text{ جامدات قابل ته‌نشینی}}{\text{mg/L . جامدات محلول در مخلوط آبکی}}$$

Slugs

تخلیه مواد زائد صنعتی.

Slurry / SLUR_e

یک گل و لای آبکی یا مواد شبیه به ملات یا دوغاب آهک.

Smoke test

آزمایشی در شبکه فاضلاب به روش دمیدن دود در لوله‌های فاضلاب از منبع تا سطح جریانهای داخلی.

Snake

سیم خشک و محکمی اما قابل انعطاف، که برای رفع گرفتگی لوله‌های فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Soap cake or soap build up

لایه یا ترکیبی از مواد شوینده و چربیهای موجود در شبکه فاضلاب.

Soda ash

یک نام مشترک تجاری برای کربنات سدیم. (Na_2CO_3)

Sodium adsorption ratio / SAR

- درصد جذب سدیم.

- نسبت عملی تبادل یونهای سدیم در واکنش با خاک.

$$SAR = \frac{Na}{[Ca + mg]^{1/2}}$$

Sodium carbonate (Na_2CO_3)

کربنات سدیم، نمکی که در تصفیه آب مورد استفاده قرار می‌گیرد. و از آن برای افزایش PH آب یا آلکالینیتی آب استفاده می‌نمایند.

Sodium hydro sulfite ($Na_2S_2O_4$)

- هیدروسولفیت سدیم.

- نمکی است که از آن برای کاهش باقیمانده کلر در کلرزنی مایعات استفاده می‌نمایند.

Sodium hydroxide (NaOH)

- هیدرواکسید سدیم.

- یک سود سوزآور قوی که در فرایندهای تصفیه جهت خنثی سازی حالت اسیدی و افزایش آلکالینیتی آب و PH آب از آن بهره می‌گیرند.

Sodium hypochlorite

- هیپوکلرید سدیم.

- محلول آبکی هیدرواکسید سدیم و کلر در موقعیکه هیپوکلرید سدیم، یک عنصر اصلی محسوب می‌گردد.

Soft water

- آب نرم.

- آبهایی که از مقدار تجمع یونهای کلسیم و منیزیم کمتری بهره‌مند هستند. و یا آبهایی که سختی کمتری دارند.

Software Programs

برنامه‌ای کامپیوتری شامل فهرستی از آموزشها و انجام تکالیف معین.

Soil absorption capacity

ظرفیت، قابلیت و توانائی جذب آب توسط خاک و جامدات.

Soil absorption test

آزمایشی برای تعیین جذب آب توسط یک واحد سطح ماده‌ای.

Soil displacement

جابجائی خاک از نقطه‌ای به نقطه دیگر. که عموماً در فاضلاب از طریق نفوذ آب و خاک به شبکه فاضلاب صورت می‌پذیرد.

Soil horizon

- یک برش یا سطح مقطع نمای خاک، بیشتر مانند: دیواره‌های چاه.
- بررسی خواص و مورد استفاده خاک در ساخت و ساز و تولید.

Soil infiltration rate

حداکثر مقدار آبی که خاک در یک حالت و زمان معین، قادر به جذب آن می‌باشد.

Soil Pipe

- یک نمونه از لوله‌ها، اتصالات و سرویسهای فاضلاب که از چدن معمولی ساخته شده‌اند.
- (در لوله‌کشی فاضلاب)، لوله‌ای که فاضلاب توالی یا دستشویی‌ها را حمل می‌نماید.

Soil pollution

نشست فاضلاب خام در خاک یا سطح زمین در اطراف شبکه لوله‌های فاضلاب.

Soil porosity

آن درصد از حجم خاک، که توسط ذرات آب و یا هوا، پر می‌گردند. که بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌گردند:

$$100 \times \frac{\text{وزن حجمی خاک} - 1}{\text{وزن مخصوص خاک}} = \text{فضای پر شده توسط آب و هوا}$$

Soil stabilization

- تثبیت خاک.
- تزریق ملات شیمیایی، بصورت اشباع در خاک. از این عمل برای درزگیری، استفاده می‌نمایند.

Solenoid / so _ lu _ noid

- مغناطیسی - یک وسیله مغناطیسی برای فرمان امور مکانیکی.
مانند: شیر مغناطیسی.

Solids disposal

- زباله‌های جامد.
- فرایندی برای زباله‌های نهائی جامد فاضلاب و لجن، بوسیله سوزاندن یا دفن نمودن و یا غیره.

Solids retention time / SRT

زمان متوسط نگهداری یا ماند جامدات محلول در یک فرایند لجن فعال.

Soluble BOD

BoD محلول - **BoD** آبی که در آزمایش استاندارد جامدات معلق، تصفیه گردیده.

Solute

ماده حل شده در محلول. این محلول از حلال و ماده حل شده، ساخته شده است.

Solution

- حلال.
- مایعی مخلوط که مواد درون آن حل می‌گردند.

Sounding rod

ابزاری شبیه به یک اهرم یا محور که از آن برای قراردادن لوله‌ها در زمین و یا زیر خاک بهره می‌برند.

Sounding tube

یک لوله‌ای که از آن برای سنجش عمق و ارتفاع آب، استفاده می‌نمایند.

Span

مقیاس و دامنه‌ای برای مقادیر یک ابزار اندازه‌گیری.

Sparger

تعبیه وسیله‌ای برای انتشار هوا در مایع، که بصورت ایجاد حبابهائی مخصوص و بزرگ بوسیله تجهیزات مکانیکی صورت می‌پذیرد.

Species

نوع، گونه و اعضاء.

Specific conductance

یک روش سریع، برای تخمین و برآورد محتوای جامدات محلول در آب مصرفی. این اندازه‌گیری توسط ظرفیت یک نمونه آب، در عبور جریان الکتریکی، انجام می‌پذیرد.

Specific gravity

- وزن مخصوص.

- نسبت وزن یک ماده یا محلول شیمیایی به وزن یک آب هم حجم.

- نسبت وزن یک مقدار گاز به وزن هوای هم حجم، در همان دما.

Specific speed

- سرعت مخصوص.

- یک سرعت تحول یا دگرگونی که مثلاً با واحدی مانند: (RPM) دور در دقیقه بیان می‌گردد.

Specific yield

مقدار آبی که توسط یک واحد حجم سنگ یا خاک تراوا (نشت‌پذیر)، در حالت اشباع، بوسیله نیروی ثقل از خود عبور میدهد. این بازده مخصوص بصورت درصدی بیان می‌گردد.

Spherulitic / SFER _ you _ LIT _ tick

- کریستالهائی به شکل توپ.

- ذرات موادی که گرد شده‌اند.

Spiral _ air Flow diffusion

- انتشار هوا بصورت مارپیچ یا حلزونی.

- یک روش انتشار هوا در استخر یا مخازن هوادهی فرایند لجن، بصورت مارپیچی.

Splash pad

سازه‌هایی ساخته شده از بتون یا دیگر مواد پایدار، که از فرسایش خاک، بوسیله نفوذ و نشت آب، ممانعت بعمل می‌آورد.

Splitter box

- جعبه تقسیم.

- یک جعبه تقسیم، شامل جداسازی، جریان داخلی، به دو یا چند جریان دیگر.

- وسیله‌ای برای جداسازی، راستای جریان تخلیه، از محفظه اصلی به نقاط دیگر.

Spoil

مواد حاصل از حفاری و لایروبی مانند: خاک از یک چاه یا فاضلاب.

Spore

تولید مجدد یک ارگانیسم (موجود زنده)، بصورت مستقیم یا غیرمستقیم.

Spray aerator

- هواده پاشنده.

- یک دستگاه هوادهی شامل: پخش کننده‌ها یا سوپاپهائی که هوا را با فشار در مایع منتشر می‌سازد.

Spray irrigation

روشی برای تصفیه زمینی جامدات زائد یا زباله‌های آلی فاضلاب بوسیله پاشش این مواد با استفاده از نازلها یا سوپاپهائی پاششی.

Springline

یک مرکز فرضی در خطوط لوله که برای تعویض لوله‌های شکسته و خراب از آن کمک می‌گیرند.

SRT / Solids retention time

زمان ماند یا نگهداشت جامدات.

Stabilize

- تثبیت.

- تثبیت مواد آلی بوسیله باکتریها.

Stabilized waste

- فاضلاب تثبیت شده.

- فاضلابی که بعلت تجزیه شدن، دارای بوهای شدید و نامطلوب نمیشاند.

Stabilization pond

- برکه تثبیت.

- برکه یا استخر تثبیت مواد آلی که از طریق اکسیژن هوای آزاد و طبیعی، تصفیه بیولوژیکی صورت می‌پذیرد.

Stage digestion

- هضم لجن.

- استفاده از دو یا چند مخزن متوالی برای بهبود کیفیت هضم لجن، به این ترتیب که مخزن اولیه برای مخلوط کردن و مخزن دوم جهت هضم لجن تعبیه میگردد.

Stage treatment

- استفاده از فرایندهای تصفیه مشابه، بصورت متوالی.

- مراحل فرایند لجن فعال، شامل: مرحله شفاف سازی، مرحله بیولوژیکی یا دو یا چند مرحله بیولوژیکی.

- یک عملکرد در هضم بی‌هوای لجن، موقعیکه لجن کاملاً در مخزن اول مخلوط گردید، جداسازی جامدات از مایعات آبکی به مخزن دوم منتقل می‌گردد.

Stage trickling Filter

عبور فاضلاب از میان فیلترهای نشئی متوالی.

Stale wastewater

فاضلابی شامل مقدار خیلی کمی اکسیژن آزاد یا بدون اکسیژن.

Standard

کمیت فیزیکی یا شیمیایی که بطور دقیق شناخته شده باشد و از آن بعنوان معیاری برای سنجش و تطابق با موارد مشابه بهره می‌برند.

Standard methods

روشهای استاندارد برای آزمایشات آب و فاضلاب.

Standard solution

- محلول استاندارد.

- محلولی شناخته شده و دارای غلظتهای صحیح.

Standard Pressure

- فشار استاندارد.

- فشار اتمسفر در سطح دریا.

Standardize

- مقایسه با استاندارد.

- مطابقت با معیارهای مورد تأیید.

Stasis / stay _ sis

- سکون.

- رکود یا غیرفعال کردن عملیات زندگی ارگانیسرها.

Static head

- ارتفاع استاتیکی.

- (در حالت سکون آب)، ارتفاع یک نقطه تا سطح آب را ارتفاع استاتیکی می‌نامند.

Static level

- ارتفاع سطح آب یا فشار سطح آب زیرزمینی، موقعیکه تحت تأثیر هیچگونه فشار خارجی مانند: پمپ و دیگر وسایل نباشد.

- ارتفاع سطح در رأس یک ستون آب که بطور طبیعی بالا خواهد آمد. مانند: چاه آرتزین.

Static pressure

- فشار استاتیکی.

- (در هنگامیکه آب در حالت سکون می باشد)، فاصله سطح آب را کد تا نقطه معین را ارتفاع استاتیکی گویند. (بر حسب فوت FT). و فشار استاتیکی، عبارتست از: $\frac{\text{Psi}}{\text{FT}} \times 0/433$

ارتفاع استاتیکی $\times 0/433 \times \frac{\text{Psi}}{\text{FT}}$

Static suction head

- ارتفاع استاتیکی مکش.

- فاصله عمودی از مخزن آب، موقعیکه سطح بالاتر از پمپ در مرکز لوله پمپ باشد.

Static suction lift

فاصله عمودی بین مرکز مکش پمپ و ارتفاع آزاد مایع است. در این حالت، پمپ شامل افت اصطکاک در لوله های مکش نمی گردد. ارتفاع مکش استاتیکی شامل بالابردن و افت اصطکاک میگردد.

Static water depth

- ارتفاع استاتیکی آب.

- فاصله عمودی مرکز لوله تخلیه یک پمپ تا سطح آزاد آبگیر یا حوضچه محل تخلیه آب است.

Static water level

- ارتفاع تا سطح آب یک چاه، (در موقع خاموش بودن پمپ).

- ارتفاع، در موقعیکه آب در لوله ای که تحت فشار است، بالا می آید.

Station

- ایستگاه.

- یک نقطه عطف یا موقعیتی در خطوط لوله میباشد. برای مثال: سرویس ساختمانی که تا منهول ۵۰ فوت فاصله دارد را، ایستگاه ۵۰ می نامند.

Station lift

" See Lift station "

Stator

- استاتور.

- قسمت بدون حرکت یک دستگاه یا ماشین که بخشهای گردنده را (روتور) احاطه نموده است.

Steady flow

- جریان ثابت.

- یک جریان، موقعیکه مقدار آب در حال عبور در یک نقطه معین، در واحد زمان ثابت خواهد ماند.

- جریان، موقعیکه سرعت آن ثابت باشد.

Steady non uniform flow

- جریان، موقعیکه آب در حال عبور در واحد زمان در هر نقطه در طول لوله ثابت باشد، اما سرعت بخاطر خواص هیدرولیکی در طول لوله تغییر می نماید.

Step aeration

روش برای افزایش طول خط جریان ته‌نشینی فاضلاب در مخازن هوادهی یک تصفیه‌خانه لجن فعال.

Step _ feed aeration

- مرحله هوادهی مغذی.

- یک تعدیل متداول فرایند لجن فعال بوده، و عبارتست از اضافه نمودن لجن فعال و هوا بعنوان مواد غذایی میکروارگانیسمها در مخازن هوادهی. فاضلاب در این مرحله پس از طی مسیر نسبتاً طولانی، مقداری اصلاح گردیده و به مرحله بعد جریان می‌یابد.

Sterilization / STARE _ uh _ tuh _ ZAy _

shun

- استریلیزه کردن.

- حذف تمام میکروارگانیسمهای (موجودات ریز زنده) موجود شامل بیماری‌زا یا دیگر باکتریها.

Stethoscope

- صداگیر.

- ابزاری برای جذب صدا و انتقال آن در هوا.

Stilling well

اتصال جریان اصلی به چاه فاضلاب بوسیله یک لوله با قطر کم.

Stop log

وسيله یا جبهه‌ای برای کنترل سطح آب در حوضها و استخرها.

Stoppage

- گرفتگی، انسداد.

- قطع جزئی یا کلی جریان فاضلاب که در نتیجه انسداد

بوسیله مواد موجود در فاضلاب می‌باشد.

- برگشت فاضلاب به دلیل انسداد مسیر جریان فاضلاب.

Storm Colletion system

- شبکه جمع آوری آبهای سطحی.

- یک سیستم جمع‌آوری، شامل: ناودانها، نهرها و یک لوله که ممکن است آب جویها را به آن هدایت نماید. این سیستم بجز شبکه جمع‌آوری فاضلابهای خانگی و صنعتی می‌باشد.

Storm runoff

مقدار آب یا بارندگی که در مدت زمانی کوتاه به نقطه‌ای قابل اندازه‌گیری برسد.

Storm sewer

یک لوله جداکننده یا کانال روباز که پساب را از سطح خیابانها و جویها حمل می‌نماید. این شبکه شامل فاضلابهای خانگی و صنعتی نمی‌باشند.

Storm water

- آبهای سطحی.

- آبهای اضافی که فوراً پس از بارندگی در سطح جویها جاری می‌گردند.

Storm water inlet

- ورودی آبهای سطحی.

- وسیله‌ای است که به آبهای سطحی اجازه ورود به شبکه جمع‌آوری را می‌دهد.

Stretch

فاصله جریان فاضلاب بین دو منهول متوالی. یا از یک منهول تا منهول دیگر.

Stratification / STRAT _ uh _ Fuh _ KAy _

shun

دسته‌بندی یا جداسازی یک رودخانه یا چشمه از لحاظ (دمائی، گیاهان، زندگی حیوانات).

Stringers

الوار ناهمواری که برای جلوگیری از ریزش خاک و آوار بصورت افقی و عمودی از آن بهره می‌برند.

Stripped gases

گازهای خارج شده از مایع، بوسیله حبابهای هوا یا پاشش و یا ابزار پخش کننده.

Stripped odors

بوهای خارج شده از مایع، بوسیله حبابهای هوا یا اسیری کردن (پاشش) و یا وسایل پاشنده.

Structural Defect

- نقص ساختمانی.
- عیوب احتمالی در ساختمان یا متعلقات سیستم جمع‌آوری فاضلاب و یا آبرسانی یک ساختمان.

Structural Failure

- ضعف ساختمانی.
- موقعی که در یک ساختمان یک یا بیشتر اجزاء شبکه شکسته شده و یا دچار کمبود و نقص گردیده باشند.

Submergence

- حالتی در یک سد، که ارتفاع آب پشت آن، برابر و یا بالاتر از رأس سد باشد.
- بیان درصدی مقدار آبی که بالاتر از رأس یک سد می‌باشد.
- ارتفاع آن بخش از لوله مکش ورودی یک پمپ، که درون آب باشد.

Subsidence / Sub _ SIDE _ ence

پائین رفتن سطح آبهای زیرزمینی که در اثر انتقال آبهای اضافی از سفره‌های زیرزمینی می‌باشد. منظور از آبهای اضافی، استفاده بیش از حد توسط پمپها (تلمبه‌ها) یا دیگر روشها می‌باشد.

Subsoil geology

- خاک‌شناسی.
- مطالعه حالات و وضعیت خاکهای موجود در زیر سطح زمین (در نقاط مورد نظر).

Substrate

- موادی که بوسیله ارگانیسرها، در محلول مایع مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Subsystem

دامنه یا گسترش لوله‌ها و شبکه زیرزمینی متصل به سیستم جمع‌آوری فاضلاب.
مثلاً: لوله‌های فاضلاب یک پارکینگ اتومبیل که در زیرزمین متصل به سیستم جمع‌آوری می‌باشد.

Sucker rods

میله‌ای سخت یا از جنس چوب، به اندازه ۳ تا ۶ فوت، که از آن برای باز نمودن نقاط مسدود و یا گرفته مسیر فاضلاب، بهره می‌برند.

Suction head

- ارتفاع مکش.

- فشار مثبت و مفید مکش یک پمپ که با واحد فوت و یا

$$\text{پوند بر فوت مربع بیان می‌گردد. } FT \text{ یا } \frac{Ib}{FT^2}$$

Suction lift

فشار منفی و یا غیر مفید در یک پمپ که با واحد فوت یا اینچ بیان می‌گردد.

Sulfat _ reducing bacteria

باکتریهائی که قادر به جذب اکسیژن از ترکیبات سولفات می‌باشند.

Sulfur bacteria

باکتریهائی که برای رشد و نمو خود، قادرند از ترکیبات سولفور محلول، استفاده نمایند.

Sulfur cycle

نمایش نموداری، از محافظت مواد در ظاهر طبیعی و انتقال شیمیایی سولفور، در بین مراحل مختلف تجزیه و جذب، که در تصفیه‌های فاضلاب و لجن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Sump

- آب انبار، چاه گنداب.

- مخزنی که بطور موقت مایعات تخلیه شده توسط پمپ را جمع‌آوری و ذخیره می‌نماید.

Sump pump

استفاده از روشی برای انتقال آب یا فاضلاب از یک مخزن یا چاه، که انرژی لازم برای انجام این روش از طرق مختلفی، از جمله استفاده از یک پمپ‌گریز از مرکز امکانپذیر می‌باشد.

Super chlorination / SUPER _ KLOR _ ray _

shun

کلرزنی با استفاده از مقدار کلری که بطور عمد جهت آزاد گردیدن یا باقی ماندن و یا اشباع کلر، انتخاب می‌گردد.

Supernatant

- مایعات بجا مانده، بعد از ته‌نشینی و رسوب جامدات.

- مایعات موجود در مخزن هضم لجن.

Supersaturated

- سوپر اشباع.

- حالت ناپایدار محلول (آب)، موقعیکه محلول حاوی یک ماده در وضعیت تراکم، بیش از حالت اشباع، برای ماده باشد.

Super saturation

- یک حالت ناپایدار بخار در موقعیکه چگالی سنگین‌تر از معمول، تحت تعادل و وضعیتی معین داشته باشد.

- وضعیتی موجود در نقطه معینی که شامل بخار آب بیش از حالت اشباع باشد.

Suppressed weir

یک سد، واقع در نزدیکی یک کانال یا آبراه، با دو یا چند دریچه خروجی.

Surcharge

- وضعیتی است که در موقع استفاده بیش از حد آب مصرفی، لوله‌های فاضلاب پر گردیده و فاضلاب از درون منهول بطرف بالا حرکت نموده و عبور جریان فاضلاب متوقف می‌گردد.

- وضعیتی است که مقدار آب مصرفی، بیش از ظرفیت و گنجایش لوله‌های فاضلاب باشد.

Surcharged manhole

وضعیتی است که مقدار فاضلاب ورودی به یک منهول، بیشتر از مقدار خروجی از منهول باشد.

Surface aeration

جذب هوا، در میان سطح مایع.

Surfaced defect

- سطح معیوب.

- نمائی از شکستگی یا باز شدن لوله فاضلاب که پوشش خاکی آن توسط عوامل طبیعی شسته شده باشد.

Surface loading

- سطح زیر بار.

- یک راهنمائی، برای طراحی مخازن ته‌نشینی و حوضها در تصفیه خانه‌های فاضلاب می‌باشد.

گالن در روز Gall/day «جریان» $\frac{\text{GPD}}{\text{FT}^2}$ سطح زیر بار
 $\frac{\text{FT}^2}$ «مساحت سطح زیر بار»

Surface runoff

- مقدار بارشی که توسط خاک جذب نگردیده و بر روی سطح زمین جریان می‌یابد.
- آبی که بعد از نفوذ در زمین، به منابع آب‌های زیرزمینی نمی‌پیوندد و توسط نیروی ثقل خود بر روی سطح زمین یا چوبها و نهرها جریان می‌یابد.

Surfaced void

- پیدایش یک فرورفتگی یا گودال بر روی سطح زمین که بر اثر نشست زمین و همراه با گل و لای می‌باشد.

Surfactant

- یک سطح عامل یا واسطه، نظیر ABS یا LAS که موجب افزایش محلول یا پائین آوردن کشش، افزایش جذب و ممکن است باعث کاهش منعقدسازی گردد. (مانند: شوینده‌ها)

Surge

- موج، آبکوهه، ضربه کوچکی.
- یک افزایش آبی و زودگذر در جریان یا فشار یک سیال که معمولاً باعث تغییر در کمیت و سرعت جریان می‌گردد.
- یک حالت دوره‌ای که معمولاً باعث تغییر در جریان، دما - PH - غلظت و... می‌گردد.

Surge chamber

- محفظه موج شکن.
- یک محفظه یا مخزنی که به یک لوله متصل بوده و یا در نزدیکی یک شیر که به سرعت، باز و بسته می‌گردد و یا یک پمپی که ممکن است بصورت ناگهانی شروع به کار و متوقف گردد، قرار می‌گیرد. این مخزن، موجهای ناگهانی ایجاد شده در لوله‌ها را به حداقل می‌رساند.

Surge suppressor

- موج شکن.
- وسیله‌ای که مورد استفاده آن در ارتباط با کنترل خودکار پمپها، در به حداقل رسانیدن امواج و ضربات کوچکی سیالات در خطوط لوله، میباشد.

Surge tank

- مخزن موج شکن.
- مخزن یا محفظه‌ای که در نزدیکی موتورخانه یا تلمبه‌خانه‌ها قرار گرفته و از افزایش ناگهانی جریان به داخل توربینها جلوگیری بعمل می‌آورد.

Surveillance television equipment

- یک مدار بسته تلویزیونی که جهت نظارت بر مسائل امنیتی و ایمنی بکار برده می‌شود.

Suspended solids

- جامدات محلول.
- جامداتی که یا بر روی مایعات معلق می‌ماند و یا در آب، فاضلاب و دیگر مایعات حل می‌گردند.
- مقدار موادی که در آزمایشات فاضلاب در آزمایشگاهها حذف می‌گردند. این آزمایشات به آزمایشات استاندارد متد برای آب و فاضلاب معروف است.

SVI / Sludge volume Index

- اندیکس حجم لجن.

Synergism

- هم نیروبخشی.
- واکنشهای داخلی میان دو چیز که اثری بیش از یک افزودنی ساده دارد.

Swab

- یک وسیله تمیزکننده لوله‌های فاضلاب، که هم قطر با لوله‌های فاضلاب بوده و با حرکتهای چرخشی به درون لوله کشیده شده و بعد از تعمیر کردن، آب با فشار زیاد درون لوله پاشیده می‌شود.

T, t

Tag line

یک لوله یا کابل یا سیمی که وسایل و تجهیزات را از میان شبکه فاضلاب عبور میدهد. به این وسیله در صورت خراب شدن یا مستعمل گردیدن تجهیزات، توسط این وسیله از شبکه خارج میگردد.

Tap

یک سوراخ یا حفره‌ای برای اتصال لوله‌های فاضلاب دو ساختمان مجاور.

Tailgate safety meeting

تعبیه قسمتی در محل تلاقی کامیون و سکوی تخلیه و بارگیری که جهت ایمن‌سازی در برخورد کامیون با سکو، در مراکز صنعتی و تجاری، صورت می‌پذیرد.

Tapered aeration

روشی برای تأمین مقادیری هوا در قسمتهای مختلف یک حوض هوادهی، در فرایند لجن فعال.

Tc / Totat carbon

کربن کل.

TDS / Total dissolved solid

- جامدات محلول کل.

Tee

یک لوله کشی بصورت مستقیم و در یک جهت و راستا.

Telemetry equipment

- تجهیزات دوریاب یا مسافت سنج.
- تجهیزاتی که بعنوان اندازه‌گیرهای فیزیکی در الکتریسته معروف می‌باشند. این تجهیزات ضربه‌ها و تکانهای الکتریکی را مخابره نموده و ضبط می‌نماید.

Telemetry

یک شبکه الکتریکی بین مخابره کننده‌ها و گیرنده‌ها، که خطوط تلفن بطور مشترک برای سرویس‌دهی به خطوط الکتریکی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Television inspection

- بازرسی تلویزیونی.
- بازرسی لوله‌های فاضلاب و منهولها، بوسیله نصب دوربین تلویزیونی مدار بسته از میان لوله‌های فاضلاب و منهولها.

Television inspection log

ضبط اطلاعات فراهم شده توسط بازرسی تلویزیونی.

Television monitor

- صفحه تلویزیون.
- صفحه تلویزیونی که تصاویر ارسالی، سیستم مدار بسته لوله‌های فاضلاب را به تصویر می‌کشد.

Temperature

- دما، گرما.
- مقیاس عددی میزان گرمای مواد و محیط.

Temperature sensor

- حسگر گرما.
- یک حس کننده گرمائی که بصورت یک کلید، با باز و بسته شدن، جریان را قطع و وصل می‌نماید.
- مانند: یک ترموکوپل.

Temporary hardness

- سختی‌هایی که می‌توان از طریق جوشانیدن مایع آنها را حذف نمود. این سختیها را سختیهای کربنات می‌نامند.

Temporary ground water table

- در زمان بارش برف و باران در حد زیاد، خاک اشباع گردیده و ارتفاع بارش از حد معمول بیشتر میگردد. در این زمان، سطح آبهای زیرزمینی نیز در ارتفاع بالاتر تثبیت می‌گردد. این حالت بنام اسفنجی معروف است.
- در هنگام آبیاری زمینهای کشاورزی، سطح آبهای زیرزمینی اطراف نیز ارتفاع می‌یابد.

Terminal cleanout

- محفظه تمیزسازی.
- در هنگام عدم وجود منهول، در انتهای کانال فاضلاب اصلی یک محفظه آشغالگیر تعبیه میگردد، که به ترمینال تمیزسازی معروف است.

Terminal manhole

- منهولی که در بالادست انتهای یک شبکه قرار گرفته و هیچ لوله‌ای وارد آن نمی‌گردد. این منهول بنام منهول مرده معروف است.

Tertiary effluent / TER _ she _ AIR _ ee

- گنداب سوم.
- آن بخش مایع فاضلاب که وارد سومین مرحله تصفیه میگردد.

Tertiary treatment

- تصفیه سوم فاضلاب.
- مرحله سوم تصفیه فاضلاب یا مرحله بیولوژیکی که در دمای معمولی مستلزم دفع مواد مغذی مانند: فسفرها نیتروژن و درصد بالائی از جامدات محلول است.

Test bore

- ایجاد حفره‌ای در زمین بمنظور آزمایش و مشخص نمودن وضعیت خاکهای زیرزمینی.

Thermal stratification

- ترتیب دمائی لایه‌های مختلف در بدنه آب.

Thermocline / THUR _ moe _ LLINE

- لایه‌های میانی در یک طبقه‌بندی گرمائی رودخانه یا چشمه‌ها.

Thermo couple

- ترموکوپل.
- یک وسیله حسگر گرمائی که از دو تیغه با جنس فلز متفاوت ساخته شده و با احساس گرما، تیغه باز و بسته گردیده و جریان الکتریکی را قطع و وصل می‌نماید.

Thermophilic bacteria / Thur _ moe _

FILL _ ick

- گروهی از باکتری‌هایی که در دمای بالای ۴۵° درجه سانتیگراد یا ۱۱۳° درجه فارنهایت، رشد و نمو و تولیدمثل می‌نمایند. دامنه دمائی این باکتریها در تجزیه بی‌هوازی از ۴۹° تا ۵۷° درجه سانتیگراد میباشد.

Thermophilic digestion

هضمی که در دمائی تقریبی یا در محدوده ترموفیلیک عموماً بین ۶۰° تا ۴۳° درجه سانتیگراد و ۱۴۰ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت اتفاق می‌افتد.

Thermophilic range

" See thermophilic bacteria "

Thickeners

- تغلیظ.

- وسایل یا فرایندهائی که بعد از ته‌نشینی ثقلی، موجب افزایش غلظت جامدات لجن، با استفاده یا بدون استفاده از منعقدکننده‌های شیمیایی میگردد.

Thief hole

یک چاه هضم کننده آزمایشی بدون داشتن هواکش برای خروج گازهای ناشی از تجزیه مواد آلی.

Threshold odor

حداقل بوی مایعی که قابل مقایسه و تشخیص نسبت به بوی آب آزاد باشد.

Threshold _ odor number

نمونه‌برداری و آزمایش بوی مایعات، با مقایسه با آب آزاد، که بصورت عددی بیان می‌گردد.

Thrust block

یک توده‌ای از سیمان یا مواد مناسب مشابه که در اطراف لوله‌ها قرار می‌گیرد، تا از حرکتها و تکانهای احتمالی لوله در هنگام حمل و عبور آب، جلوگیری گردد.

Tide gate

- شیر یکطرفه.

- شیر فلکه‌ای دارای دریچه‌ای لولائی که معمولاً بصورت افقی و در انتهای مجرای تخلیه مخازن آب نصب می‌گردد. در صورتیکه آب از سمت مخالف قصد برگشت داشته باشد، دریچه بسته شده و از عبور جریان معکوس که در نتیجه افت فشار آب یا مایعات دیگر می‌باشد، ممانعت بعمل می‌آورد.

Time lag

زمان موردنیاز جهت فرایندها و کنترل سیستم در عکس‌العمل یا واکنش برای رسیدن به یک سطح مطلوب و دلخواه.

Timer

- تایمر.

- یک ابزار خودکار برای فرمان شروع به کار یا توقف دستگاه در زمان معین.

Time weighted average / TWA

متوسط یا میانگین تجمع یک منبع آلوده در زمانها و سطوح آلودگی.

Titrate / TIE _ trate

- تیتراژ.

- (در یک محلول نمونه شیمیایی) و شناخته شده، اضافه نمودن قطره به قطره یک ماده یا محلول اصلی به آن تا تغییر رنگ اصلی آن نمونه، رویت گردد.

Titration

- تیتراسیون.

- تعیین تشکیل دهنده‌های حجمی از یک محلول، بوسیله اندازه‌گیری محلول شناخته شده‌ای که بصورت قطره‌قطره به آن اضافه می‌گردد.

Toc / Total organic carbon

- کربن آلی کل.

ToD / Total oxygen demand

- اکسیژن مصرفی کل.

Tolerance

توانایی یک ارگانیسم (موجود زنده) جهت مقاومت در برابر با قرار گرفتن در معرض یک ترکیب مخصوص.

Topographic geology

مطالعات شکل‌های سنگ و خاک در یک سطح، بمنظور نقشه‌برداری وضعیت زیرزمین یا شناسائی ارتفاع.

Topography / Top _ o _ GRA _ Fic

ترتیب تپه‌ها و دره‌ها در یک سطح جغرافیایی.

Total carbon / TC

- کربن کل.

- یک اندازه‌گیری مقدار کل کربن‌های آلی و غیرآلی موجود در آب و فاضلاب، بصورت تعیین دقیق بوسیله اکسیداسیون شیمیایی دی اکسید کربن و همچنین آنالیز کربن.

Total contribution

کل آب و فاضلاب ورودی به شبکه جمع‌آوری فاضلاب شامل: مناطق مسکونی و صنعتی و غیره.

Total dissolved solids / TDS

- جامدات محلول کل (در آب و فاضلاب).

Total dynamic discharge head.

کل ارتفاع مثبت دینامیکی یک لوله در حال تخلیه.

Total dynamic head / TDH

- کل ارتفاع دینامیکی.

Total Flow

- کل جریان.

- کل جریان عبوری در یک نقطه موردنظر، که در سیستم جمع‌آوری در طول یک دوره زمانی مخصوص، اندازه‌گیری می‌گردد.

Total head

- ارتفاع کل.

- اختلاف ارتفاع میان سطح آب یک منبع و ارتفاع آب در لوله خروجی.

Total organic carbon / Toc

- کربن آلی کل.

- مقدار کربن قطعی موجود در ترکیبات آلی در یک نمونه.

Total oxygen demand / TOD

اندازه‌گیری مقدار کل مواد قابل اکسید شدن در یک آزمایش مربوط به آب و فاضلاب، بصورت تعیین دقیق، بوسیله اندازه‌گیری اکسیژن مصرفی بعد از سوختن ماده در دمای بالا.

Totalizer

یک وسیله‌ای که بطور دائم کل دبی یک جریان را اندازه‌گیری نموده و محاسبه می‌نماید. (بر حسب: گالن، میلیون گالن، فوت مکعب یا بعضی از دیگر واحدهای حجم)

Total Pumping head

اندازه‌گیری انرژی تقسیم شده بر هر پوند مایع و یا اختلاف میان ارتفاع تخلیه و ارتفاع مکش.

Total solids

- جامدات کل.

- مجموع جامدات حل شده و محلول تشکیل دهنده آب و فاضلاب.

Toxaphene / TOX _ uh _ FEEN

یک ماده شیمیایی که باعث ایجاد اثرات نامطلوبی بر روی آبهای مصارف خانگی گذاشته و آنها را سمی و آلوده می‌سازد.

Toxic / Tox _ ick

- سمی.

- موادی که زندگی موجودات زنده را به مخاطره می‌اندازد.

Toxicant

موادی که باعث کشته شدن یا صدماتی به ارگانیسمها (موجودات زنده) در طول فرایندهای شیمیایی، فیزیکی و یا بیولوژیکی می‌گردد. مانند: فلزات سنگین.

Toxicity

اثرات نامطلوبی که یک ماده در عمل بیولوژیکی بر روی زندگی جانداران دارد.

Toxic wastes

- فاضلابهای سمی.

- فاضلابهایی که در تماس با ارگانیسمها، آنها را با خطر مواجه می‌سازد.

Transducer / trans _ DUE _ Sir

یک وسیله اندازه‌گیری حس کننده، که بعد از حس‌های اولیه، اقدام به ارسال سیگنالهای الکتریکی می‌نماید.

Transmission lines

خط لوله‌ای که آب تصفیه شده در تصفیه‌خانه آب را به سیستم توزیع منتقل می‌سازد.

Transmissivity / TRANS _ miss _ siv _ it _ TEE

اندازه‌گیری توان و قدرت یک انتقال. مانند: اندازه‌گیری توان انتقال آب یک سفره زیرزمینی.

Transpiration / TRAN _ Spur _ RAy _ shun

- تعرق، عرق کردن.

- فرایندی که بوسیله آن بخار آب توسط گیاهان زنده، در هوا رها می‌گردند، این عمل مانند عمل عرق نمودن در انسانها می‌باشد.

Trap

- وسیله‌ای برای جلوگیری از بروز جریان معکوس مایعات در لوله‌ها.

Trap dip

" See DIP "

Trap hand hole

" See Handhole trap "

Trash

- زباله.

- زباله و مواد زائد که بوسیله صافیهای درشت از شبکه فاضلاب و کانالهای فاضلاب رو جمع آوری می‌گردد.

Trash rack

- آشغالگیر.

- صفحه صاف یا مشبکی که در عرض یک کانال حاوی فاضلاب نصب گردیده و زباله‌ها و جامدات شناور در فاضلاب را جمع‌آوری می‌نماید.

Trmie / TREH _ me

وسیله‌ای که به جای بتون در زیر آب استفاده می‌گردد.

Trenchjack

ابزاری مکانیکی که در بعضی از مکانها، بعنوان دیرک یا اهرم استفاده می‌گردد.

Trichloroethane (TCE) / try _ K L O R _ O

_ E T H _ h a n e

یک ماده شیمیایی آلی، بصورت یک حلال تمیز کننده، که اثرات نامطلوبی بر آبهای مصارف خانگی می‌گذارد.

Trickling Filter

- صافی یا فیلتر نشستی.

Trickling Filter media

سنگ یا دیگر مواد بادوام که تشکیل دهنده اصلی بدنه یک فیلتر نشستی میباشد.

Trihalomethanes / tri _ H A L _ O _ M E T H _

h a n e

- تری هالومتان.

- از مشتقات متان CH_4 موقعیکه سه اتم هالوژن (کلر یا بُرم) جانشین سه اتم هیدروژن می‌گردند. اغلب در طول کلرزنی بوسیله واکنش با مواد آلی طبیعی، در آب شکل می‌گیرد.

Trough

- آبراه، آبشخور، ناودان.

- یک سازه نگهداری و انتقال آب یا دیگر مایعات که طول آن چند برابر دیگر ابعادش می‌باشد.

Trunk sewer

- شاه لوله، شبکه اصلی.

- یک شبکه جمع آوری فاضلاب که تعدادی از شاخه‌های فرعی فاضلاب دیگری نیز به آن وارد می‌گردد.

Trunk system

سیستم اصلی، شامل خطوط لوله انتقال اصلی و نه شبکه‌های جانبی.

Tube settler

یک سری از لوله‌هایی به قطر حدود ۲ اینچ که در مخازن ته‌نشینی قرار می‌گیرند. و از آنها برای انتقال جامدات ته‌نشین شده استفاده می‌نمایند.

Tubing

- لوله‌های خم شونده‌ای با قطر کوچک، معمولاً کمتر از ۲ اینچ.
- آزمایشی برای لوله‌هایی که با کوبلینگ به یکدیگر متصل می‌گردند.

Tubercle / Too _ burr _ cull

لاپه‌ای حفاظتی که برای مهار و جلوگیری از پوسیدگی و زنگ‌زدگی از آن استفاده می‌نمایند.

Tuberculation / too _ BURR _ que _ lay _ shun

تشکیل و توسعه توده‌هایی از زنگ زدگی و پوسیدگی در داخل لوله‌های آهنی.

Turbid

دارای ظاهری تیره، کدر و گل آلود.

Turbidimeter

ابزاری برای اندازه‌گیری تیرگی و کدري مواد، موقعی که از یک ماده یا محلول استاندارد برای مقایسه با آن استفاده می‌نمایند.

Turbidity

- یک حالتی در آب و فاضلاب که بدلیل وجود مواد محلول در آن، نور در آن پخش و جذب می‌گردد.

- یک برآورد کمی که معمولاً مقدار توربودیتی یا تیره‌گی

یک محلول را اندازه‌گیری نموده و با بیان واحدهای FTU و JTU می‌نماید.

Turbidity units

واحد‌های بیان‌کنندهٔ میزان تیرگی و کدوری آب یا فاضلاب.

JTU _ FTU

Turbin pump

یک پمپ‌گریز از مرکز که انرژی سرعتی را به انرژی فشار تبدیل نموده و موجب بالا بردن ارتفاع آب در اثر گردش پره‌ها و نیروی گریز از مرکز می‌گردد.

Turbulence

- مغشوش.

- سیالی دارای خاصیت‌های نوسانی نامنظم در سرعت، جهت حرکت در اجزاء جداگانه یا عناصر جریان.

- جریان آب، دارای تکانها و نوسانات غیر یکنواخت و مغشوش.

Turbulent Flow

- جریان غیر یکنواخت و مغشوش.

- جریانی که از نظر خواصی مانند؛ سرعت، جهت و اجزاء، دارای نوسانات غیر یکنواختی باشد.

Turn _ down ratio

- درصد صحت یک تنظیم.

- درصد صحت و دقت یک ابزار اندازه‌گیری.

Turnover

پدیدهٔ سیکل یا چرخهٔ آب؛ بصورت آبی که توسط گرما، بخار گردیده و بعد از طریق بارش به آبهای سطحی و

زیرزمینی می‌پیوندد.

Two _ stage digestion

استفاده از دو مخزن هضم در تجزیه بیولوژیکی مواد آلی موجود در لجن. که استفاده از این دو مخزن این اجازه را میدهد تا با جداسازی جامد از مایع، هضم لجن سریعتر و بهتر صورت پذیرد.

Two _ stage filters

استفاده از دو فیلتر یا صافی، برای عبور گنداب به این طریق که گنداب از فیلتر اولیه عبور نموده و یا بصورت مستقیم وارد فیلتر دوم گردیده و یا بعد از عبور از فیلتر اولیه وارد حوض ته‌نشین شده و سپس از فیلتر دوم عبور می‌نماید.

Two way cleanout

استفاده از دو محل برای تمیز نمودن لوله‌های فاضلاب یک ساختمان، که از طریق بازکردن با میله و یا انتقال فنر مارپیچ بداخل لوله‌ها صورت می‌پذیرد. محل اول برای تمیز نمودن در نزدیکی لوله‌های جانبی ساختمان و محل دوم استفاده از یک خط ویژه یا مخصوص می‌باشد.

U , u

Ultimate BOD

- بطور مشترک، مقدار کل اکسیژن موردنیاز برای تکمیل و تأمین مرحله اول BOD.

- اکسیژن موردنیاز برای تکمیل هم مرحله اولیه و هم مرحله ثانویه BOD.

Ultimate disposal

رهاسازی نهائی پساب فاضلابهای شیمیایی، بیولوژیکی یا لجن حاصله، در محیط میباشد.

Ultrafiltration

یک فیلتر پرده‌ای یا لایه‌ای که برای جمع‌آوری و حذف بعضی از ترکیبات آلی در یک محلول آبی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Ultraviolet ray

شکسته شدن پرتوهای ماورای نور، که برای انسان قابل رویت نمی‌باشد.

Under drain

یک لوله تخلیه آبهای زیرزمینی یا تخلیه از بسترهای تعبیه شده آب و فاضلاب.

Undermined

- نقب زدن.

- حالتی است که بسترهای لوله‌ها و منهولها توسط عوامل طبیعی شسته شده و یا جابجا می‌گردد.

- موقعیکه جریان از سطح مقطع یک لوله شکسته عبور نماید، خاکها و مصالح اطراف لوله را شسته و یا منجر به ایجاد حفره و یا گودالی می‌نماید.

Undisturbed soil

- خاکهای دست نخورده.

- خاکهایی که از حفاری و ساخت و ساز بدست نیامده باشد و یا تاکنون استفاده نگردیده‌اند.

Uniformity coefficient / u.c

- بازده بکنواختی.

- نسبت قطر، دانه‌هایی که یک صافی یا الک، اجازه عبور حداقل ۶۰٪ آن را از روزنه‌های الک میدهد، به دانه‌هایی که الک اجازه عبور ۱۰٪ آنها را میدهد.

$$uc = \frac{\text{قطر دانه‌های } 60\%}{\text{قطر دانه‌های } 10\%}$$

Unsteady nonuniform Flow

- جریان غیر یکنواخت غیر ثابت.

- جریان، موقعی که سرعت و کمیت آب در حال عبور در واحد زمان، در هر نقطه در طول لوله متفاوت باشد.

Up flow

اصطلاحی است برای توصیف بخش‌های تصفیه‌ای، که جریان از زیر وارد گردیده و از بالا خارج می‌گردد.

Up flow clarifier

واحدی در تصفیه فاضلاب، در جایی که مایع شامل جامدات محلول، از قسمت بالای حوض ته‌نشین لجن عبور نموده و با مواد منعقدکننده مخلوط گردیده و بعد از اتمام مراحل، جامدات نیز در همان واحد جمع‌آوری و حذف می‌گردد.

Up Flow coagulation

جریان مایعاتی که در انتهای مرحله منعقدسازی، از قسمت بالای حوض ته‌نشینی لجن عبور می‌نماید.

Up Flow contact clarifier

واحدی که آب از کف آن وارد گردیده و از قسمت بالا یا نزدیک سطح آن، تخلیه می‌نماید.

Up flow Filter

هنگامیکه فاضلاب از قسمت بالای حوض ته‌نشینی عبور نموده، ابتدا از یک فیلتر درشت عبور نموده و سپس قبل از تخلیه از یک فیلتر ریز خارج می‌گردد.

Up Flow Tank

یک مخزن یا حوض ته‌نشینی در جایی که آب یا فاضلاب از نزدیک کف آن وارد گردیده و معمولاً بعد از اینکه بصورت عمودی بالا رفت، از قسمت بالای آن تخلیه می‌گردد.

Upper explosive limit / UEL

نقطه‌ای که در آن، تجمع و تراکم گاز در هوا، اجازه انفجار می‌یابد. (البته با وجود اکسیژن و جرقه)

Uprights

دیرکهای عمودی که ممکن است برای جلوگیری از ریزش خاک و آوار در مکانهای حفاری شده، مورد استفاده قرار گیرد. طول این دیرکها بین ۲ تا ۸ فوت می‌باشد.

Upset

- خرابی، اختلال.

- (در مخازن هضم لجن)، هنگامیکه مواد آلی داخل مخزن هضم بطور مناسب پوسیده و تجزیه نشوند.

Upstream

- بالادست.

- جهت مخالف جریان آب یا در جهت آن.

- قسمت بالاتر یک سیستم و شبکه جمع‌آوری فاضلاب.

User

- مصرف‌کننده، مشتری.

- مشترک یا شخصی که از خدمات آب و فاضلاب استفاده می‌نماید.

User charge

هزینه سرویس دهی به مشترکان سیستم آب و فاضلاب که از طرف مصرف‌کنندگان پرداخت می‌گردد.

V , v

Vac _ all

تجهیزاتی که زباله و جامدات درون منهول‌ها را بدون نیاز به ورود کارگران به منهول، خارج می‌سازد. برای پاکسازی منهول از روش تمیز نمودن هیدرولیکی بهره‌مند می‌گردند.

Vacuum breaker

- خلاء شکن.
- وسیله‌ای برای جلوگیری از ایجاد بروز خلاء در خطوط لوله، که معمولاً جهت جلوگیری از سیفوناز، از آن استفاده می‌گردد.

Vacuum Filter

- فیلتر خلاء.
- صافی یا فیلتری که در انتهای آبگیری لجن مورد استفاده قرار می‌گیرد. و شامل بشکه‌ای استوانه‌ای که بر روی محوری افقی قرار گرفته و از صافی پوشیده شده است.

Vacuum Filtration

عمل صاف نمودن یا (فیلتراسیون) خلاء که با استفاده از یک سیلندر استوانه‌ای با حرکت دورانی، اقدام به آبگیری از لجن می‌نماید.

Vacuum Pump

- پمپ خلاء.
- پمپ با تلمبه‌ای، برای ایجاد خلاء در یک فضای بسته. استفاده از یک پمپ در جائیکه آب دارای فشار بالائی در لوله می‌باشد. (بوسیله اختلاف در فشار میان اتمسفر و ذرات خلاء).

Valence

ظرفیت اتم‌های یک عنصر.

Valve

- شیر، فلکه.
- وسایلی برای کنترل و مهار و قطع وصل جریان سیال درون خطوط لوله.
(در پمپها)، یک راه عبور مایعات و یا هوا.

Vapor

- بخار، بخار آب.
- شکل گازی مواد.

Vaporization

- تبخیر، بخار شدن.
- پدیده‌ای شامل: تغییر شکل حالت مایعات یا جامدات به حالت گاز یا بخار.

Vapor pressure

- فشار بخار.
- فشار حاصل از بخار در یک مکان محدود.
- فشار مختصر بخار آب در هوا.

Variable Frequency drive

یک سیستم کنترل که به فرکانس اجازه تغییر در موتورها را میدهد. که از این عامل برای تنظیم سرعت دلخواه در موتورها، پمپها و یا دیگر وسایل، بهره‌مند می‌گردند.

Variable measured

- قابل اندازه‌گیری.
- یک عامل (مانند: جریان یا دما) که بوسیله یک عنصر اولیه یا یک حسگر، اندازه‌گیری می‌گردد.

Variable process

- قابل فرایند.
- یک کمیت شیمیایی یا فیزیکی موقعی که بطور معمول اندازه‌گیری یا کنترل می‌گردد. و در تصفیه‌خانه یا کارخانه از آن بهره‌مند می‌گردند.

Vegetable waste

- زباله‌ها یا جامدات زائد گیاهی
- زباله‌های نباتی و گیاهی که از طریق حیوانات و یا فاضلابهای صنعتی و تجاری و یا دیگر طرق، وارد سیستم جمع‌آوری فاضلاب می‌گردد.

Vehicle liquid

- آب حامل.
- آبی که در یک شبکه فاضلاب از آن برای انتقال و شستن جامدات فاضلاب درون لوله، استفاده می‌نمایند.

Velocity head

- انرژی سرعتی.
- انرژی جریان آب که بوسیله ارتفاع آب مشخص می‌گردند. و مقدار آن (انرژی)، برابر با مربع سرعت جریان آب، تقسیم بر دو برابر شتاب جاذبه زمین. $= V^2/2g$

Velocity meter

- سرعت سنج.
- دستگاهی برای اندازه‌گیری سرعت آب.

Vent,s manhole

" See Manhole Vents "

Vents wasteline system

" See wasteline Vent "

Venturi meter

- مانومتر.
- وسیله‌ای برای تعیین فشار جریان مایع در داخل یک لوله.

که از یک لوله‌ای با قطر کمتر از لوله مورد نظر برای آزمایش تشکیل یافته و برای تعیین فشار مایعات در داخل لوله حاوی مایعات قرار می‌گیرد. فشار مربوطه توسط مانومتر متصل به آن اندازه‌گیری می‌گردد.

Vertical offset

یک اتصال لوله، جاییکه یک مقطع لوله در ارتفاع مختلف به لوله دیگری متصل گردد.

Vertical pump

- یک پمپ پیستونی، در جائیکه حرکت پیستون بصورت عمودی باشد.

- یک پمپ گریز از مرکز، در جائیکه محور پمپ در جهت عمودی باشد.

Vertical scrow pump

یک پمپ چرخشی یا حلزونی، که محور گردنده آن در وضعیت عمودی قرار گرفته باشد.

Video inspection

یک بازرسی تلویزیونی.

Video log

یک ثبت و ضبط اطلاعات و داده‌های بازرسی تلویزیونی از خطوط لوله و منهولهای فاضلاب بر روی یک نوار.

Video tape

نواری که فیلم‌ها و تصاویر ارسالی از بازرسی تلویزیونی خطوط لوله و منهولهای فاضلاب را در آن ضبط می‌نمایند.

Virus

- ویروس.

- کوچکترین شکل موجود زنده که قادر است در انسان و حیوان ایجاد بیماری نماید.

Viscosity

- ویسکوزیته، چسبندگی.

- کشش بین مولکولهای یک سیال که به لزجت یا چسبندگی معروف است.

V _ notch weir

یک سد مثلثی شکل.

Void

شکاف، روزنه، حفره.

شکاف یا حفره‌هایی که در سنگ یا خاک پدید آید و ممکن است این شکافها بوسیله، آب، هوا و یا دیگر مواد پر گردند.

Volatile

- فزار.

- موادی که قادرند تبخیر گردند و یا با بخار تغییر حالت دهند.

Volatile Acids

- اسیدهای فزار.

- اسیدهایی هستند که در طول هضم لجن تولید شده و به اسیدهای آلی معروفند.

Volatile liquids

- مایعات فرار.

- مایعاتی هستند که به راحتی بخار گردیده و یا تحت گرما تبخیر می‌گردند.

Volatile matters

- مواد فزار.

- مواد موجود در آب، فاضلاب و یا دیگر مایعات که در احتراق جامدات در دمای ۵۵۰ درجه سانتیگراد محو می‌گردند.

Volatile solids

- جامدات فرار.

- این جامدات موجود در آب، فاضلاب و یا دیگر مایعات در احتراق جامدات خشک در دمای ۵۵۰ درجه سانتیگراد محو می‌گردند.

Volatile suspended Solids / VSS

- جامدات محلول فرار.
 - جامدات محلول ناپایدار شامل مواد آلی و نمکهای
 غیرآلی ناپایدار که تحت گرمای ۵۵۰ درجه سانتیگراد در
 یک کوره الکتریکی در مدت ۶۰ دقیقه سوخته شده و
 ناپدید می‌گردند.

Voltage

- ولتاژ.
 - پتانسیل یا نیروی الکتریکی که باعث حرکت الکترونها و
 در نتیجه جریان الکتریسته می‌گردد.

Volumetric

اندازه‌گیری بوسیله حجم.

Volute / VOL _ loot

یک پمپ‌گریز از مرکز شامل محفظه‌ای حلزونی که مایعات
 یا گازها، پس از ورود به این محفظه، با وجود حرکت
 پره‌های پمپ که توسط نیروی توربین یا آرمیچر تولید
 گردیده، با حرکت دورانی، موجب تخلیه آن با شتاب
 می‌گردد.

Vortex

- گرداب، گردباد.
 - توده‌ای از آب با حرکت‌های چرخشی، شبیه به یک چرخاب.

VSS / Volatile suspended solids

جامدات معلق فرار.

W , w

Walers / wAy _ lers

اجزاء تشکیل دهنده دیرکها و صفحه‌های محافظ از ریزش آوار و خاک، که از چوبها یا الوارهای چهارگوش و بعضاً ناهموار ساخته شده‌اند.

Warning

- اخطار، هشدار.
- این کلمه برای نشان دادن میزان خطر، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Waste activated sludge / WAS

- لجن فعال زائد.
- جامدات حذف شده از فرایند لجن فعال که برای جلوگیری از افزایش بیش از حد آن در سیستم، جمع‌آوری می‌گردد.

Waste line cleanout

محفظه‌ای در ورودی لوله فاضلاب به ساختمان، که از آن جهت تمیز کردن یا استفاده از فنر مارپیچ جهت رفع انسداد، بهره‌مند می‌گردند.

Waste line system

" See building wastewater collection system "

Waste line trap

" See trap(1) "

Waste line vent

استفاده از یک هواکش با قطر کافی و محل نصب مناسب، جهت خارج نمودن گازها و بوهای نامطبوع از ساختمان.

Wastewater

- فاضلاب.
- آبهای استفاده شده و یا پسابهای خانگی، صنعتی و دیگر مراکز، که جهت تصفیه به تصفیه‌خانه‌های فاضلاب منتقل می‌گردد.

Waste water collection system

- سیستم جمع‌آوری فاضلاب.
- مجموع لوله‌ها و دیگر تجهیزات جمع‌آوری آب‌ها و پسابهای همراه با جامدات زائد را سیستم جمع‌آوری فاضلاب می‌نامند.

Wastewater Facilities

مجموع لوله‌ها، مجاری ساختمانها، تجهیزات و عملیات لازم برای جمع‌آوری، انتقال و تصفیه فاضلابهای خانگی و صنعتی.

Wastewater treatment _ plant

- تصفیه‌خانه فاضلاب.

- کارخانه‌ای شامل؛ لوله‌ها، تجهیزات وسایل، تانکها و سازه‌هایی برای تصفیه فاضلابهای خانگی و صنعتی.

Water column

- ستون آب.

- اندازه‌گیری ارتفاع یا فشار در یک لوله بسته.

Water hammer

صدائی شبیه به چکش زدن که در یک لوله در هنگام باز و بسته شدن سریع شیر، بوجود می‌آید.

Water purveyor / Purr _ VAy _ or

سازمان یا شخص تأمین کننده آب.

Water table

سطح روئی یا بالائی یا نقطه اشباع یک سفره زیرزمینی.

Water table depth

" See ground water depth "

Water table elevation

" See ground water elevation "

Water table head

" See pressure head "

Watershed

- آبگیر یک رودخانه یا چشمه.

- جلگه رودخانه.

Watt

- وات.

- واحد نیروی الکتریکی و برابر با یک ژول در ثانیه.

Wayne ball

تعبیه توپی از جنس یلاستیک نیمه سخت و قابل بادشدن که از آن جهت تمیز نمودن هیدرولیکی لوله‌های فاضلاب استفاده می‌نمایند.

بدینصورت که توپ را در حالت خالی از باد بدرون مجاری فرستاده و سپس آنرا باد می‌نمایند و حجم زیادی از آب را درون لوله و بر روی توپ جاری می‌سازند، پس از تخلیه باد توپ، حجم زیادی از آب با سرعت و فشار وارد لوله گردیده و لوله را تمیز می‌نماید.

Weir / weer

- مانع - سد.

- یک دیوار یا ورق مسطحی که در یک کانال یا آبراه روباز نصب گردیده و از آن جهت اندازه‌گیری مقدار دبی جریان استفاده می‌گردد.

- یک دیوار یا ورق مسطح که در یک کانال یا آبراه مسیر جریان مایعات قرار گرفته و از آن برای مهار و کنترل جریان استفاده میشود.

Weir diameter

حوض‌های ته‌نشینی دایره‌ای تصفیه‌خانه‌های فاضلاب دارای یک مانع در لبه خارجی آن میباشد... مایعات درون این حوض‌ها از بالای این مانع جریان می‌یابد. قطر این مانع، طول یک لبه داخلی مانع تا لبه دیگر در طرف مقابل، یعنی قطر حوض ته‌نشینی میباشد.

Weir loading

- بار مانع.

- یک راهنمایی برای تعیین طول مانع در مخازن ته‌نشینی و حوض‌های تصفیه‌خانه‌های فاضلاب.

$$\text{GPM/FT} = \frac{\text{جریان GPM}}{\text{طول مانع FT}}$$

Well point

یک میله یا لوله توخالی با چند سوراخ در اطراف آن، که بعد از حفاری چاه، برای قراردادن لوله مکش پمپ در آن از این لوله استفاده میگردد.

Wet _ air oxidation

یک روش اکسیداسیون جامدات لجن در محلول آب، تحت فشار بالا و دمای بالای، که به فرایند اکسیداسیون مرطوب معروف است.

Wet chemistry

- شیمی مرطوب.
- استفاده از محلولهای شیمیایی مایع در تجزیه و آنالیز نمونه‌های آب، در آزمایشگاههای آب و فاضلاب.

Wet pit

" See wet well "

Wet well

- چاه مرطوب.
- یک مخزن یا چاهی که فاضلاب درون آن جمع آوری میگردد. که ممکن است یک پمپ مکش نیز در آن متصل باشد.

Wetted perimeter

طول قسمت مرطوب و حاوی فاضلاب، یک لوله فاضلاب.

Wholesome water

یک آب بی خطر و سالم برای مصرف کنندگان.

Wick effect

" See capillary effect "

Wire _ to _ water efficiency

نسبت خروج مکانیکی یک پمپ به ورودی الکتریکی آن در واحد متر.

WWtp / wastewater treatment Plant

تصفیه خانه فاضلاب.

X , x

X. (ex)

- اِكس یا اِکس.

- بیست و چهارمین حرف الفبای انگلیسی

- مجهول، نادانسته و علامت ضربدر ×

Xenon / ZE _ nan

(شیمی)، گزنون

Y , y

"Y" connection

نام دیگری برای سرویس ساختمان.

Y. growth rate

یک برآورد آزمایشی تعیین تخمینی، درصد رشد و نمو
باکتریها، در تجزیه مواد زائد آلی میباشد.

Z , z

Zinc _ [zn]

(شیمی) روی

Zinc oxide

اکسید روی

Zone of saturation

- نقطه اشباع.

- موقعی که فاضلاب خام از یک لوله فاضلاب نشت نماید،

خاکهای اطراف آن نقطه مرطوب میگردد، که آن نقطه به

نقطه اشباع معروف است.

- سطح خاک اشباع شده از آب.

Zoogleal Film

یک جمعیت مرکب و پیچیده موجودات زنده که بشکل خز

بر روی وسایل و فیلترهای نشتی، رشد نموده و موجب

تخریب مواد در فاضلاب می‌گردد.

Zoogleal Mass

توده‌های لزج یا ژله مانند باکتریها که در هر فیلتر نشتی یا

فرایندهای لجن فعال یافت میگردد.

In the name of god

Preface

This one - volume technical and specialty dictionary of "water and wastewater" which consist of thousands of words and idioms is prepared to use by all students, engineers and specialists of this industry.

I sincerely hope that my labors in this regard have been successful and that the reader will find the book worth while.

MAHIN NIROMAND

Winter of 2003

A few points from the author:

In order

to notice the translation of technical materials and understanding the book may have variant meanings in day to day conversation. but, the application of these words In this book are only "Hundred" percent related to the science of "water and wastewater".

- In this percent collection it has been tried to use as many as possible vocabulary and technical idioms that has more application and more need in the "water and wastewater" industry with accurate spelling and also pronunciation of words is inside the "parentheses ()" and the abbreviation is shown inside "[]".

**TECHNICAL DICTIONARY WATER
AND
WASTEWATER**

ENGLISH - PERSIAN

By: MAHIN - NIROMAND

spring 1382

چند نکته از طرف مؤلف:

الف) با توجه به تخصصی بودن ترجمان و مفاهیم ارائه گردیده از طرف مؤلف، ذکر این مطلب، بسیار مهم و ضروریست که: لغات و اصطلاحات موجود، شاید در وضعیت عادی و محاورات روزمره‌ای، دارای معانی و مفاهیم دیگری نیز باشد، و کاربرد مفاهیم این فرهنگ فقط در ارتباط با علوم آب و فاضلاب، بطور صددرصد صدق می‌نماید.

ب) در مجموعه پیش رو، سعی گردیده؛ بیشترین تعداد واژه‌ها و اصطلاحات فنی پر کاربرد و مورد نیاز در صنعت آب و فاضلاب را با املاء دقیق سرواژه‌ها و همچنین تلفظ صحیح بعضی از واژه‌های پیچیده، در داخل «پرانتز» () و جزء به جزء نمودن واژه‌های اختصاری را در «کروشه» []، ارائه نمائیم.



پیشگفتار

در عصر حاضر که مبادلات فرهنگی و تکنولوژی کشورها با یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر گردیده است، و آموختن زبانهای بیگانه و مخصوصاً بین‌المللی برای دانش‌آموزان، دانشجویان و متخصصین، ضرورت حیاتی دارد، و همچنین با توجه به شکوفائی و رشد و توسعه ارتباطات و پیدایش شبکه‌های پیچیده اطلاع‌رسانی و ارتقاء علوم و فنون جدید و نیاز به بهره‌گیری از منابع و کتب تخصصی، به ویژه آخرین دستاوردهای روز دنیا، که اکثراً نیاز به دانستن و آشنائی با زبانهای بیگانه و بخصوص، زبان انگلیسی را دارد، لذا مؤلف را بر آن داشت تا سعی و اهتمام خویش را بکارگیرد، تا با جمع‌آوری واژه‌ها و اصطلاحات مهم و کاربردی مورد نیاز در صنعت آب و فاضلاب برای استفاده کاربران، که طیف وسیعی را نیز به خویش اختصاص میدهد، گامی هرچند ناچیز بردارد.

فرهنگ (انگلیسی - فارسی) تخصصی آب و فاضلاب، شامل ترجمه هزارها لغت و اصطلاح فنی در زمینه؛ استخراج، جمع‌آوری، تصفیه، انتقال، دفع، آزمایشات و دیگر مباحث مورد نیاز در صنعت آب و فاضلاب بوده، که برای اولین بار، بصورت تقریباً کلی و جامع، تألیف و منتشر می‌گردد.

با وجود سعی و تلاش بیدریغ جهت ارائه این اثر، یقین داریم که این مجموعه، عاری از خطا و اشتباه نمی‌باشد، چرا که معتقدیم تنها مکتوب بی‌نقص، همان معجزه جاوید، یعنی قرآن کریم است.

امید است که این کتاب راه‌گشای کلیه دانشجویان، کارشناسان و متخصصین این صنعت بوده، و همواره با همفکری صاحب‌نظران، در سالهای آتی، بتوانیم نسبت به ارائه، مجموعه‌های جامع‌تری گام برداریم.

مهین نیرومند

بهار ۱۳۸۲

نیرومند، مهین
فرهنگ تخصصی آب و فاضلاب انگلیسی - فارسی/
مهین نیرومند. - اصفهان: جنگل، ۱۳۸۲.
۱۵۹ ص.

ISBN 964-6089-67-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا .
Mahin - Niromand ص.ع. به انگلیسی:
Technical dictionary water and wastewater
English - Persian.

۱. آب -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی. ۲. آب --
واژه‌نامه‌ها -- فارسی. ۳. فاضلاب -- واژه‌نامه‌ها --
انگلیسی. ۴. فاضلاب -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی.
۵. فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی. ۶. زبان --
انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی. الف. عنوان.

۵۵۳/۷۰۳

TD۲۰۸/۹۹

۸۲-۱۴۳۶۸

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: فرهنگ تخصصی آب و فاضلاب انگلیسی - فارسی

مؤلف: مهین نیرومند

ویراستار: حسن قندهاری

شمارگان و نوبت چاپ: ۳۰۰۰ چاپ اول

لیتوگرافی: نگین

چاپ و صحافی: خانه چاپ

ناشر: انتشارات جنگل

۶۹۲۶۳۹-۶۹۲۱۱۶۶-۰۲۱

۰۳۱۱-۲۲۱۲۰۴۷

فرهنگ تخصصی آب و فاضلاب

انگلیسی - فارسی

مهین نیرومند

انتشارات جنگل

تهران ۱۳۸۲